







هذا كتاب منبه فؤاد المهتدين

هو الموفق للصواب واليه المآب وبه نستعين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا للاسلام واكرمنا بالايمان وبصرنا في الدين وشرفنا باليقين وعرفنا الحق الذي عنه يؤفكون والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون والله اكبر الحليم العليم الذي له في كل صنف من غرائب فطرته وعجائب صنعته اية بينة توجب له الربوبية وعلى كل نوع من غوامض تقديره وحسن تدبيره دليل واضح وشاهد عدل يقضيان له بالوحدانية كفى باتقان الصنع اية وبتركيب الطبع عليه دلالة وبحدوث الفطر عليه قدمه وباحكام الصنعة عليه عبرة فلا اليه حد منسوب ولا له مثل مضروب لم يخل منه مكان فيدرك باينيته ولا له شبه ولا مثال

فيوصف بكيفيته ولم يغب عن شيء فيعلم بحيثيته مباين لجميع ما احدث في الصفات وممتنع عن الادراك بما ابتدع من تصرف الذوات وخارج بالكبرياء والعظمة من جميع تصرف الحالات محرم على بوارع ثاقبات الفطن تحديده وعلى عوامق ثاقبات الفكر تكييفه وعلى غوامض سابقات الفطر تصويره ولا تحويه الاماكن لعظمته ولا تذرعه المقادير لجلاله ولا تقطعه المقائيس لكبريائه ممتنع عن الاوهام ان تكتنهه وعن الافهام ان تستغرقه وعن الاذهان ان تمثله قد يئست عن استنباط الاحاطة به طوامح العقول ونضبت عن الاشارة اليه بالاكتناه بحار العلوم واحد لا من عدد ودائم لا بامد وقائم لا بعمد ليس بجنس فتعادله الاجناس ولا بشبح فتضارعه الاشباح ولا كالاشياء فتقع عليه الصفات فلا دهر يخلقه ولا وصف يحيط به تعالى عن ضرب الامثال والصفات المخلوقة علوا كبيرا اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين وعبادك الصالحين

واهل السموات والارضین ومن سبح لک یا رب العالمین من
الاولین والاخرین علی محمد عبدک ورسولک وشاهدک
ونبیک ونذیرک وامینک ومکینک ونجیک ونجیبک
وحبیبک وخلیلک وصفیک وصفوتک وخاصتک
وخالصتک ورحمتک وخیرتک من خلقک نبی الرحمة
وخازن المغفرة وقائد الخیر والبرکة ومنقذ العباد
من الهلکة باذنک وداعیهم الی دینک القیم بامرک اول
النبیین میثاقا واخرهم مبعثا الذی غمسته فی بحر الفضیلة
والمنزلة الجلیلة والدرجة الرفیعة والمرتبة الخطیرة و
اودعته الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الی الارحام
المطهرة لطفا منک له وتحننا منک علیه اللهم صل
علیه وعلی اهل بیته صلوة ترضیها لهم وبلغهم منا
تحیة کثیرة وسلاما   اما بعد مستمد فیوض ازلی خادم
شریعت مطهره مبلبل دودمان مصطفوی ابو الحسن بن المرحوم
المغفور صدر الاشراف المیرزا یوسف المجتهد التبریزی عفی الله
عنهما بعرض برادران ایمانی ودوستان روحانی میرساند که چون
خداوند رؤف ومهربان حضرت ختمی مآب را اشرف واکمل وارفع

ازامم

ازامم سابقه وسالفه قرار داده ومحل ومکان ایشانرا در رفیع علی
در جوار رحمت با یمن وبرکت ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین معین
داشته وپادشاهی جنت را بآنها عطا فرموده وامتیاز شرف وعزت
وتعظیم واجلال را بمرتبت واحترام وقرب ومنزلت وخاطر
خواهی حضرت اشرف کائنات وخلاصه موجودات احمد محمد المصطفی
وآل الطاهرین او موالی مقرر ساخته است وغرض اصلی حضرت باری
جلت عظمته از ایجاد این عالم وخلقت بنی آدم اعطاء ثواب
وایفاء نفع دائمی وپایدار است وتحصیل علی مرتبه الکملیت
واستحقاق یافتن عبد باخذ ثواب منوط امتثال اوامر ونواهی
حق جل وعلا است وقبل از تحصیل نفس وحمل بطاعات اعطا
ثواب بربنده در نظر عقلا وحکماء قبیح وناروا است زیرا که
ثواب عبارة عن النفع المستحق المقارن للتعظیم والاجلال
وتعظیم کسیکه مستحق تعظیم نباشد حکیمانرا نشاید لهذا
تکلیف جمیل را لطفا وتضعیف حسنات را فضلا خداوند
کریم برای امت وسیله جمیله فوز بثواب مقرر داده وبه
بشارت وان تک حسنة یضاعفها ویؤت من لدنه اجرا
عظیما مبشر وبا یضاح الطاف خفیه خود بکلام معجز بیان الا

من آمن و عمل صالحا فاولئك لهم جزاء الضعف ایشان را
ممتاز و مفتخر ساخت و باحسن جزاء و اجزل عطاء و اجر بی کران و
ازدیاد فضل و رحمت خود بحکم آیات کثیره مثل لیجزیهم الله
احسن ما عملوا ویزیدهم من فضله و آیه انما یوفی الصابرون
اجرهم بغیر حساب و آیه من عمل صالحا من ذکر او انثی و
هو مؤمن فاولئك یدخلون الجنة ویرزقون فیها
بغیر حساب و آیه من جاء بالحسنة فله عشر امثالها مؤمنین
و مؤمنات را تعظیم و تکریم فرموده و ابرامت عالی عرشیه را باعمال
چند مخصوص بدرجه عالیه رفیعه روضه رضوان فایض کردانید
و غرض اصلی حضرت باری جلت عظمته از ایجاد این عالم همین
ضمن حاصل آمده و در حق مؤمنان سمت تحقق پذیرفت و بر
خاطر فاتر این بی بضاعت رسید که چون زده کان وادی جهالت و
بیخبری و مدهوشان شراب بغی و ضلالت را با مواعظ حسنه
و نصایح جمیله از خواب غفلت بیدار و از مستی حیرت هشیار
کردانند با ادله محکمه و آیات و اخبار صریحه متقنه بر موارد ترغیبات
معنویه و محل مثوبات الهیه که در کمون اعمال مضاعفة الکمیة والکیفیة
مودع و مندرج است آگاهانیده و متنبه سازد تا کافه مؤمنان

و عامه شیعیان از اطاعات حضرت سبحانی میل و رغبت بیشتر افتاده
از مایده سبحانی و عایده ربانی بهره وافر و نصیب کامل برند و
چون از فضل شامل ایزد متعال امیدوارم که این مختصر موجب تنبیه
و تنبه قلوب اهل هدایت است لهذا اینرا منبهة فؤاد المهتدین نامیده
ملتمس از ناظرین این وجیزه آنست که چون در حوزه استعداد ناقص
این قلیل الاستطاعة بقلم آمده بدیده عیب جوئی نظر ننمایند
و در حیات و ممات این تیره روزگار را بدعای خیر اعانت فرمایند و حسبی
الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر و این مختصر مشتمل بر عشره دستور
مرتب شد بر مقدمه و دو مبحث و سه باب مقدمه در بیان حقیقت ایمان
و ایضاح مراتب فضل و نقصان و کیفیت مراتب و شدت و کثرت
عداوة شیطان مطرود نسبت بقاطبه نوع بشر و پاره نصایح منبهه
و مطالب مهمه است بدان ایدك الله تعالی بالعصمة و وفقك
لملازمة الطاعة و لزوم الجماعة و رفض اهل البدع و مستعملی الرأی
المخترع و جعلك من اهل السداد و من صالح العباد و رزقك فوز
المعاد و سلامة المرصاد که بعد از حصول تحلی بامستمای ایمان باعث بر
ترقیات معنوی انسان موجب فایز بودن بدرجه رفیعه رضوان اکبر و اعلی درجه
جنات موعود در قرآن مجید اعمال صالحه و عبادات مقبوله است و حجت

از

از مواظبت بر اعمال حسنه و ترک منهیات مقرره و معلومه که از شریعت
حضرت ختمی مآب شده دیگر سببی که مقتضی فوز بر فوز عظیم باشد
مگر فضل و رحمت حق جل و علا چنانکه علامه مجلسی از جلاء العیون
نقل فرموده که حضرت اکمل موجودات خاتم الانبیا در حالتی که مریض
بود عصابه بر سر مبارک خود بسته و بر دوش مولای متقیان امیر مؤمنان
و فضل و تکیه فرموده بمسجد در آمده و در منبر بالا رفته فرمود ای گروه
مردم نزدیک شده است که من از میان شما غایب شوم ای گروه مردم نیست
میان خدا و میان احدی وسیله که بسبب آن خیری یا بدفع شری از او برگردد
مگر عمل بطاعت خدا ایها الناس دعوی نکند دعوی کننده که من بی
عمل رستگار میگردم و آرزو نکند آرزو کننده که بی طاعت خدا به
رضای خدا میرسم بحق آن خداوندی که مرا بحق بخلق فرستاده است که
نجات نمیدهد از عذاب الهی مگر عمل نیکو و با رحمت حق تعالی و حضرت
سید سجاد در صحیفه خود در دعاء استکفاء میفرماید و لا
ابلغ رضاک و لا انال ما عندک الا بطاعتک و بفضل رحمتک
و خداوند رحیم در کلام مجید خود در سوره عصر قسم یاد کرده
فرماید والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین امنوا و عملوا الصالحات
انسان بجز عمل نیکو مامور بهر چیز کند موجب خسران و زیان کاریست

و فوز

و فوز بر جنان و ترقی بر درجات عالیه و تقرب در نزد حضرت سبحان
باز بسته بی اعمال حسنه است چنانکه از جناب امام جعفر صادق در
باب ثواب افضلیت جناب مولای متقیان امیر البررة چنین منقول گردیده
است که امیر در نزد خدا بهتر است از جمیع ائمه و از برای ائمه هست
ثواب اعمال ائمه هدی و ائمه بقدر عملهای خود با درجه یافته اند
و شاهد بر این مقال آیه وافی هدایه تلک الجنة التی نورث من
عبادنا من کان تقیا و آیه الذین یعملون الصالحات ان
لهم اجرا کبیرا و آیه من یاته مؤمنا قد عمل الصالحات فاولئک
لهم الدرجات العلی و آیه اما الذین امنوا و عملوا الصالحات
فلهم جنات المأوی نزلا بما کانوا یعملون و آیه فلا تعلم نفس
ما اخفی لهم من قرة اعین جزاء بما کانوا یعملون و نظایر اینها
است بسیار بلکه بقرآن مجید پوشیده نیست که خداوند ملک منان
در اکثر جاهای فرقان بعد از ذکر ایمان مؤمنان را یاد کردن اعمال صالحه
مدح و تحسین فرموده است بلکه از اخبار کثیره ظاهر میشود که اعمال
صالحه از جمله اجزاء ایمانست چنانچه چهار خبر در بن مغنی در
عیون اخبار الرضا از حضرت ختمی مآب روایت شده است الایمان
معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان و از حضرت امام

رضا در تعریف ایمان چنین خبر رسیده که ایمان عقدیست با قلب
و لفظیست که بزبان گفته شود و عمل کردن با جوارح و اعضاست
و از حضرت امام جعفر صادق ابو عمرو سؤال کرده است که کدام یک
از اعمال در نزد خدا افضلست جواب داده است آن عملیکه مقبول
نمیفرماید خداوند شیئی را مگر بسبب آن افضل از همه اعمالست عرض
کرده است آن چه عملیست فرموده است الایمان بالله الذی لا
اله الا هو اعلی الاعمال درجة واشرفها منزلة واسناها
حظا ونیز سؤال کرده است که ایمان قولست با عمل یا اینکه قولست
بلا عمل آنحضرت فرموده است که الایمان عمل کله والقول بعض
ذلک العمل بفرض من الله بین فی کتابه واضح نوره ثابت حجته
یشهد له به الکتاب ویدعوه الیه ابو عمرو عرض کرده است
که ایمان را وصف فرما از برای من تا آنکه بفهمم آنحضرت فرموده
است که از برای ایمان حالاتی و درجاتی و طبقاتی و منازلیست
بعضی از ایمان تام کرده تمامیت بنهایت رسیده است و بعضی از آن
ناقص است که نقصان آن ظاهر است و بعضی دیگر از ایمان راجح است
که زاید است رجحان آن بعد سؤال کرده است که آیا ایمان تمام میشود
و ناقص میگردد و زاید میشود امام فرموده است که بلی راوی عرض کرده

که بیان ایمان مطلب بچه طریق است واضح فرماید امام در جواب او
فرموده است از برای آنکه خداوند فرض و واجب فرموده است ایمان
را بر جوارح و اعضای بنی آدم و قسمت کرده و متفرق ساخته است
ایمان را بر اعضا و هیچیک از جوارح نیست مگر آنکه موکل شده است
از ایمان بغیر آنچه که عضوهای دیگر بر آن موکل گردیده است پس از
جمله اعضای آدمی یکی قلبست که آدمی با او اشیا را تعقل کرده و می
فهمد و او امیر بدن است و جوارح و اعضا بحکم او عامل اند و آنچه
که از ایمان بر او واجب شده است اقرار و معرفت و عقد و رضا و تسلیم
است بر اینکه لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا لم
یتخذ صاحبة ولا ولدا وان محمدا عبده ورسوله صلوات
الله وسلامه علیه و آله و اقرار دادن است بهر آنچه که حضرت ختمی
مآب از جانب خداوند رؤف و مهربان آورده است از نبوت و کتاب
و اینست عمل قلب و آن است راس ایمان و فرض و واجب فرموده است
خدا بر زبان که از جانب قلب اقرار داده و به تعبیر آورد هر آنچه را
که قلب عقد نموده و اقرار کرده است بر آن و بر گوش واجب فرموده
است اینکه منزه باشد از گوش دادن بر آنچه که خدا حرام کرده است
استماع آن را و اعراض کند از آنچه که حلال نیست بر گوش شنیدن

آن را از اشیائیکه خدا از او نهی فرموده است و خود داری نماید از استماع آنچه که موجب سخط خداوند میباشد خداوند در تعریف مؤمنان چنین میفرماید الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ونیز فرموده است اِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ اَعْرَضُوا عَنْهُ واینهم عمل سمع است و واجب کرده است بر چشم که نظر نماید بر آن اشیائیکه خدا حرام کرده است بر چشم نگاه کردن بر آنها را وهم اعراض نماید از منهیات الهی خداوند میفرماید قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ پس در این آیه شریفه نهی فرموده است از اینکه مرد نگاه کند بر فرج برادر خود و واجب کرده است که فرج خود را مستور کرده نگذارد که دیگری بر آن نظر نماید ونیز خداوند فرموده است وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ در این آیه خدا زنها را نهی فرموده است از اینکه نظر نمایند بفرجهای یکدیگر و امر نموده است که فرجهای خود شان را محفوظ بدارند از اینکه دیگران بر آنها نظری نمایند پس اینست آنچیزیکه خدا واجب کرده است بر چشمان که غض بصر از محرمات الهی بکنند و اینست عمل عین و آن عمل از ایمان است و واجب نموده است بر دستها که بر محرمات الهی حمله نیاورده و بر جای محرمات دراز نشوند و بر اشیائیکه خداوند آنها را واجب کرده است مباشرت نموده و بر جانب آنها ممتد شوند و واجب فرموده است بر دستها که صدقه

زادن و صله رحم نمودن و جهاد کردن در راه خدا و وضو گرفتن از نماز را چنانچه در آیه شریفه میفرماید يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اِذَا قُمْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ اِلَى الْكَعْبَيْنِ ونیز فرموده است فَاِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ الخ پس اینست آنچه که خدا واجب فرموده است بر دستها و واجب نموده است بر پاها که بر نوع نیکو معاصی خدا و نکوئی بر و بطرف آنچیزیکه خدا را خوشنود کرداند راه روی و اینست تکلیف پاها و همه این تکالیف مفروض بر پاها نیز از ایمان است و واجب فرموده است بر او که در شب و روز از برای خداوند عظیم الشأن سجده کند و در نمازهای پنجگانه با خاک مذلت تواضع و فروتنی نماید چنانچه در کلام مجید خود میفرماید يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و این آیه شریفه فریضه جامعه است از برای وجه و دستها و پاها پس هر کسیکه ملاقات کند خداوند عز و جل را در حالتیکه حفظ کننده است اعضا و جوارح خود را و هر جارحه از جوارح او وفا کننده است بر آن تکالیفیکه خدا بر اعضای او واجب فرموده است مستکملاً لایمانه خدا خود را ملاقات کند و مستحق از اهل بهشت او هم

خیانت نماید در شیئ از جوارح خود یا تعلل کند از آنچه که خدا
بر اعضای او امر فرموده است ناقص الایمان خدا را ملاقات میکند
عمر و معروض داشته و سؤال نموده است ناقص شدن و تمام بودن ایمان را
فهمید زیادتی ایمان از کجا می‌باید اما این ایراد دلیل بر صدق
مقال و مؤید کلام خود آورده است و اذا ما انزلت سورة
فمنهم من یقول ایکم زادته هذه ایمانا فاما الذین آمنوا
فزادتهم ایمانا وهم یستبشرون و فرمود که مؤمنون بسبب
بودن ایمان داخل جنت میشوند و بزیادتی ایمان تفاضل المؤمنون
بالدرجات عند الله و بالنقصان دخل المفرطون النار
انتهی بدانکه علامه حلی ره در کتاب الفین اقوال امامیه و جمیع
فرق عامه را تفصیل نقل نموده و بعد از فراغ از نقل اقوال چنین
میفرماید که حاصل این تفاصیل آنست که عمل صالح یا جزء ایمان
است و یا اثر آن پس معرفت از برای مؤمن از کجا او بدون اعمال صالحه
نمیباشد و مؤلف ترجمه اقوال کل من ینتحل لهذا الدین را چنانچه
علامه خود در الفین ایراد کرده است در اواخر این جزء تحریر او
که مؤمنان از بصیرت زیادتی در مشاهده ایمان حاصل آید این برادر این
فقره در پیش همه اهل معرفت بمثابه ضرورت آمده و از فقرات دیگر

حکمش عمر و مذکور فهمیده میشود که درجات مردم در آخرت متفاوت
بوده و بیک نسق نمیباشد و بعض خلق الله یبلغ بحج بمرتبه میرسند
و تفاوت بین در بین مراتب درجات بشر هست و سبب فضل در میان
مردم منحصر با ایمان و تفاضل و تفاوت مؤمنان از هم کنار بسبب
زیادتی و نقصان ایمان است و از اینجهت حضرت سید سجاد در دعای
مکارم الاخلاق ابتداء تکمیل ایمان را مسئلت نموده میفرماید
وبلغ بایمانی اکمل الایمان واجعل یقینی افضل الیقین
وانته بنیتی الی احسن النیات وبعملی الی احسن الاعمال و از
خبر عمر و ظاهر شد که کمال ایمان با اعمال صالحه و حفظ اعضا و
جوارح از معاصی و منهیات الهی است بلی بنا بعد از اذعان و اقرار
بار ارکان دین و ایمان ناچار است از اتیان اعمال صالحه و ترک
نمودن محرمات وارده و معلوم از صاحب شرع مقدس و بحکم آیه کریمه
الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم
بما کانوا یکسبون در فردای قیامت از اعضا و جوارح انسانی
که حاملان اعضای شریفه ایمان اند سؤال شده و اعضا اقرار
و شهادت بر کردار ناشایست خود زاده و نفس نفیس آدمی بمعرض
عتاب و خطاب در آمده و عرق انفعال بریخته خجل و شرمسار خواهد شد

و بمعنای آیه شریفه وَاَنَّ اللهَ لَیسَ بِظَلّامٍ لِلعَبِیدِ خداوند عالم و
مقتدر هر کسی را بقدر بدی اعمال اش جزا داده و بعقاب بدی معاقب
داشته و مجرمان را در جهنم بمقتضای آیه مخوفه اِنَّهُ مَن یَأتِ رَبَّهُ
مُجرِمًا فَاِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحیٰی مسجون و معذب
خواهند فرمود غافل مباش که بمعنای آیه منبهه وَاِذ زَیَّنَ لَهُمُ
الشَّیطَانُ اَعمَالَهُم شیطان عیناً اعمال شنیعه و افعال قبیحه را
در نظر تو جلوه دهد که از کوتاه رأیی و غفلت آنها را خوب
پنداشته از مأمور رضی الله عنک دور جویی هوشیار باش که
تابع مرتدان بیدین و بیباک نگردی و پی خواهشهای ایشان نروی
وَلَا تَتَّبِعُوا اَهوَاءَ قَومٍ قَد ضَلُّوا مِن قَبلُ وَاَضَلُّوا کَثِیرًا
عَن سَوَاءِ السَّبِیلِ را از خاطر خود فراموش نفرمایی که یکباره
ترا از دین و صراط مستقیم ایمان گمراه کرده بوادی حیرت و ضلالت
نیندازند در این دنیا بعضی گبران بمقتضای سلیقه خودسا
هر کرا منقاد و تابع خود بینند از عبادات و اعمال صالحه او را منصرف
داشته ناقص الایمان و مطیع شیطانش نموده و بوعید صریح
آیه اِنَّ الَّذِینَ یَستَکبِرُونَ عَن عِبَادَتِی سَیَدخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ
خوار شده کافران بجهنمش داخل و وارد مینمایند و یقین بدانکه در فردای

قیامت

قیامت رفیقان بد که ترا بضلالت و مخالفت حق تعالی وا داشته اند
از تو تبرا جسته پریشان و خسته ترا تنها گذاشته مشغول حال
خود باشند کما قال الله تبارک و تعالی اِذ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا
مِنَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا العَذَابَ وَتَقَطَّعَت بِهِمُ الاَسبَابُ
وَقَالَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا لَو اَنَّ لَنَا کَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنهُم کَمَا تَبَرَّءُوا
مِنَّا کَذٰلِکَ یُرِیهِمُ اللهُ اَعمَالَهُم حَسَرَاتٍ عَلَیهِم وَمَا هُم
بِخَارِجِینَ مِنَ النَّارِ و تو در عذاب الیم و شرب حمیم گرفتار
مانده چاره برای استخلاص خود در نیابی رئیس و سرآمد ضلالت
افتاده گان و گمراهان و طایفه مضلین و مفتنین شیطان
رجیم است که خداوند در کلام مجید خود عداوت و دشمنی او را اعلان
داده و بندگان را آگاهانیده است و بطرزی نیکو امطرود نموده
و فرموده وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیطَانِ اِنَّهُ لَکُم عَدُوٌّ مُبِینٌ
آن مغضوب و رجیم درگاه اله در دشمنی خود پایدار و دست از گریبان
بنی آدم بر نداشته همواره همت گماشته که بندگان را بمعصیت
کار وا داشته در مغضوبیت قرین خود سازد اِنَّمَا یَأمُرُکُم
بِالسُّوءِ وَالفَحشَاءِ وَاَن تَقُولُوا عَلَی اللهِ مَا لَا تَعلَمُونَ شیطان در
حضور خالق اکبر جسارت کرده فضولی نموده لَاَتَّخِذَنَّ مِن عِبَادِکَ

نصیباً مفروضاً ولأضلّنّهم ولأمنّینّهم ولآمرنّهم کفته و مکنون
خاطر خود را اظهار و عداوت قلبی و دشمنی خود را با بنی آدم آشکا
و مراقبت و سعی خود را در اضلال و لاد ابو البشر بالصراحة معروض
داشته وقال فبما اغویتنی لأقعدنّ لهم صراطك المستقیم
ثمّ لآتینّهم من بین ایدیهم ومن خلفهم وعن ایمانهم وعن شمائلهم
ولا تجد اکثرهم شاکرین درصورتی که دشمن جانی آدم در مبدا
عداوت این قسم استوار نموده و خود نمائی کرده و کردار و رفتار
خود را در حضور خداوند غالب و قاهر به نظر بی تبقیر سو بیان آورد
وعازم و جازم بر اهلاک انسان گردیده ابد الآبد مسیر روستیا
و شرهها از خالق اکبر نماید و خداوند دشمن او این نیز از نازل
فرماید ومن یکن الشیطان له قریناً فساء قریناً دلیل صفا
و بیجز دلیست که آدمی بجود دشمن ابد و شنهوا امان خود بپنداشته
و بفرموده خداوند علیم ملتفت نگشته ومن یتّخذ الشیطان
ولیّاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً و از خسران ابدی
باکی نکرده مطیع و منقاد او گردیده و هیچ وقت در خیال حفظ خود نبوده
و در حیل شرك شیطان تامل و تفکر نموده بمقام خودداری بر نیامده
امثله بی محکم و اوبند یعدهم ویمنّیهم وما یعدهم

الشیطان الّا غروراً اولئك مأویهم جهنّم ولا یجدون عنها
محیصاً واگر چنین پنداری که در فردای قیامت بعد از خواهی و
ناخواهی تو نفعی مترتب بود از عذاب الیم خود را برهانی یقین بدان که
خیال خام کرده و به تهمت مغرور و مفتون نفس خود شده جاهل به حکم
در شریعت حضرت ختمی مآب معدوم و نیست مسلماً مگر در دو جا
در قصور و تمام وجهر و اخفات نفهمیدن ندانستم حیا کردم مسأله را
یاد نگرفتم در دنیا و عقبی بجز حجر نیاسده و مفید نگردیده با خیالات فا
سده و لستوبلا از کرتیا انسان دست بر نمیدارند لیس بأمانیّکم ولا
امانیّ اهل الکتاب من یعمل سوءاً یجز به ولا یجد له من دون الله
ولیّاً ولا نصیراً و با خوش خیالی ترا قرین برگزیدگان نمیکنند ام
حسب الذین اجترحوا السیّئات ان نجعلهم کالذین آمنوا
وعملوا الصالحات سواءً محیاهم ومماتهم ساء ما یحکمون
و بعمل تحصیل بهشت نشاید ام للانسان ما تمنّی لیس للانسان
الّا ما سعی آگاه باش که بلکه عمل از تو میخواهند اعمال صالحه
مقرونه بر ایمان حتماً موجب نجات از جهیم و فوز بر نعیم و موجب اعلای
انسانکا قال الله تعالی ومن یعمل من الصالحات من ذکر او انثی
وهو مؤمن فاولئك یدخلون الجنّة ولا یظلمون نقیراً

در روز جزا که مجرمان حساب و عذاب سخت خدا را دیده دور شیطان جمع
شده میخواهند تقصیرات خود را بگردن شیطان انداخته خود را از
معرکه برهانند آن ملعون شقی عاصیان از اجابت کرده خود را از لوم و
توبیخ مبرا داشته سبب خسران و بدحالی را منوط و مربوط باختیار
و خباثت نفس خود مجرمان ساخته دامن خود را از دست خاسران برهاند
وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ
وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ
دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا
بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ
قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ حاصل جواب آن شقی ضال
و مضل این میشود که شما به وعده‌های راست خداوند گوش نداده بوعده‌ها
را درجا صادق نپنداشته و فقط بغرور خیالی اکتفا نکرده اشتباه بوعده‌های
کاذبه من مایل گشته و اکاذیب مرا بجای صدق و حقیقت او در یکجا حال
آنکه دشمنی مرا امید استید تقصیر من چه شد منم که شما را مجبور نکردم
و سلطنتی بشما نداشتم کاری نکردم مگر آنکه شما را خواندم و شما هم از جهل
بدرای خودتان مرا اجابت کردید از کثرت خباثت نفس خودتان مرا اطاعت
نمودید امروز مرا ملامت نکنید بلکه نفسهای خودتان را لوم و توبیخ نمائید

امروز

امروز نه من میتوانم شما را از عذاب خدای عز و جل و علا برهانم و نه شما بفریاد
من میرسید تا از آتش جهنم مرا مستخلص نمائید من اقرار نداده و کافر شده
بآن اشخاصی که شما شریک خدا قرار داده بودید انها را او امروز از برای
ظالمان عذاب دردناک مهیا است همینکه سخن مجرمان و کافران در
دامن شیطان بانجا کشید در مقام ابتهال شروع بگریه و زاری کرده بدرگاه
خداوند بزبان عذرخواهی باز میمانند بعید بنعتاده از مصدر
ربوبیت چنین خطاب میرسد أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا
تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا
تَعْقِلُونَ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ
بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ بعد از استماع این خطاب خود را مقصر و خطا
کار دیده ملزم و لا علاج مانده رو بآتش جهنم گذاشته خائب و خاسر
خواهی شد ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ذَلِكَ يَوْمُ الْحَسْرَةِ ذَلِكَ يَوْمُ
الْآزِفَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ لَا تُسْتَقَالُ فِيهِ الْعَثَرَاتُ وَلَا تُبْسَطُ فِيهِ
التَّوْبَاتُ وَلَا يُسْتَدْرَكُ فِيهِ مَا فَاتَ شیطان در آخرت فقط
از کافر و مجرم تبرا جوید بلکه در این دنیا نیز وقتیکه مجرم را بمعصیت
خدا وا داشت و او را بضلالت و بلا افکند خود را بکنار کشیده گوید

کرده

که انی بریء منک انی اخاف الله رب العالمین. ایمدعی عقل جزا
طالب قرب خداوند کریم و رحیم و غفور و شکور و رؤوف نمیباشی
و حال آنکه در حدیث قدسی بعباد خود رسانیده من تقرب الی شبرا تقربت
الیه ذراعا قرب عباد بخداوند علی و اعلا باتیان احسان و رد
دین و مواظبت کردن بر اعمال صالحه و مداومت نمودن بذکر حضرت
سبحانست نه بذات و مکانست زیرا که قرب ذاتی و مکانی از صفات
اجسامست والله تعالی منزه عن ذلک و مقدس و قرب خدا به بنده عبارت
از قرب نعمتهای خدا و الطاف و بر و احسان خدا و ترادف منتها و فیض
مواهب خداوندی است بر بنده و رأفت و مهربانی خداوند رحیم و کریم
درباره بندگان خود نه بحد ثبت فکر بکنه حقیقت آن تواند رسید
و یا کسی پایه بنای اعلی طرحهای آن را داشته باشد در خبرست از حضرت
امام جعفر صادق ع که خداوند حی فرمود بحضرت داود که ای داود
بنده مؤمن من وقتیکه گناه کرد بعد از آن رجوع نمود و توبه کرد از آن
گناه و شرم کرد از من در وقت یاد آوردن آن گناه می بخشم گناه او را
و از خاطر حفظه آن را بدر میبرم و آن گناه را بحسنه مبدل مینمایم باکی
کنم و منم ارحم الراحمین. و در خبر دیگر وارد است که باعضا و جوارح
بنده تائب نیز وحی میفرماید که در فردای قیامت بپوشانید و شهادت ندهید

هم

و همچنین به بقاع ارض حکم میفرماید که شهادت مدهید در باره او
اظهار ننمائید پس در روز قیامت شاهدی که بضرر و بر او باشد نمیباشد و نیز
وارد است که خدا با بنده توبه کار خطاب میفرماید بلکه گویا غیر از او بنده
و مخلوقی ندارد و در این صورت کی روا باشد که بنده روزگار خود را به
کسالت بسر برد و اندوه و سوء به پرستش ایزد متعال را بجا نیاورد و در حدیث
وارد است که المؤمن القوی خیر من الضعیف مؤمن قوی آنست
که قوی باشد در ایمان خود یعنی از برای او قوتی و عزمی و قریحه باشد
در امور آخرت تا بر اذیتها و شدتها در راه رضای خدا صبر و تحمل بیشتر
باشد و ارغب باشد در عبادتها و طاعتها و نفی آن حضرت نمی نماید جناب
خاتم الانبیا محمد المصطفی ص سبیل کسی را که اهل نشیب واضح در دو
جناب سید سجاد در صحیفه خود بعد از دعاء احمد ز جهان حضرت مولی
را بطور المضامین بیان کرده میفرماید اللهم و صل علی محمد امینک
علی وحیک و نجیبک من خلقک و صفیک من عبادک امام
الرحمة و قائد الخیر و مفتاح البرکة کما نصب لامرک نفسه
و عرض فیک للمکروه بدنه و کاشف فی الدعاء الیک حامته
و حارب فی رضاک اسرته و قطع فی احیاء دینک رحمه و اقصی
الادنین علی جحودهم و قرب الاقصین علی استجابتهم لک و والی

وبذ

فیك الأبعدین وعادیٰ فیك الأقربین وأدءب نفسه فی
تبلیغ رسالتك وأتعبها بالدعاء إلی ملّتك وشغلها بالنصح
لأهل دعوتك وهاجر إلی بلاد الغربة ومحلّ النأی عن موطن
رحله وموضع رجله ومسقط رأسه ومأنس نفسه إرادةً
منه لإعزاز دینك درجائیکه حضرت ختمی مآب با آن لطافت
بدن وجلالت شان مکلف بمشقّت و زحمات بی انتها شده وطن
اصلی و مسقط الرأس خود را بکلّی ترك کرده بولایت غربت وغاری
از الفت هجرت نماید و در راه محبت خدا با خویش و اقربا عدو و جهاد
و با اجانب و بیگانه کمال الفت و آشنائی نماید و با هر که با خدا سر محبت بیش
آورد دوستی کرده و با هر که با خدا دشمنی گذاشت اظهار عداوت فرموده
در همه اوقات مراقب بتحصیل رضای الهی بوده باشد سایرین بدین هیچ
حتما و جزما معذور نخواهند شد کما قال الله تعالی قل إن کان
آباؤکم وأبناؤکم وإخوانکم وأزواجکم وعشیرتکم وأموال
اقترفتموها وتجارة تخشون کسادها ومساکن ترضونها
احبّ الیکم من الله ورسوله وجهاد فی سبیله فتربصوا حتی یأتی
الله بأمره والله لا یهدی القوم الفاسقین ایجان برادر این
چند روز عمر خود را اگر بغفلت بگذرانی و عبادت و طاعت خدا را ترك نمائی

بچه رو در روز جزا بجز رسوائی و در مقام حساب بی تاب باشی و حال آنکه میدانی
خلاق بیهمتا اتمام حجت فرموده بطاعات و عبادات امر و از معاصی
و مکاره نهی فرموده و نعمتها را بر تو تمام نموده است لیجزی الذین
أساؤوا بما عملوا ویجزی الذین أحسنوا بالحسنی عدلا منه
و خدا از غضب خود در صورت وقوع مخالفت بنده را بترساند والله
أشدّ بأسا وأشدّ تنکیلا فرموده است در اینجا لابد بجرئت
بنای مخالفت با خداوند بخشنده هر نعمت میگذاری والحال لا یعجزه
عن شیء وإن عظم پس لابد و ناچار با بستر اطاعت پیش آورده
مواظبت بر اعمال خیریه نمائی و اعمال خیریه که موجب قرب حضرت باری
میشود باعث برترقیات و تدرج بدرجات عالیه میگردد در شریعت
حضرت ختمی مآب بر دو قسم وارد آمده قسمی را آن عین رضا موجود
و قسمی دیگر غیر آن از این کمال است ولی از برای آن عمل بنفسه ثوابی
مقرر است اندر این زمان با وجود قصور اعمال بلا شبهه میتوانیم آنقدر عمل
نمائیم که ما را بجهت کثرت آن اعمال بدرجه رفیعه رضوان نایل فرماید
و اگر میل ترقی در دل هست یا باشد بایستی از قسم اول طاعات که
دارای نهایت ضعیف ثواب و تکثیر کم و کیفیت عبادات مطلوبست غفلت
نموده لیلا و نهارا کاملا مواظبت نماید تا بواسطه آن عبادات شایسته

انکاء بر متکاء صدارت و پادشاهی تجنب باشد مقصود اصلی از بعثت
نصب انبیا و ایضاح مقصد اول از عبادات است که در آن نصایح عمیق
و با کیفیت آن ادا شده است و اهم مطالب در ضمن دو مبحث و دو ضوح
مبین شده است **مبحث اول** در نماز است و در آن سه باب است **باب**
اول در بیان فضیلت و اهمیت نماز و عقوبت تارک آنست
بدانکه نماز از همه عبادات واجبه و مستحبه فضیلت دارد چنانکه
در حدیث صحیح وارد گردیده است که معاویة بن وهب از حضرت
امام جعفر صادق سؤال کرد که کدام عمل بیشتر باعث قرب شد
بخدا و نزد خدا محبوبتر است آنحضرت فرمود که بعد از معرفت اصول
دین عملی بهتر از نماز نمیدانم و در حدیث دیگر فرمود که محبوبترین عملها نزد
خدا نماز است و نماز آخر وصیتهای پیغمبران است و حی علی خیر العمل
که شنیده‌ای در اذان و اقامه نیز شاهد این مدعاست و نماز موجب
مباهات حق تعالی است و از حضرت خاتم منقولست که نماز عماد دین
است و محل رضای حضرت سبحانی و موجب محبت ملائکه است و نماز سنت انبیا
و نور معرفت و اصل ایمانست و سبب اجابت دعا و قبول شدن اعمال و حصول
برکت در روزی و راحت بدن است و نماز سلاح است بر اعدا و موجب
کراهت شیطانست و نماز شفیع است در میان صاحب خود و ملک الموت

و چراغ

فضیلت نماز اول وقت و اهمیت آن

فی الحدیث افضل ما یتوسل به المتوسلون کلمة الاخلاص فانها الفطرة و اقام الصلوة فانها الملة قیل اشار بالاولی الی الاقرار بلا اله الا الله فانها کانت یوم المیثاق و بالثانیة الی انها کانت فی دین الانبیاء السابقین و ملتهم [illegible] قال [illegible] قائم بین یدیک [illegible] و ساجدا و قائما و قاعدا [illegible] لم اعذبه منه غفرله

و چراغ در قبر و فرش در جنب مصلی است و جواب دهنده منکر و نکیر است
و مونس در میت در سرا و ضرا و در قبر میگردد تا قیامت و نماز زمانیه
تقرب هر پرهیزکار است و نماز هانا پیچکان زینت اسلام و ذکر مومن
و چراغ قلب مومن و بهای بهشت و برات مومنست از آتش و خیر
دنیا و آخرت در نماز است و بواسطه نماز مومن از کافر امتیاز مییابد
و مخلص از منافق متفرق میگردد و با نماز حبیب با محبوب خود مناجات
کند و باعث روا شدن حاجت است و نماز توبه توبه کننده و تذکره مومن
و احسان خداوند کریم است و موجب برکت در مال و وسعت روزی و نور
شدن روی مومنست و با نماز استنزال رحمت میشود و دعا مستجاب
میگردد و ملائکه از برای نماز گذار استغفار میکنند و با نماز مسلمان
میگردد در غم ملحدین و قهر شیاطین و سرور مومن و کفاره گناه
و حصن مال و قبول شدن شهادت و معمور کردن مساجد و زینت یافتن
شهرها و تواضع از برای جلال او و نفی کبر و طلب زیادتی فضل و حصول حور العین
و نشاندن درخت در بهشت و ترسیدن فجار و نشان رحمت از جانب
خداوند با عظمت و اسلام در یکی از چهار عمل بنا شده است روزه و نماز
و حج و زکوة و بهترین این عملها صلوة است انسان میان مشغول روزه
عنصر نار در تربیت صید مهم چنانکه آتش بهم اغیار از ذلزلات کرده

[illegible]

[illegible]

وتحمل را نورانی و روشن میگرداند روزه نیز قلب و معده را از اخلاط
پاک و نورانی کرده شیطان و شهوات نفسانی را دور میدارد و کم مینماید
و نماز عنصر آبی را تصفیه کرده و ترتیب میدهد مثل آب ثبات
آثار و اثمار میکند و حج عنصر بادی را ترتیب میکند مثل باد صفات
ذمیمه را از خانه دل کنس کرده و کشف اسرار میکند و زکوة عنصر
خاکی را ترتیب میدهد مثل خاک مال و نجار را از تلفشان مصون
و محفوظ داشته و اثر امساک و تحصین را مستمر میدارد و رذایل
بخل را نیز از انسان دفع و رفع مینماید بلکه نماز منفردا مصفی همه
اعضا و جوارح آدمی باشد چنانکه حضرت رسول الله صلی الله
علیه و آله میفرماید اذا قام العبد الی صلوته فکان هویه
وقلبه الی الله تعالی انصرف کیوم ولدته امه که بدن مصلی
تماما از لوث گناهان تصفیه حاصل کرده پاک و پاکیزه میگردد
در انظار مردمان بستغرته و ببصیر معفوریت و بخشیده شدن گناهان
چیز سهل و سبکی وانمود کرده و حال آنکه پاکیزه و حاجب و رادع مومن
از ورود و دخول در روضه رضوان فقط گناهان و خبث حاصل از عصیان
است و پس از حصول عفو خطایا مومن در جای بند نه گردیده یکسر به بهشت
رفته در جوار رحمت خداوند عطوف دائما متنعم و حور و سندس میگردد و مرحوم

بحر العلوم مضمون خبر وارد در شان نماز را بنظم آورده میفرماید
ان قبلت فما سواها قبل وان ترد رد کل ما عمل بحکم خبر
معتبر را اول عقبات صراط که عقبه نماز است اگر آدمی بگذرد در سایر
اعمال چندان مناقشت نرفته و در باقی عقبات ایست و تکبیر نخواهد کرد
بخلاف آنکه نماز مقبول درگاه احدیت نیفتد که نماز فقط سبب تام بر
ورود جهیم خواهد شد کما قال الله تعالی یتساءلون عن المجرمین
ما سلککم فی سقر قالوا لم نک من المصلین عاصیان در روز
جزا وقت ورود سقر خود معترف میشوند که ترک نمودن نماز سبب دخول ایشان
بر جهیم گردید و حضرت سید سجاد در شان نماز من ضیعها اهلک
فرموده زیرا که مقر تارک الصلوة ویل است و انوار ویل در جهنم
که اگر کوههای عالم را با نوار ویل بر بندند همگی از شدت حرارت آن آب میگردد
قال الله تبارک و تعالی فویل للمصلین الذین هم عن صلوتهم
ساهون الذین هم یراؤن و یمنعون الماعون انسان عاقل
اگر نیک تامل نماید میداند که تکاهل و تهاون در خصوص نماز و ترک
کردن آن از بیخردی و سخافت عقل و قلت ادراک ناشی میگردد چنانکه
خداوند علیم خبر داده است و اذا نادیتم الی الصلوة اتخذوها
هزوا و لعبا ذلک بانهم قوم لا یعقلون و نادانی زیاد تر

از این چه باشد که آدمی کاری بکند که دستش در هیچ جا بند نبوده
جمیع اعمالش مردود و غیر مقبول گشته خائب و خاسر بجهنمش ببندند
در حدیث شریف تعریف عقل بدین نهج وارد گردیده العقل ما عبد
به الرحمن واکتسب به الجنان هشیار و آگاه بوده متذکر و متنبه
باش که شیطان عدو یکه همواره برخلاف مقتضای عقل حاکم است بحکم
ابنا زاده کرده و همت گماشته برای اینکه مؤمنان و محبان را از ذکر
خدا غافل و بر ترک کردن نماز مایل سازد اِنَّمَا یُرِیدُ الشَّیْطَانُ
اَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِی الْخَمْرِ وَالْمَیْسِرِ وَیَصُدَّکُمْ
عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُنْتَهُونَ باب

دوم در بیان ثواب مقدمات و اجزاء شریفه نماز

است و در آن دوازده فصل و یک خاتمه است **فصل اول**

در ثواب وضو است بعضی در ثواب وضو و سایر مقدمات و اجزاء نماز
اگر بنده تأمل و تفکر نماید شأن تو در پرستش حضرت باری جلت عظمته
بیشتر و سرگرم به حی علی خیر العمل که بر ندای مستوجب فهم آواز دلکش
قاصر بود بر تو واضح و لائح آید در خبر است که وضو تا وضوی دیگر کفاره
گناهان واقعه در بین است و وضو تمامی بدن شخص را طاهر میگرداند اگر
در حال وضو گرفتن نام خدا را یاد کنند والا اعضای وضو آب وضو

بانها

بانها رسیده است فقط طاهر و پاک میگردد و در حدیث دیگر وارد است
که هر کس از برای نماز مغرب وضو بگیرد وضوی او کفاره گناهان گذشته
او میشود که در روز کرده است مگر گناهان کبیره و هر کس از برای نماز
صبح وضو بگیرد در شب گذشته هر قدر گناه کرده باشد آن وضو کفاره
همه آنها میشود مگر گناهان کبیره حضرت ختمی مآب فرموده است اگر در وقت وضو
گرفتن چشمهای خود را باز کنید شاید که آن دیده ها آتش جهنم را نبیند
حضرت صادق فرموده است وضو بگیرد با دستمال اعضای خود را خشک نماید یک
حسنه از برای تو نوشته میشود و اگر دستمال نزند و خشک نماید سی حسنه از برای
تو نوشته میشود جناب محمد حنفیه ابن الحاضر کرده مولای متقیان امیر مؤمنان
وضو ساخته و فرموده است ای محمد هر کس مثل وضوی من وضو بگیرد و مثل قول
مرا هم بگوید از هر قطره آب وضو خداوند علی اعلی ملکی خلق میفرماید که
از برای او تقدیس و تسبیح و تکبیر میگوید و خدا ثواب آن ذکرها را تا روز
قیامت از برای آن شخص مینویسد و کیفیت استنجا کردن و وضو گرفتن
مولای کامل بدین نهج بوده است اولاً ابریق را بدست مبارک خود برداشته بکنج
چپ خود بجنبد و فرموده است بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ
طَهُوراً وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً بعد از آن استنجا کرده و فرموده اَللّٰهُمَّ
حَصِّنْ فَرْجِی وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِی وَحَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ بعد از آن

مضمضه کرده و فرمود اللّٰهمّ لقّنی حجّتی یوم ألقاک واطلق
لسانی بذکرک وشکرک بعد از آن استنشاق کرده و فرمود اللّٰهمّ
لا تحرّم علیّ ریح الجنّة واجعلنی ممّن یشمّ ریحها وروحها
وطیبها بعد کمبالک خود را شسته فرمود اللّٰهمّ بیّض وجهی
یوم تسودّ فیه الوجوه ولا تسوّد وجهی یوم تبیضّ فیه الوجوه
بعد دست راست خود را شسته و فرمود اللّٰهمّ اعطنی کتابی بیمینی و
الخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی حسابا یسیرا بعد دست چپ خود را
شسته و فرمود اللّٰهمّ لا تعطنی کتابی بیساری ولا تجعلها
مغلولة الی عنقی واعوذ بک ربّی من مقطّعات النیران بعد
مبارک خود را مسح کرده و فرمود اللّٰهمّ غشّنی برحمتک وبرکاتک
وعفوک بعد پاهای خود مسح کرده و فرمود اللّٰهمّ ثبّتنی علی
الصّراط یوم تزلّ فیه الاقدام واجعل سعیی فیما یرضیک عنّی
یا ذا الجلال والاکرام جناب ختمی مآب فرمود یا اباذر اسباغ الوضوء
فی المکاره من الکفّارات یعنی ای اباذر وضو را کامل و تمام با شرائط
و آداب و سنّتها بجا آوردن در سختیها و هوا اثری از کفّارات است که موجب
کفّاره گناهان میشود از امام جعفر صادق منقولست که هر که نام خدا را
در وضو خود ذکر نماید گویا غسل کرده است یعنی ثواب غسل را یا وعطا

فرمایند از ابن جهت استغفا میشود که ثواب غسل زیادتر از ثواب وضو است

فصل دویم در ثواب غسل کردن از حضرت رسول منقولست

که ثواب غسل کردن از جنابت بیرون رفتن از گناهانست در تفسیر امام
حسن عسکری مذکور است که هر که بعد از وضو و یا غسل جنابت این
دعا را بخواند گناهان او بریزد چنانچه برگ از درخت میریزد و به هر
قطره از قطرات وضو و غسل حقتعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح و تهلیل
و تقدیس و تکبیر الهی کند صلوات بر محمّد و آل محمد بفرستد و ثوابش
از او باشد گناهان او امرزیده شود و دعا اینست سبحانک اللّٰهمّ
وبحمدک اشهد ان لا اله الّا انت استغفرک واتوب الیک
واشهد انّ محمّدا عبدک ورسولک واشهد انّ علیّا ولیّک
وخلیفتک بعد نبیّک علی خلقک وانّ اولیاءه خلفاؤک
واوصیاءه اوصیاؤک و از حضرت امام جعفر صادق منقولست
که غسل جمعه پاکیزه کند و کفّاره گناهانست از جمعه تا جمعه دیگر
فائده مستحبّ است هرگاه در خاطر مکلّف حاضر هست که اگر
پیش از نماز متحلّی با انها شود ثواب نماز مضاعف گردد اوّل
مسواک کردن است از حضرت ختمی مآب منقولست که دو رکعت نماز که با مسواک
باشد بهتر است از هفتاد رکعت نماز که بی مسواک باشد از حضرت امیر المؤمنین

تعریف مسواک

منقولست که هر که مسواک کند هر روزی بمرتبه خوشنود میشود
از او خدا و ملائکه و سنت بوده است انبیا و نوشته میشود بهر نمازی که با
مسواک باشد ثواب صد رکعت نماز و مستغنی میگرداند از فقر و خوشبو
میشود دهان مسواک کننده و باعث زیادتی قوت حافظه میگردد از
طعام لذت میبرد و بیخ دندانهای او محکم میگردد و از دردهای دندان سالم
میماند و ملائکه با او مصافحه میکنند بجهت نوری که از او مشاهده میکنند
و در وقت بیرون رفتن از خانه ملائکه او را مشایعت مینمایند و حمله عرش و
کروبیین از برای او استغفار میکنند و مینویسد خدا برای او ثواب
هزار ساعت عبادت و بلند میکند از برای او هزار درجه و میگشاید برای او درهای
بهشت را و هر دری که خواهد در آید و نامه اعمال او بدست راست او میدهند
و درهای بهشت بر روی او گشاده میشود و نمیرد تا آنکه مکان خود را در بهشت
می بیند و با انبیا داخل بهشت میشود چونکه اقتدا با انبیا نموده است
و مسواک پیش از وضو نیز مستحب است و با انگشت استحباب حاصل میشود
در تهذیب شیخ الطایفه از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است
که حضرت رسول فرمود السواك بالابهام والمسبحة عند الوضوء سواك
دوم زن گرفتن و تزویج کردنست از حضرت امام محمد باقر منقولست
که دو رکعت نماز که کدخدا بکند بهتر است از عزبی که شبها را تمام نماز کند

و در روزها

و در روزها روزه باشد و در روایت دیگر حضرت صادق فرموده است
که دو رکعت نماز که کدخدا بکند برابر است با هفتاد رکعت نماز که عزب
میگذارد سیم عطر استعمال کردنست از حضرت صادق منقولست
که نماز کسیکه خوشبو باشد بهتر است از هفتاد نماز که بی بوی خوش باشد
چهارم انگشتر بدست کردنست از حضرت امیر المؤمنین منقولست
نماز کسیکه انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعتی که غیر عقیق
در دست داشته باشند بچهل درجه زیادتی دارد و در روایت دیگر
منقولست که دو رکعت نماز با انگشتر عقیق بهتر است از هزار رکعت
که با آن نباشد از حضرت امام حسن عسکری روایت کرده اند که علامت
مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله شب و روز و زیارت
اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده شکر بر خاک
گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن پنجم پیش از نماز
تصدق دادنست ششم عمامه بر سر بستن است از حضرت ختمی مآب
منقولست که هر کس با عمامه دو رکعت نماز بخواند فضیلت او نسبت بنماز بی عمامه
مثل فضیلت منست بر امت من و تفاوت ثواب نماز گذار با عمامه با ثواب نماز
گذار بی عمامه بقدر تفاوت جهاد کننده در دریا و در بیابانست و هرگاه
بگیرد متعمم با جمیع امت من که بی عمامه باشند نماز بخواند خداوند بهمه

امت را از جهة کرامت تعظیم و عزت با و در نزد خدا قبول می‌فرماید هر که با
عمامه نماز بخواند موکل میشود برای او هفتصد هزار ملک حسنات مینویسند
از برای او و گناهان او را محو مینمایند و رفع درجات از برای او مینمایند
هفتم توبه است وقتیکه مؤمن توبه کرده و نادم شد خدا هر رکعت
نماز مستحبی او عبادت یکسال مینویسد **هشتم** نماز را در مسجد
خواندن است بسند معتبر از حضرت ختمی مآب مرویست که هر که بسوی
مسجد برود برای نماز جماعت بهر گامی که بر دارد هفتاد هزار حسنه
برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود و اگر بآنحال بی
مرد برای او برسد حق تعالی هفتاد هزار ملک به او موکل گرداند که در قبر
او را عیادت کنند و مونس او باشند در تنهائی و از برای او طلب آمرزش
کنند تا مبعوث شود **نهم** حضرت رسول خطاب بجناب ابی ذر فرموده قال
کل خطوة تخطوها الی الصلوة صدقة یعنی هر گامی که بسوی نماز
جماعت گذاری در مسجد یا مطلق نماز خواندن برداری بود
صدقه است و چون صدقه در هر یعنی بایستی که اثر او در راه رضای
حضرت سبحانی صرف نمایند و علی هذا صدقه آنست که در راه خدا سعی نماید
و با اینکه ثواب صدقه دادن را دارد یا اباذر من اجاب داعی الله و احسن
عمارة مساجد الله کان ثوابه من الله الجنة یعنی ای اباذر هر که اجابت

و له بکل حرف من استغفاره و تسبیح ثواب حجة و عمرة

نهم ثواب رفتن مسجد بنماز جماعت

نماید داعی خدا را یعنی مؤذن را که از جانب خدا مردم را بنماز میخواند و نیکو
آباد کند و معمور گرداند مساجد الهی را ثواب او از جانب خدا بهشت
خواهد بود ابوذر عرض نمود پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله چگونه
آباد کنیم مساجد را حضرت رسول در جواب فرموده است که صدا در مسجدها
بلند نکنند و مشغول سخن لغو و باطل نشوند و چیزی نخرند و نفروشند
و ترک نما ابوذر سخن لغو و باطل را مادامیکه در مسجد هستی و اگر چنین
نکنی در قیامت ملامت نخواهی کرد مگر خود را یا اباذر ان الله تعالی
یعطیک مادمت جالساً فی المسجد بکل نفس تنفست فیه درجة
فی الجنة و یصلی علیک الملائکة و تکتب لک بکل نفس تنفست
فیه عشر حسنات و تمحی عنک عشر سیئات و آیه شریفه یا ایها
الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون
را حضرت ختمی مآب فرموده است که در باب انتظار کشیدن نماز بعد از نماز
نازل شده است یعنی کسیکه از نماز ظهر مثلاً فارغ شود و در مسجد توقف
نماید و مشغول تعقیب و دعا باشد تا وقت فضیلت نماز دیگر داخل
شود و آنرا با جماعت بگذارد و در میان این دو نماز بکار دنیا اشتغال ننماید
صبر کرده است این مشقت طاعات که معنی اصبروا همین صبر مذکور است
و قدم استوار کرده است در معارضه نفس و شیطان که مراد از صابروا همان است

وهو دوام ربوط خشنه شاو بسبب ابر عبادت نا طی وانتظار برده که دن نماز
دیگر با نفس و شیطان باردیگر مجادله نماید و مهیای محاربه انها گردید
است و در کمین شیطان بوده که در حصار نمازش رخنه نکند و هم چنین
در ما بین نماز عصر و شام و ما بین نماز شام و خفتن و شام نمازها و از
حضرت صادق منقولست که هر کس بسوی مسجد رود قدمی بر تر و خشکی که
بگذارد زمین تا طبقه هفتم تسبیح میکنند و ثواب آن از برای او باشد
خداوند در قران در حق مساجد وَاَنَّ الْمَسٰجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ
اللّٰهِ اَحَدًا فرموده و در حدیث قدسی باین عبارت وَاِنَّ بُیُوتِیْ فِی الْاَرْضِ
الْمَسَاجِدُ وَاِنَّ زُوَّارِیْ فِیْهَا عُمَّارُهَا فَطُوْبٰی لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِیْ بَیْتِهٖ
ثُمَّ زَارَنِیْ فِیْ بَیْتِیْ فَحَقٌّ عَلَی الْمَزُوْرِ اَنْ یُکْرِمَ زَائِرَهٗ اعلان رفته است
تا مردمان بعبادتخانه خدا متوجه بوده مایل و راغب باشند و افضل
مساجد چهار است مسجد الحرام و مسجد رسول الله و مسجد کوفه و مسجد اقصی
و افضل از همه مسجد الحرام است و نماز در آن برابر است با هزار هزار نماز
و نماز در مسجد رسول الله معادلست با ده هزار نماز در غیر آن و نماز در مسجد
کوفه و مسجد اقصی معادلست با هزار نماز در غیر آنها و نماز در مسجد جامع
بلد معادلست با صد نماز در غیر آن و نماز در مسجد محله و قبیله برابر است
با بیست و پنج نماز در غیر آن و نماز در مسجد بازار معادل است با دوازده نماز

در غیر آنست و نماز در مشاهد مشرفه ائمه افضل از نماز در مساجد است
حتی آنکه نماز در نزد قبر شریف حضرت امیر المومنین معادل با دویست
هزار نماز است بلکه از بعض روایات که در افضلیت زمین کربلا از مکه معظمه
وارد شده مستفاد میگردد که نماز در جنب قبر شریف حضرت سید الشهدا
افضل از نماز در مسجد الحرام است و سزاوار است که در وقت عزم رفتن
مساجد و در حین اشتغال بنماز بهترین لباسهای خود را بپوشد عیاشی
باسناد خود از حسن بن علی روایت کرده است که آنحضرت در وقت برخواستن
بر نماز بهترین لباسهای خود را میپوشید پرسیده شد که چرا بهترین
لباسهای خود را میپوشی آنجناب فرمود اِنَّ اللّٰهَ جَمِیْلٌ یُحِبُّ الْجَمَالَ پس من از برای
خدای خود زینت میکنم خدا میفرماید خُذُوْا زِیْنَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ
مَسْجِدٍ پس من دوست دارم که بهترین لباسهای خود را بپوشم و تتمه همانا
از حضرت ختمی مآب دعائی منقولست در حین خروج از بیت بسوی مسجد
بعد از وضو گرفتن بایست خوانده شود دعا و ثوابش بسیار است تا
مسجد چون گوید بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ خَلَقَنِیْ فَهُوَ یَهْدِیْنِ خداوند تعالی
انقول او را دلالت کند متوجه و قاصد مسجد باشد بطریق صواب
و اینها هدایت میفرماید چون بگوید وَالَّذِیْ هُوَ یُطْعِمُنِیْ وَیَسْقِیْنِ طعام
می بخشد خدا از برای او از طعامهای جنت و از آبهای فردوس اعلی اش

داده سیر ایشان میکند و چون بگوید وَاِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِيْنِ خدا و
کریم این کلام را کفارهٔ گناهان او قرار دهد و چون بگوید وَالَّذِي
يُمِيْتُنِي ثُمَّ يُحْيِيْنِ خداوند میمیراند او را مثل مردن شهدا و زنده میگرداند
او را مثل زندگی شهدا و سعدا و چون گوید وَالَّذِي اَطْمَعُ اَنْ
يَّغْفِرَ لِي خَطِيْئَتِي يَوْمَ الدِّيْنِ خداوند جمیع خطاهای او را مغفور
میدارد اگرچه خطیئات او از کف دریا زیادتر باشد و چون گوید
رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَّاَلْحِقْنِي بِالصّٰلِحِيْنَ عطا فرماید خدا از برای
او حکم و علم و لاحق میفرماید او را بصالح گذشتگان و صالح باقیان
و چون گوید وَاجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ مینویسد خداوند
از برای ایشان در ورقهٔ سفیدی که این بندهٔ فلان بن فلان از جملهٔ راستگویان
است و چون گوید وَاجْعَلْنِي مِنْ وَّرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيْمِ الله تبارک و تعالی
از برای او در جنت نعیم منازل عطا فرماید و چون بگوید وَاغْفِرْ لِاَبِي
خداوند بیامرزد مادر او را بیامرزد

فصل نهم در ثواب اذان

و اقامه است که مخصوص نمازهای واجبهٔ پنجگانه است و در غیر آنها
بدعت و غیر مشروع است از حضرت رسول منقول است که هر که خالص
برای خدا اذان بگوید حق تعالی ثواب چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق بوی
را با او کرامت فرماید و شفاعت او چهل هزار گناه کار را داخل بهشت کند

به درستیکه چون مؤذن گوید اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ نود هزار ملک
بر او صلوات میفرستند و از برای او استغفار میکنند و در قیامت
در سایهٔ عرش الهی خواهد بود تا حق تعالی از حساب خلایق فارغ شود و
ثواب گفتن اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللهِ را چهل هزار ملک مینویسد
و هر که خالص از برای رضای خدا برای یک نماز اذان بگوید حق تعالی
گناهان گذشتهٔ مؤذن را بیامرزد و در بقیهٔ عمر او را از گناه حفظ
فرماید و در بهشت برین او را در درجهٔ شهیدان جای دهد و هر که
یکسال اذان بگوید حق تعالی در قیامت گناهان او را بیامرزد اگرچه بقدر
سنگینی کوه احد گناه داشته باشد و هر که ده سال اذان بگوید خدا
او را در قبهٔ حضرت ابراهیم خلیل ساکن گرداند و هر که بیست سال اذان
بگوید در قیامت بقدر آسمان اول او را نور کرامت فرماید و برای مؤذن
در میان اذان و اقامه حق تعالی ثواب شهید را عطا میفرماید که در میان
خون خود دست و پا زند باشد و بهشت واجب میشود از برای آن کسی که
یکسال در شهر مسلمانان اذان بگوید و در خانه بلند گفتن اذان
باعث رفع بیماری گشته و موجب بسیاری فرزندان میگردد و اگر غول
متعرض آدمی باشد اذان گفتن او را دفع میکند و هر که اذان نگفته
تا اقامه فقط نماز بخواند یک صف از ملائکه در عقب او نماز خوانند

وهر که اذان را با اقامه پیش از نماز بگوید دو صف ملائکه در پشت
سر او نماز گذارد و در بعضی اخبار نیز وارد است که طول هر صف اگر
قصیر باشد بقدر ما بین مشرق و مغرب میباشد و اگر طویل باشد بقدر
ما بین زمین و آسمان میباشد و ملائکه بدعای مؤذن آمین گویند و از ثواب
اهل جماعت که با او بجماعت نماز میخوانند بهره یاب و عظا فرمایند

فصل چهارم در نیت نماز است

بدانکه هیچ عملی
بدون نیت قربت بدرجه قبول نرسیده و موجب ثواب نمیباشد چنانکه از
حضرت رسول منقول گردیده اِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ یعنی نیست عمل
عمل مگر با نیت و استحقاق اجر و ثواب در جمیع اعمال بر خلوص نیت
موقوفست و از جمله خصایص این امت است که قاصد بجا آوردن حسنه
اگر بعد از قصد عامل نباشد خداوند کریم ثواب آن عمل را بمجرد قصد
بقاصد کرامت فرماید بلکه بموجب حدیث نبوی نیت مؤمن بهتر از عمل
اوست و نیت کافر بدتر از عمل اوست و خود نیت بالاستقلال منظور
نظر شارع مقدس است و بحکم آیه شریفه لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ
فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ خداوند بوقوف به
محض قسم خوردن از جهة تاکید بدون عقد قلبی منضم بر آن عقاب
نمیفرماید و عقاب را بآن قسمهائیکه ناشی از نیت قلبی که از عادت لسان

خارج شود مترتب میسازد شخصی از امام رضا استفسار نمود که کلام وارد
از حضرت صادق اِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ
بِفِعَالِ آبَائِهِمْ بآبائه وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى و وفق میدهد
و متناقض هم بنظر میآید امام جواب داده است که اولاد قتله امام
حسین راضی میشوند بافعال آباء خودشان و فخر میکنند بآن کرده‌هاشان
هر که بشیء راضی شود كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ
فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللّٰهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ
و حضرت قائم اولاد قاتلین را از برای راضی شدن آنها بر فعل پدران
خودشان بقتل میرسانند. در علل الشرایع از سبب مخلد بودن مطیع در
جنت و عاصی در نار سؤال رفته امام جواب داده است که نیت مطیع
در دنیا آن بود که اگر در دنیا بماند دائما الی آخر الابد اطاعت و عبادت
نماید و نیت عاصی تا آخر ابد عصیان و معصیت با حضرت سبحانه بود فَبِالنِّيَّاتِ
خُلِّدُوا. و تفاوت و تفاضل اعمال منوط بخوبی نیت است هر قدر
در نیت صدق و خلوص بیشتر باشد حسن عمل زیادتر و ثواب آن از اندازه
فزونتر باشد و آیه شریفه لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا یعنی تا
بیازماید شما را که کدام یک از شما نیکوکارترید در خبر تفسیر شده است
بر اینکه کدام یک عملش درست‌تر و بصواب حق نزدیکتر است و عمل صو

انست که با خوف الهی و نیت صادق بوده باشد اینست که جناب امام
زین العابدین در دعاء مکارم الاخلاق و الی احسن النیات را
مسئلت نموده میفرماید وانته بنیتی الی احسن النیات و بعملی
الی احسن الاعمال و چون نیت امر قلبی بوده و غیر از نیت صاحب
راه اطلاعی ندارد فلهذا خالص نکردن نیت ناشی از سفاهت و بیخبری
بوده و بجز مردودی و نامقبولی عمل در حضرت معبود عالم بما فی الصدور
اثری دیگر بر آن مترتب نخواهد شد لهذا بر مدعیان عقلا لازمست
که نیت خود را خالص داشته از شرک خفی خود را محفوظ و محروس بدارد
و عتاب خدا را از برای خوشامد مردم نکشند و چون نیت عبارت از داعی
بر فعل اصلی نفس قلبی است یعنی مقصود اصلی قلبی و منظوری
که آدمی را بر آن تکیه میکند بر کردن عمل فلهذا حالت نفس ظاهر نخواهد
که باشد نیت غالب هم تابع آن حالت میگردد قل کل یعمل علی
شاکلته سبل شاهد بهم علیست زیرا که شاکله بحکم خبر دیگر بمعنی
نیت است پس هر کس که شاکله و سجیه و طریقه او حب دنیا و حرص
بر جمع کردن مال دنیا باشد عمل خیری و یا شری از او صادر نمیشود
مگر آنکه مقصود اصلی او از فعل آن عمل حیازة دنیا خواهد شد
و اگر نماز میخواند بجهة آن میخواند که فائده دنیا او از نماز مترتب

خواهد بود و از ترک کردن نماز خللی با مر دنیوی او رسید مضرتی حاصل
خواهد شد و اگر ریش تراشیده سر بر مهر گذارده مشغول نماز بشود
و یا خود را شبیه فرنگیها و ارامنه بکند بی حیائی میکند که شاید
در دنیا بجهة مبتل کردن فاسقان بر او برسد و هکذا تمام اعمال خیرات
و شرات با ملاحظهٔ تمام اغراض فاسده نظیر تقرب سلاطین و صاحبان
ثروت و جاه و عزت و از اینجاست که اغلبی از اهل دنیا بجهة خوش آمد
بعضی از اهل مکنت و ذی ثروت بسیاری از معاصی مرتکب شد
و واجبات الهی را در ظاهر و باطن ترک میکنند که از باب مال و ذاهم
زنان خود دیده از مال دنیا او را محروم نشده از ماکول و مشروب
خود بهره یاب برسانند بیطالب رضای حق جل و علا و ثواب حلول در منزل
عالیه آخرة ناچار با بیست محبت دنیا و اغراض فاسده را از باطن خود دور
و نیت خود را خالص از برای حضرت حق جل عظمته بدارد و در ضمیر
خود هیچ راه شرکی از غیر راه نگذارد بلکه اگر تواند همت عالی نموده خود را
بمرتبه آزادان برساند یعنی عبادت را از رغبت در ثواب و یا خوف از
عقاب قرار ندهد محض از برای تحصیل قرب الهی و یا شکر نعمتهای نامتناهی
حضرت باری فعل مامور به را بعمل آورد زیرا که واسعد ادوقا بلیت خود
را از جهت کمال رسانده است و صاحب این نیت خالصه نفس و هوا و در محبت

تعظیم معبود حقیقی مقهور و خوار نفس خود در تعب تو و همه ناس و
او در راه خدا ادای برابر بحکم عقل فطری شکر هر منعم واجب و لازم است
و بمقتضای خبر معتبر که از حضرت امام رضا مأثور گردیده خداوند اکرم مردم
را به بهشت امیدوار نکرده و از آتش دوزخ نترسانیده هر آینه بر خلق
واجب بود که حضرت منعم حقیقی را اطاعت کرده عصیان بر آن ننمایند
بسبب تفضل و احسانی که نسبت بایشان فرموده او بجهة نعمتهایی
که پیش از استحقاق بایشان کرامت نموده است چه نعمتها و ان تعدوا
نعمة الله لا تحصوها که بحد و احصا در نمی‌آید و بهر عاقلی واضح
و لایح است که در هر لحظه بر بدن هر فردی از افراد بشر در حفظ و تربیت
و تغذیه و تنمیه چندین نوع نعمت و بر روح محبان و دوستان
در هر آنی چند قسم لطف و مرحمت از انتظار و هدایا و توفیقات
وارد است و در عین کفران و معصیت خداوند ملک منان منع لطف
و احسان از بنده خود نمیفرماید اول نعمتها که وجود است تفضلا
عطا شده و با اعضا و جوارح و قوای آدمی را مستغنی فرموده و آسمان
و زمین و ماه و آفتاب و کواکب و عرش و کرسی و وحوش و طیور و سایر
موجودات را از برای منفعت و استراحت این بنده کافر ناسپاس خلق و آماده
فرموده است و تفکر در آلاء و نعمتهای او خود را از اعظم عبادات قرار داده

چنان تفکر موجب مزید حب و قرب و داعی و باعث بر فعل عبادات و صفات و
از منهیات و محرمات است و با ملاحظه این کرامات دور و دراز نصفت
که آدمی با عبادات و طاعات و شکر چنین منعمی را بجا نیاورده خود را محبت
و مقرب درگاه احدیت نماید بغیر از برادر اگر از این مرتبه خود را ترقی داده
عاشق عبادت خدا باشی و بانهایت شوق عبادت کرده و لذت عبادت
را مافوق تمام لذات دانسته هیچ نوع مشتهی را بر طاعت و فرمان برداری
ایزد متعال ترجیح ندهی از جمله پادشاهان بهشت و داخل در زمره
عزیزان خدا میشوی چنانکه حضرت رسالتپناه فرموده که بهترین مردمان
کسی است که عاشق عبادت باشد یا اینکه با کثرت عبادات خود را
بدرجه محبت که اعلی درجه کمال انسانیست برسانی و عبادت را از روی
محبت بجا بیاوری و بجز از نور تابان محبوب جلیل القدر خود منظوری
در طلب خود نداشته باشی امید که بعون الله تعالی بمرتبه امنین و هم
من فزع یومئذ آمنون فایز گردی و هر که طالب این درجه
رفیعه محبت باشد بایست بکلی معصیت و مخالفت خدا را ترک نماید
زیرا که روایت شده که امام جعفر صادق فرموده است دوست خدا نیست آنکه
معصیت خدا میکند و دوست مطیع دوست خود میباشد معصیت با اظهار
محبت منافات دارد اهل طلب و عاقلان مسالک مخفی نماند که شرایط

الموجب للتقرب تعالی العبد یتعلق بالقلب واللسان والجوارح اما عمل القلب فالقصد الی تعظیم المنعم وتمجیده وتحمیده والتفکر فی صنایعه وافعاله وآثار لطفه والعزم علی ایصال الخیر الی کافة الخلق

وارکان و آداب عبادات و شرایط عبادات است در همه یکسان مجعول بوده در
تعلیم و بیان آن قصوری نرفته است و بر وجه اسهل درباره هر مکلف
مقرر کرده است پس تفاوت در ثواب یک نوع عبادت جهتی ندارد
مگر آنکه در جزء اعظم عبادات که نیت باشد که باعث قلبی است اختلاف و تفاوتی
بیان از قدر صفای معرفت و ضعف و قوت ایمان مختلف باشند
چه صفای معرفت و کمال ایمان متقنه نیت خود را در محل انبعاث اخلاص
کرده قلب غیر را خالی به تمام کمال اخلاص باشد فان النیة تبدو من
القلب علی قدر صفاء المعرفة وتختلف علی حسب اختلاف
اوقات الایمان فی معنی قوته وضعفه پس بنزد رب الارباب عملی
اجمل واکمل باشد حتما ثواب عملش بیشتر و باعث رفع درجات قرب بیشتر
تر است و بعد قطع النظر عن هذا نماز حضرت سلمان با نماز سائر
صحابه و باقی مکلفین هیچ چه در زیادتی و نقصان و در کم و کیف با
لضرورة والبداهة تفاوتی ندارد بلکه اکملیت و اجملیت بحسب نفس
منوط بخلوص نیتش که مربوط و ناشی و مرتب بر صفای معرفتش
بوده است

فصل پنجم در تکبیرات افتتاحیه

و آن تکبیرات بحسب بعضی اخبار هفت است با تکبیرة الاحرام و در بعضی
پنج و در بعضی سه تکبیر ذکر کرده مصلی هر یک از آنها را تکبیرة الاحرام

قال بعض العارفين كما ان الكل من
اللسان والجنان والاركان في
الشكر تعلقا كان فالكل منها تعلق
بغيرك لا يتم شكر اللسان بالمرء
على غيرك حقه منه الا بالجنان
فان تخير الخير وتعقد الشفقة
على كافة الخلق واما باللسان
فان تحسن القول لهم واما بالاركان
... التوقي عما يرجع عليهم بسوء
حتى ان شكر العين ان تستر
كل عيب تراه فيهم وشكر الاذن
ان تستر كل قبيح تسمعه منهم
... فلا تهم
... في التلطف و...
في مالهم الحال ...
... الشكر منهم
... الحمد والله ...
معهم ...
قال الرجل كيف اصبحت فقال
بخير فاعاد السؤال حتى قال في
الثالثة بخير احمد الله واشكره
فقال هذا الذي اردت ...

قرار دهد مختار و مأذون است و مناسب است که او را دعاهای
وارده در بین تکبیرات افتتاحیه را محرز داشته و بعد بذکر ثواب
فضل تکبیر بپردازد مصلی بعد از گفتن سه تکبیر مستحب است میخواند
اللهم انت الملک الحق المبین لا اله الا انت سبحانک و
بحمدک عملت سوءا وظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی فانه لا یغفر
الذنوب الا انت و بعد دو تکبیر گفته میخواند لبیک و
سعدیک والخیر فی یدیک والشر لیس الیک والمهدی
من هدیت عبدک وابن عبدیک بین یدیک منک وبک
ولک والیک لا ملجأ ولا منجا ولا مفر منک الا الیک
تبارکت وتعالیت سبحانک وحنانیک سبحانک رب
البیت الحرام و بعد از دو تکبیر گفته میخوانی وجهت وجهی
للذی فطر السموات والارض علی ملة ابراهیم ودین محمد
ومنهاج علی حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلاتی
ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک
امرت وانا من المسلمین اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان
الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم که شروع بقرائت سوره فاتحه مینماید
و مستحب است که در تکبیر اول و در تکبیرات رکوع و سجود تمام دستها را

تا محاذی نرمه گوش بلند نماید که از جناب ابو هریرة سؤال نمود
که معنای رفع یدین در تکبیر اولی چه شد حضرت جواب داد که معنایش
الله الاکبر الواحد الاحد الذی لیس کمثله شیء لا یلمس بالا
الاخماس و لا یدرک بالحواس واما ثواب تکبیر پس آنکه الله اکبر
بموجب خبر ما بین زمین و آسمان را پر میکند و صدقه گفتن الله اکبر
بهتر از آزاد کردن صد بنده است از آنکه بهترین عبادات است در اول
از هفت تکبیر و بعد از فراغ از گفتن سلام سه تکبیر بهتر است
و در حال انتقال از حالی بحالی در قل فعل و در قران تکبیر معین است
بلکه اغلب واجبات نماز غیر از قرائة و تشهد عبارت از تکبیر و تهلیل و
تسبیح و تحمید است و این تسبیحات اربعه عبارت از سپر ابرار رفع نار جهنم
و ارکان عرش عبادت الله و اکثر ملائکه سموات عبارت از بعضی خیمه هاست
در لیلة المعراج معاین و مشاهد گردید با این اذکار اربعه مشغول شد
و حضرت خیر البشر نماز را مجموعه هر نوع عبادات مقربان درگاه الله قرار
داده است که امت مرحومه در اثناء عبادت کم از غیر نباشند و این
تسبیحات اربعه حضرت رب جلت عظمته از برای حضرت ابرهیم خلیل الرحمن
اختیار فرموده و تعلیمش نمود در هنگامیکه آنحضرت خانه کعبه را بنا نمود
و از حضرت حبیب الله منقول است چون بنده سبحان الله گوید هر آنچه که

در زیر عرش عظیم کائنست با او موافقت کرده تسبیح میگوید و بگوینده
تسبیح ده برابر ثواب تسبیح کائنات را عطا میفرمایند و جمیع ملائکه
بر او صلوات میفرستند سبحان الله نصف میزان عمل شامل و
مال است حضرت اشرف کائنات در حجابات دوازده گانه هفتاد
و هشت هزار سال تسبیح کرده آخر تسبیحات آنجناب سبحان ربی
العظیم و بحمده بوده که در حجاب الشفاعة هزار سال برآمده و
فرموده و ذکر خود قرار داده است و در هر روز سه مرتبه گفتن
سبحان الله باعث دفع شدن هفتاد نوع بلا میشود که سهلترین
آنها فقر بوده باشد و صد بار گفتن سبحان الله بهتر است از
نحر کردن صد نفر شتر در راه خدا و در حدیث صحیح وارد است که
هر که این تسبیح را بگوید سبحان الله و بحمده سبحان الله العظیم
و بحمده حقتعالی سه هزار حسنه در نامه اعمال او تسبیح ثبت فرموده
و سه هزار گناه از او محو نموده و سه هزار درجه از برای او بلند کرده
و مرغی در بهشت از برای او خلق میفرماید که تسبیح خدا گوید و ثواب
تسبیح زاده میشود و هر که سه نوبت بگوید سبحان الله و بحمده
سبحان الله العظیم رو کند بتو آنکه پشت بفقر نموده و در
بهشت را بگوید و الحمد لله کلمه ایست که اهل بهشت

هشت بار کلمه متکلم میشوند و کتاب خدا با حمد افتتاح شده
و خداوند حمد نفس خود نموده و طلب حمد از خلق خود فرموده و قضای
خود را با حمد ختم کرده است و هر که الحمد لله بگوید حق تعالی
نعیم دنیا را بحامد کرامت فرموده و او را وصل بنعیم آخرت میفرماید
از بحار احزان این فضایل حضرت اکمل موجودات بحضرت فاطمه زهرا
سلام الله علیها و علی ابیها و ابنائها تسبیح معروف را در عوض
کنیزی که خواسته بود تعلیم فرموده و بموجب خبر دیگر اگر بهتر از آن
تسبیح ذکری میبود هر آینه جناب پیغمبر آن را بدو تعلیم میفرمود
چنانکه از حضرت امام محمد باقر منقولست که آنحضرت فرموده عبادت
کرده نشده است خداوند عالم جلت ثنائه بشیء از تحمید که افضل
بوده باشد از تسبیح فاطمه و بعد مضمون و ما حصل خبر مذکور را
هم بیان فرموده در حدیث صحیح وارد است که هر کس بعد از فراغ از نماز
قبل از آنکه بدو پا خود را بگرداند و تغییر دهد حالت خود را تسبیح فاطمه
زهرا را بخواند گناهان او آمرزیده میشود و از جناب صادق آل محمد
مرویست که فرموده است تسبیح حضرت فاطمه در عقب هر نماز دوستتر است
نزد من از هزار رکعت نماز بدون آن باشد کسی که بر آن مداومت نمود
و هیچ بنده نگوید آن را مگر آنکه خداوند عالم او را بیامرزد و بهشت را

براو واجب کند پیش از آنکه از جا خود برخیزد خصوصا هرگاه بعد از آن
لا اله الا الله بگوید و استغفار کند این تسبیح در همه اوقات
مستحبست اگرچه در تعقیب نباشد و در تعقیب مؤکد است
و همچنین مستحبست در وقت خوابیدن بجهة دفع خواب بد و کیفیت
آن بنا بر تقسیم آنکه سی و چهار تکبیر بگوید و بعد از آن سی و سه الحمد لله
و بعد از آن سی و سه سبحان الله و در حین خواب پیش انداختن
سبحان الله بر الحمد لله بهتر است که در سایر اوقات اولی طریق
اولست و مستحبست بودن تسبیح از خاک قبر مطهر جناب سید
الشهدا اگرچه پخته باشد و ثواب تسبیح نوشته میشود از برای
کسی که آن را بدست بگیرد و بگرداند اگرچه غافل از ذکر تسبیح باشد
و بهتر آنست که سی و چهار دانه باشد و رنگهای آن کبود و بالای بعضی از آن
نیست و ثواب لا اله الا الله از اندازه بیشتر است منقول است
که حق تعالی بحضرت موسی خطاب فرمود که اگر آسمانها و ساکنان آنها
و هفت طبقه زمین تماما در یک کفه ترازو باشد و لا اله الا
الله در کفه دیگر باشد این کلمه بنفسها بر همه آنها زیادتی
کند و در خبر معتبر منقولست که این کلمه را بر محتضر تلقین نماید
که در حال احتضارش بگوید زیرا که این کلمه گناهان را خراب کند

بسجود علی الطین قبر الحسین
ینور الی الارضین السبعة
ومن کان معه سبحة من
طین قبر الحسین کتب
مسبحا وان لم یسبح بها
والتسبیح بالاصابع افضل
منه بغیرها لانها مسئولات
الی یوم القیمة

ودرهم شکند و هر که آخر کلمه او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود
این کلمه طیبه مونس مؤمنست در حال حیاتش و در وقت مردنش
و در هنگام مبعوث شدنش و بهترین عبادتها این کلمه است و هیچ عملی
ثوابش از گفتن این قول عظیم بیشتر نیست چه از قبرها و مبعث شدن مبعوث
میشوند میگویند باواز بلند لا اله الا الله والله اکبر و هیچ ذکری
نزد خدا محبوب تر نیست از این کلمه و قیمت بهشت عنبر سرشت کلمه لا اله الا
الله است و از برای کسیکه متکلم باین کلمه باشد درختی در بهشت
برین میکارند از یاقوت سرخ که ریشه آن در مشک سفید بود و بوی او
از عسل شیرین تر و از برف سفید تر باشد و در آن درخت مثل پستان
دختران باکره میباشد که چون شکافته شود هفتاد حله از میان آنها
بیرون آید و این کلمه البته بالا میرود و هر سقفی را میشکافد
و هر گناهی از گناهان قائلش برسد آنرا محو کرده در حسنات مستقر میشود
و بسند صحیح از حضرت صادق مرویست که هر که صد مرتبه کلمه لا اله
الا الله را بگوید در آن روز عمل او بهترین اعمال خلایق باشد مگر
آنکسیکه زیاد تر از او گفته باشد و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر
منقولست که هر که بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله حق تعالی جل و علا از برای او

هزار حسنه مرقوم میفرماید و هر که بعد از نماز و قبل از دنیا از محل خود
و پا از تشهد و افاده مرتبه و پا یکمرتبه علی اختلاف الروایات بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا
احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا خداوند عالم سبحانه
از برای قائل این شهادت چهل و پنجهزار حسنه محو میفرماید از او
چهل و پنجهزار سیئه و بلند میفرماید از برای او چهل و پنجهزار
درجه و ثوابش مثل ثواب کسی باشد که قرآن را دوازده مرتبه
بخواند و یکخانه از برای قائل آن در بهشت بنا میفرماید و مهریه حور
پانصد کلمه است نظیر مهر مؤمنات که مهر سنت مقرر شده و شرح عیب
مطهره است که مؤمن هر یک از تسبیحات اربعه مذکوره را صد مرتبه
گفته و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد بگوید اللهم
زوجنی من الحور العین مهر حوریه را ایفا داشته خداوند
بهشت حوریه را بتزویج او میفرماید از حضرت رسول الله مرویست که
هر که در عقب نماز صبح تسبیحات اربعه را سی مرتبه بخواند محفوظ
ماند از خراب شدن عمارت بر سر او و سوختن در آتش و غرق شدن در آب و
افتادن در چاه و محروس باشد از مردن بد و از هر بلیه که از آسمان نازل
شود در آن روز و این کلمات باقیات صالحات خواهد بود بجهت او و لو کرد

یعنی التسبیح ههنا ید لاله علی توحید الله وعدله وانه لا شریک فی الالهیة وجری ذلک مجری التسبیح باللفظ وربما یکون من طریق الدلالة اقوی لانه یؤدی الی العلم مجمع البیان

از تحریکو انتقال از جا تشهد این تسبیحات اربعه را سی بار بخوانند
وبعد از این هر مطلبی از خدا بخواهد البته مقرون باجابت خواهد شد
ایقاظ بدانکه نه تنها انس وجن و ملائکه باین اذکار اربعه مشغولند
بلکه تمامی طیور و وحوش و اراضی و کوهها و دریاها وما فیها و آسمانها
واهل آنها و عرش و کرسی و لوح و قلم بالجمله دنیا وما فیها و آخرت
وما فیها و هر شیئی که در علم خدا موجود است بذکر خداوند متعال مشغولند
و بتسبیحات اربعه مذکوره مواظبت و مداومت دارند آیات قرآن
وادعیه که مسطور و مرقوم میگردد شاهد مقال است خداوند در
سوره فرموده سبح لله ما فی السموات وما فی الارض ودر مطلع
سوره جمعه فرموده یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض ودر
سوره بنی اسرائیل فرموده تسبح له السموات السبع والارض ومن
فیهن وان من شیء الا یسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم
یعنی آسمانها و زمینها و هر آنکسیکه در آنها ساکنست تسبیح آن متعال
را گویند و هیچ شیئ از حمد و تسبیح خدا تا غافل نداشته ثنای الهی را
بجا آورده تسبیح گویند ولکن خدا تو تسبیح آنها را نمیفهمند والتفات
به تسبیحشان نمیکنند تا تبصر در حقیقت اکتساب نمایند حضرت امیر
مؤمنان در صحیفه خود در دعای روز بیست و دویم میفرماید سبحان من

تسبح له الجبال الرواسی باصواتها تقول سبحان ربی
العظیم وبحمده سبحان من تسبح له الاشجار باصواتها تقول
سبحان الله الملک الحق المبین سبحان من یسبح له السموات
السبع والارض ومن فیهن یقولون سبحان العظیم الحلیم الکریم
وبحمده همه فرمایشات آنحضرت مطابق با آیات عزیزه است ودر دعای
مذخور باذکار کافه مخلوقات ارشاد فرموده ومبین کرده است که ما
سوی الله بتسبیح وتحمید وتهلیل وتکبیر حضرت باری جلت عظمته
مشغولند وخود نیز موافقت با همه خلق خدا کرده میفرماید سبحان
الله بما سبحه به خلقه والحمد لله بما حمده به عرشه ومن
تحته ولا اله الا الله بما هلله به عرشه ومن تحته والله
اکبر بما کبره به عرشه وتحته والحمد لله بما حمده به سمواته
وارضه ومن فیهن ولا اله الا الله بما هلله به سمواته وارضه
ومن فیهن والله اکبر بما کبره کرسیه وکلشیء احاط به علمه
والحمد لله بما حمدته به بحاره وما فیها ولا اله الا الله بما
هللته به بحاره وما فیها والله اکبر بما کبرته به بحاره
وما فیها والحمد لله بما حمده به الآخرة والدنیا وما فیهما ولا
اله الا الله بما هلله به الآخرة والدنیا وما فیهما والله اکبر

در تسبیح طیور

بما کبره به الآخرة والدنیا وما فیهما در کتاب فقیه روایتی مذکور
است که آیه شریفه الم تر ان الله یسبح له ما فی السموات والارض
والطیر صافات کل قد علم صلوته وتسبیحه در شأن
خروس نازل گردیده ذکر خروس بموجب خبر منقول از حضرت سید
الشهداء اذکروا الله یا غافلین من عرف الله لم ینس ذکره
بود مطاوس گوید مولای ظلمت نفسی واغتررت بزینتی فاغفر
لی باز گوید یا عالم الخفیات یا کاشف البلیات دراج گوید
الرحمن علی العرش استوی ماکیان گوید یا اله الخلق الحق
انت الحق یا الله یا حی عقاب گوید من اطاع الله لم یشق
شاهین گوید سبحان الله حقا حقا غراب گوید یا رازق
ابعث الرزق الحلال مرغابی گوید غفرانک یا الله قمری گوید
یا عالم السر والنجوی یا الله کبوتر سرخ گوید انت الله لا اله
سواک عقعق گوید سبحان الله سبحان من لا یخفی علیه خافیه
طوطی گوید من ذکر ربه غفر ذنبه عصفور گوید استغفر الله
مما یسخط الله بلبل گوید لا اله الا الله حقا حقا کبک گوید
قرب الحق قرب جرخ گوید لا اله الا الله محمد وآله خیرة الله
فاخته گوید یا واحد یا احد یا فرد یا صمد شغنر گوید لا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم شترمرغ گوید لا معبود سوی الله
پرستوک قرائت سوره حمد کرده و گوید یا قابل توبة التوابین
یا الله لک الحمد زرافه گوید لا اله الا الله وحده اجل گوید
حسبی الله ونعم الوکیل شیر گوید امر الله مهم مهم فهد
گوید یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله شتر گوید سبحان مذل
الجبارین سبحانه اسب گوید سبحان الله سبحانه خرگوش گوید
لا تهلکنی یا الله لک الحمد کرگدن گوید اغثنی والا هلکت
یا مولای پلنگ گوید سبحان من تعزز بالقدرة سبحانه
کرک گوید اللهم احفظنی من عدوی آهو گوید نجنی من الاذی
بزغاله گوید عاجلنی بالموت قبل ذنبی چند جوان هم
با ولاد آدم واعظ است از طایفه مرغان هدهد گوید ما
اشقی من عصی الله کرکس گوید یا ابن آدم عش ما شئت فان آخره
الموت حدا گوید توکل علی الله ترزق بوم گوید البعد من
الناس انس لغلو گوید من خلا من الناس نجی من اذاهم وسمانا
گوید یا ابن آدم ما اغفلک عن الموت شغال گوید الویل لل
للمذنب المصر سگ گوید کفی بالمعاصی ذلا روباه گوید الدنیا
دار غرور بره گوید کفی بالموت واعظا کاو گوید مهلا مهلا یا

٤

آدم انت بین یدی من یری و لا یری و هو الله جناب سید
الساجدین بعد از اخبار از ذکر حیوانات فرموده اند خلق ننموده
خداوند مخلوقی را مگر آنکه بتسبیح و تعظیم میمانید بحمد و ثنا خدا
خود و این فقره سابقه مذکوره را استشهادا لما افاده تلاوت فرموده
پس مضمون این بیان ثابت و مبرهن گردید که حیوانات و اخس مخلوقات و اخضع
و خشوع و حمد و ثنا و تسبیح دارند بلکه بحکم آیه کریمه و ان الله یسجد
له من فی السموات و من فی الارض و الشمس و القمر و النجوم
و الجبال و الشجر و الدواب و کثیر من الناس ساجد بطریق
سجده تکوینی بوده در غایت مرتبه انخفاض میباشند در اینصورت
کی روا باشد انسان که اشرف مخلوقات است با ترک ذکر که موجب شرف
ذاکر است و با ترک شکر که سبب فزونی شاکر است خود را از انعام اضل و از
جمادات کمتر و حضیض تر نماید چنانچه حضرت سید سجاد در دعای حمد
مسطور در صدر صحیفه بحصول و عروض این رتبه و خطر تبه تصریح
فرموده شاید تالی کلام شریف با تامل تبصر بتحصیل غایه میفرماید
الحمد لله الذی لو حبس عن عباده معرفة حمده علی ما ابلاهم
من مننه المتتابعة و اسبغ علیهم من نعمه المتظاهرة لتصرفوا
فی مننه فلم یحمدوه و توسعوا فی رزقه فلم یشکروه و لو کانوا

کذلک

٤

کذلک لخرجوا من حدود الانسانیة الی حد البهیمیة فکانوا کما
وصف فی محکم کتابه ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلا
انسان باید بشرافت خود ملتفت گشته قلب خود را بذکر و زبان
خود را بشکر و جوارح خود را باطاعت و عبادت خداوند لطیف مشغول
سازد تا از شرف سبقت بدرجات عالیه فردوس برین فایز گردد و از
سایر حیوانات امتیازی یابد تکمیل اگر تسبیحات اربعه با ان فضائل
مذکوره سابقه در هر موردی که مقبول تضاعف میکند خوانده شود موجب
ترقی نامتناهی بوده ثواب آن از اندازه و حد و احصا بیرون و خود حضرات
ائمه هدی طریق تضعیف آن کار را در اخبار و ادعیه خویشتن
تعلیم و بیان فرموده من حیث الکم او الکیف تضاعف آن ده عدد را بجائی
رسانده اند که تعداد آن از تحت تصرف و حیز خیال بیرون است و اگر اهل
عالم را تماما بتعداد آن اعداد مضاعفه بگمارند در مانده و عاجز و حیران
مانند و لا یقوی علی احصائها الا الله و این فقره بتضاعف علی
الظاهر مخصوص این امت عالی مرتبه گردیده تا ارباب بصیرت و صاحبان
همت از این امت با جزئی تذکری زحمتی بدرجات عالیه جنت در
زمانی فایز و نایل شوند و بدانکه ادعیه در این باب بسیار است بعضی از
آنها تماما مشتمل بر تضاعف است و در بعضی فقره چنگ حالی و تضاعف

در بیان تعقیب
اذکار

کردید اما القسم الاول کالتسبیحات الواردة عقیب کل فریضة
وهی سبحان الله کلما سبح الله شیءٌ وکما یحب الله ان
یسبح وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله
والحمد لله کلما حمد الله شیءٌ وکما یحب الله ان یحمد و
کما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله ولا اله
الا الله کلما هلل الله شیءٌ وکما یحب الله ان یهلل
وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله والله
اکبر کلما کبر الله شیءٌ وکما یحب الله ان یکبر
وکما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله
پس بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر علی کل نعمةٍ انعم بها علیّ وعلی کل احدٍ من خلقه
ممن کان او یکون الی یوم القیمة ودر مفتاح الفلاح مذکور
که بعد از آن بخواند اللهم انی اسألک ان تصلی علی محمد
وآل محمد واسألک خیر ما ارجو وخیر ما لا ارجو واعوذ
بک من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر در خبر است که خدا را
ملکی است هزار هزار سر دارد و در هر سری هزار هزار روی دارد و
در هر روی هزار هزار دهن دارد و در هر دهنی هزار هزار زبان دارد

و بتسبیح

و بتسبیح خدا مشغول است وقتی بخاطرش گذشت که آیا خدا را
بندهٔ مثل من میباشد یا نه ملک خطا در سید که برو بر زمین
و فلان بندهٔ مرا ملاحظه کن که عبادت او از تو بیشتر است آن
ملک بزمین آمد و روز دیگر نزد آن بنده ماند و چیزی از عبادات
او مشاهده ننمود بجز آنکه در عقب فرایض نماز این تسبیحات را می
خواند چون زیادتی این تسبیحات بر همه تسبیحات موظفه آن ملک
اگر چه آن ملک را از تسبیح ملک معلوم و پوشیده بود اما بر او تو مخفی
نماند که تسبیحات مذکوره بر تصنیف عمیق کیفی اشتمال دارد و من حیث
الکیف ازین و اجمل و اکمل از تسبیح ملک بوده و بهتر از آن تسبیح
نمیبود الکف و کالتهلیلات الواردة عن مولینا امیر المؤمنین
وهو لا اله الا الله عدد اللیالی والدهور لا اله الا
الله عدد امواج البحور لا اله الا الله ورحمته خیر مما
یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک والشجر لا اله الا
الله عدد الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر
لا اله الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل
اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح
فی البراری والصخور لا اله الا الله من الیوم الی یوم ینفخ فی

الصور

ذی الصیود سید بن طاوس ره از مولای متقیان روایت کرده
هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه
بخواند حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید
و یاقوت و از میان هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد زنان
سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده باشد و در آن شهر قصرها باشد
از یک گوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهر از آن شهرها از انواع
جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و
نهالیها و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها
و زیورها و حلهها انقدر بوده باشد که وصف کننده قادر بر
وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع
باشد و مبادرت نماید بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو و دست راست
و چپ او راه روند تا او را به بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را
مقدم دارند و ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد که بیرون آن
از یاقوت سرخ باشد و اندرون آن از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد
آنچه نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس باو گویند ای بنده
خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه شما کیستید گویند ما ملائکه ایم
که حاضر بودیم در هنگامی که تو این تهلیلها را میخواندی در دنیا

شهر

شهر و آنچه در آن شهر هست از نعمتهای الهی یکثواب تو است برخواندن
آن تهلیلها و بشارت باد ترا به بهتر از این ثوابها و بسوی درجوار
رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن
نمیباشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو بر طرف نمیشود عالمان
دانند که اینهمه ثواب از دو جهت است یکی جهت شرافت ایام معلومات
و دیگری جهت تضاعف عدد تهلیلات که از حد احصاء بیرون و برحسب
اقتضا فقره آخر آن حکم تهلیل الهی بوالفیه ممتد است نظر بتسبیح
منقول از امام البرره در ضمن دعای روز بیست سیم هر ماه مذکوره
در صحیفه علویه مینماید سُبْحانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ حَمْداً یَبْقی
بَعْدَ الْفَناءِ وَیَمْحی فی کِفَّةِ الْمیزانِ لِلْجَزاءِ تَسْبیحاً کَما یَنْبَغی
لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ وَعَظیمِ ثَوابِهِ در اینجا و تسبیح به
کیف تضاعف داده شده و باین نکته نیز اعلان و اعلام رفته است آنکه
تضعیف تسبیح و تحمید را بطوری میتوان ذکر نمود که بعد از آن هم ذاکر در
زمره مسبحان و حامدان بود انقطاعی بر تحمید و تسبیح او نرسد
انا عشر ثانی لیل بعید جانی او عید ماثوره سعیره را تتبع نموده
نقل تحقیق قاصر خود از صحیفه علویه و سجادیه و ادعیه صحیحة الاسناد
مرویه از ائمه هدی علیهم اجمعین تضاعف کرده و کیفی مستقل از مضامین

را

زامر دوانا صنافه شیئ الیها والحاق کلمة زایده بها جمع او کرده نموده
بترتیب جمیل انداخته با خواهند جبر و ملحوظ شان تا فیض خواندن آن
در هر حال از اندازه و تقریر عیبا خارج باشد امید که فایده آن
اذکار صحیفه از عقلای ایم یوم نشو سالم مانده و در بهشت یاب
با خویان معمابرین و هم صحبت باشد لکن از جمله افهام انقطع سرا
مکنونه کرد ادعیه معتبره اشا و تصریح با نزفته چند فقره را بر
لزوم بین سنا تا برادران ادبیات رفیوضنا اهل کو بهره مانده
و بدانند که با یکفقره صحیفه بتمامت او مقصود و دلخواه خود
هر درجه قرب بهر قسم فیض و رحمت و نعم منت ایزد متعال نایل بوان
شد چنانکه حضرت امام زین العابدین در دعا حمد مسطور کردید صحیفه
سبحانه بالحمد فقط بتمام مراتب و ترقیات و فیوضات عظیمه را طی و التمام
کرده و واضح و لایح نموده اگر در حمد خدا اشان اوبیه بی انتها بوده
و مضمونها بیستاد ان معطونیست میفرماید وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا
عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ تا آنکه بجای ضمیرها سه نام میفرماید حَمْدًا نَنْعَمُ
بِهِ فِيمَنْ حَمِدَهُ مِنْ خَلْقِهِ وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَعَفْوِهِ
حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ
وَيُشَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ

بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا
هُمْ يُنْصَرُونَ حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي كِتَابٍ مَرْقُومٍ
يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرِقَتِ الْأَبْصَارُ
وَتَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ
مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللّٰهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللّٰهِ حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ
الْمُقَرَّبِينَ وَنُضَامُّ بِهِ أَنْبِيَائَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ
الَّتِي لَا تَزُولُ وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ   ودر آخر دعا
حمد فرموده است   وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَدْنَى مَلَائِكَتِهِ
إِلَيْهِ وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ حَمْدًا
يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ
مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ
عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ
مِنْهَا عَدَدُهَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدًا سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ وَلَا مَبْلَغَ لِغَايَتِهِ
وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ
وَسَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ
وَخَفِيرًا مِنْ نَقِمَتِهِ وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ وَظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ

وَحاجِراً عَن مَعصِيَتِكَ وَعَوناً عَلى تَأدِيَةِ حَقِّكَ وَوَظائِفِكَ
حَمداً نَسعَدُ بِهِ فِي السُّعَداءِ مِن أولِيائِكَ وَنَصيرُ بِهِ في نَظمِ
الشُّهَداءِ بِسُيوفِ أعدائِكَ إنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ   بر بريه چه خوش
كلامى فرموده كه بهتر از آن بجا ستودن نمى باشد   حمداً اجمل
وافضل از حمد هر حامد نموده و من حيث الفضيله با على مرتبه
افضليت سنا و من حيث الزمان ابدى و سرمدى و انقطاع نهايات
غايت و ابتدا از او منفى فرموده والى يوم القيمه امتداد بروى
مقرر داشته است و من حيث العدد از منتهاى حد كه اندازه و حساب
عدد را منفى داشته و سبب رضا و عفو خداوند و ظلمات عالم
برزخ و سقوط لغت سهيل بعث و شرافت و علو رتبت در دار اخرت
و در بهشت و سهيل بود و خلاصى از آتش جهيم در روز قيامت و من احمة
ملائكه و ترحم از منتهى انها و انضمام و اتصال بر ابنيا و سعداء و شهداء
در رفيع اعلى و مقربان الاعذار عقبى و وصلت بر ظاهر و عون بر
عبادت و مداومت عصمت و توفيق بر هر نوع سعادت در دار دنيا قرار داده
است پس بدخوانند دعا افضلى ومنها و بر قرائت ادعيه مشتمله بر
عفو نصا مثل دعاى حمد خود ... مر عفو نصا تسبيحات اربعه و دعا عفا
متصل به دعاى حمد خود و دعاى روز چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و

ونهم

ونهم و هفدهم و هيجدهم و نوزدهم و بيست و ششم و بيست و ...
و روز سلخ هر ماه و دعاى روز يكشنبه و شنبه از صحيفه علويه و صلوة كبيره
وارده در عصر يوم جمعه مكتوبه در منهاج العارفين كه مشتمله بر
عفو نصا صلوة و لعن است و دعاى صنمى قريش كه هم لعن دارد و عفو نصا يا فتدا
و غيرها المكتوبة في الكتب المعتبرة مواظبت نمايد و نيز بايد بگويد جزى الله
محمداً ما هو اهله   از حضرت صادق منقول و سند بحضرت ختمى مآب
ميرسد كه هر كس كلام مذكور را بگويد هفتاد نفر كاتب را بتعب اندازد كه
چند صبح صحيفه ثواب ان امر قرو و تحرير ان را بنويسند و باخر نمبر رساند و نيز از
حضرت رسالت پناه منقول است كه فرمود چون باسمان سيم رسيدم قصرى از ياقوت
سرخ ديدم كه از طلا هفت صد در داشت و در هر درى حورى بود چون افتاد در حسان
تشنه بود از جبرئيل پرسيدم كه اين قصر از كيست گفت از كسى كه بعد نماز عصر
هفده مرتبه بگويد لا اله الا الله قبل كل احد لا اله الا الله بعد كل
احد لا اله الا الله يبقى ربنا و يفنى كل احد و بهتر انست كه به
اختصار نظر بطول حضور عفو نصا اشاره رفته و عنوان مختصرى محرر كرده
كه برابر انيد از طريق عفو نصا اذكار موجود در جمعه ... مداومت مبين كرديده
يكى عفو نصا كه حاصل شود با تعلق و ارجاع هر يك از تسبيحات اربعه و صلوات
و استغفار و حوقله اعداد تا الله و مضامين متعلقه بها ... بكه در صفحه ٢٦

ديگر من فقرات
افتتاحيه و اجل ...
الاكمل و احل ...
و نبلوها ... و ...
الرحيم ... و ...
العاطفه ... و ...
علامة ... و ...
عفو نصا ... مكمل
مشغولى ... ابنيين و
تزيين ... و ...
وصلوات ... و ...
و استغفار و ... تسبيح
و انضمام انها ...
كامله ... علم ...

تضاعيف

السلام على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى عدد هذا كله

وصلى الله على محمد وآله عدد هذا كله

سُبحان الله   والحمد لله   ولا اله الا الله   والله اكبر   ولا حول ولا قوة الا بالله

عدد نجوم السماء

عدد ايام الدنيا والدهور

عدد الليالي والشهور

عدد الشوك والشجر

عدد الحجر والمدر

عدد ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه وملء ما احصى علمه واضعاف ما احصى علمه

عدد رضاه وعدد خلقه وعدد كلماته وزنة عرشه وملء سماواته وارضه

عدد آبائه واسمائه وملء جنته وناره وميلاد كلماته

عدد كلمته اضعافا مضاعفة ابد الآبدين كما ينبغي لعظمته ومنه

منتهى علمه ومبلغ رضاه وما الانفاد له

من اول الدهر الى فنائها ومن الآخرة الى بقائها

ابد الابد وقبل الابد وبعد الابد

وعلى منتهى رضا

بعد علمه منتهى رضاه

مع علمه منتهى رضا

عدد تفضيله ونعمه

عدد مغفرته وعفوه وستره

افقرت واغنيت واخذت واعطيت

وامت واحييت

استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم عدد هذا كله واتوب اليه

علی ومنا سب لما یلیه فتدبّرها حتی تعلمها

هذا علمها ليا فرق اتصال برهذه افعال مفصل دارد وبا تعبير بكر هذه جمل مبينه ليا ربنا ظاهر جميع اسماء و مصادر و وارد

سُبحان الله بما سبّحه به   والحمد لله بما حمد به   ولا اله الا الله بما هلّله به   والله اكبر بما كبّره به

بحاره وما فيها

سُبحان الله تسبيحا   والحمد لله تحميدا   ولا اله الا الله تهليلا   والله اكبر تكبيرا

لا يحصيه غيره قبل كل احد ومع كل احد وبعد كل احد

لا يحصيه بعدد ولا يفوته ولا يحيط

كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وعظيم ثوابه

٣

اگر کسی عمرش تا جز دنیا برسد و همه وقت بدن و بضعفا خدا را ذاکر باشد
بلکه دفعه خواند تا اذکار بطریق تضاعف بقرار مذکور بسبب ازدیاد
تر از آن اذکار کثیره و غیر محصور میباشد و در تضاعف ثوابها نهایت ی
وارد گردیده است در خبر است هر که بعد از تلاوت سوره واقعه این
تسبیحات را بخواند سُبحانَ اللهِ تسبیحاً لا یُحصیهِ العَدَدُ
سُبحانَ اللهِ تسبیحاً لا یُفنیهِ الأبَدُ سُبحانَ اللهِ تسبیحاً
یَفضُلُ کفضلِ اللهِ علی عبادِهِ سُبحانَ اللهِ کأضعافِ ذلِك
اضعافاً مضاعفة ثواب بعد ثواب خواندن تمام قرآن میشود
و بدانکه ثواب اذکار مذکوره در حال جزو بودن آنها بر نماز در بیطی ثواب
غیر اینحال هیچ جهه نداشته و ثواب زیاده از حد افزوده خواهد شد
خصوصا در نماز جماعت از حضرت ختمی مآب منقولست که مومن یکتکبیر با امام
جماعت بیابد بهتر از برای او از هفتاد حجه و هزار عمره غیر از فرضیه
از عبد الله بن مسعود منقول گردیده که در نماز جماعت تکبیرة
الافتتاح از او فوت شده بود غلامی آزاد کرده و بخدمت جناب ختمی مآب
رسید ماوقع را بیان نموده و پرسید که آیا بواسطه اینکه بنده آزاد کرده ام
بثواب تکبیرة الاحرام فایز میشوم آنحضرت جواب چنین فرمود که بمیر سی
اگر در راه خدا انفاق نمائی هر آنچه که در روی زمین است باز فضل تکبیرة الاحرام

را

را درنمییابی و با نیت پس است ثواب اذکار دیگر و از اینجهت است که
حضرت رسول و ائمه هدی با اینکه همواره با امر وارد در آیه شریفه
یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة
و اصیلاً ممتثل و عامل بوده صبح و شام علی الدوام در جمیع اوان
با اذکار عظیمة الفضیلة و الثواب خدا را یاد و در هیچ حال غفلت
نداشتند در یک شب و روز هزار رکعت علاوه بر واجبات نماز بجا آوردند
که نماز جامع انواع پرستش و عبادات است هر عابد با معرفت مقرب با درگاه
الله بوده و سرآمد جمیع و افضل از همه عبادات است و هر ذکر و فعلی
که در ضمن نماز بعمل آید افضل و اکمل و اعلی و اولی خواهد بود پس از
مواظبت بر نماز بی میل و غافل نشاید **فصل ششم** در بیان ثواب
قرائة حمد و فوائد است بسند معتبر از حضرت ختمی مآب منقول گردیده که
هر که سوره حمد را بخواند حق جل و علا بعدد هر آیه که از آسمان نازل شده
ثوابی با کرامت فرماید مثل ثواب خواندن توریة و انجیل و زبور و فرقان
میگردد و بعد اجر تصدق دادن بر جمیع مومنین هم مأجور و مثاب
میباشد و نیز مرویست که حضرت رسول خبر از نعمتهای الهی عطا داده و فرموده
است که خدا بمن فرموده که من تقسیم نمودم سوره فاتحة الکتاب را ما بین خود
و بنده خود از نصف آن سوره و نصف دیگرش مخصوص بنده است و هر آنچه که

من

من در آن سوره ها از من سؤال میکنید و عطا مینمایم چون قاری حمد گوید
بسم الله الرحمن الرحیم حقتعالی میفرماید که بنده من ابتدا کرد بنام
من و بر من لازم است که کارهای او را باتمام برسانم و در همه احوال
بر او برکت دهم پس چون گوید الحمد لله رب العالمین حقتعالی
فرماید که بنده من حمد نمود مرا و علم رسانید براینکه نعمتهای موجوده
در پیش او تماما از جانب من بوده است و بلاهای که از او دور شده
است کلا بتطول و احسان من دور کرده شده ای ملائکه شما را گواه می
گیرم که از برای او بر نعمتهای دنیا نعم عقبی را اضافه نمودم و دفع کردم
از او بلاهای آخرت را هم چنانکه دنیا را از او مندفع ساختم چون
گوید الرحمن الرحیم حق جل و علا میفرماید که بنده من شهادت داد برآنکه
من رحمان الرحیم ای ملائکه شما را گواه میگیرم که بهره او را زیاده و وافر
کردانیدم و نصیب او را از عطاهای خود عظیم و جسیم نمودم و چون
گوید مالک یوم الدین خدا فرماید که ای ملائکه شما را گواه میگیرم
که چنانچه اعتراف نمود براینکه من مالک روز جزا ایم در روز حساب
حساب او را آسان کردم و از گناهان او درگذرم و چون گوید ایاک نعبد
حقتعالی فرماید که راست گفت بنده من مرا عبادت نمود گواه میگیرم شما را
که از برای او بجهت همین عبادت ثوابی کرامت فرمایم که جمیع خلایق او

فرلک

کیفیة تکالیفه واحکامه واوامره ونواهیه ووعده ووعیده لیعمل بمقتضاها ثم یتفکر فی اسرار المخلوقات متوصلا من کل ذرة الی موجدها واما بالارکان فهو ان تکون مستغرقة فی الاعمال المأمور بها فارغة عن الاشتغال بالمنهی عنها وبهذا الوجه سمی الصلوة ذکرا فی قوله تعالی فاسعوا الی ذکر الله وقال بعضهم الذکر ثلثة ذکر باللسان وذکر بالقلب وهذا نوعان احدهما الفکر فی عظمة الله وجلاله وملکوته وآیات ارضه وسمائه والثانی ذکره عند امره ونهیه فیمتثل الامر ویجتنب النهی ویقف عندما یشکل وارفع الثلاثة الفکر لان الاحادیث الواردة علی فضل ذکر الخفی وضعفها الذکر باللسان ولکن له فضل کثیر علی ما جاء فی الآثار وقیل الخلاف انما هو فی الذکر بالقلب بالتهلیل والتسبیح ونحوهما وفی الذکر باللسان فان الفکر لا تعلق له بذکر اللسان

تفرج کند و مکان او را آرزو نمایند و چون گوید ایاک نستعین
خداوند عالم فرماید که بنده من از من استعانت طلبید و بمن
ملتجی گردید گواه میگیرم شما را که اعانت کنم او را در جمیع امور
و در همه شدائد فریادرس شوم و در ایام بلاها و در سختیها دست
او را بگیرم چون گوید اهدنا الصراط المستقیم تا آخر سوره
حقتعالی میفرماید بنده ام آنچه که از من طلبید باو کرامت نمودم
و هر آنچه که آرزو نمود باو عطا فرمودم و از هر آنچه که میترسید و را
از آن ایمن نمودم و هم حضرت رسول صلعم یاد کرده و فرموده که در
توریه و انجیل و زبور و قرآن نظیر و عدیل این سوره را خدای تعالی
نازل نفرموده و این سوره افضل سورهها است و اشرف تحفهای
کنوز العرش و ام الکتاب است یعنی اصل قرآن همین سوره است از
که خداوند تبارک و تعالی مطلوب اصلی خود را از انزال سورها در این
سوره فراهم آورده که عبارت از اثبات ربوبیت و طریق عبودیت باشد
و این سوره موسوم بسبع المثانی است که دو بار در مکه معظمه و در
مدینه منوره شرف نزول پذیرفته است و این سوره را خداوند اعظم بخصوص
رسول اکرم خود حضرت ختمی مآب کردانیده و شرف بها و بهجت آن از انبیا
شرکت نداده باینها عطا نفرموده مگر حضرت سلیمان را که از این سوره فقط بسم الله

الرحمن

النیة فان خلا الذکر عن النیة فهو لغو ثم ان صحبته النیة من الشروع الی التمام فهو الغایة والمطلوب وان صحبته فی الشروع وغربت عنه فی الاثناء فالظاهر انه اذا کان اصل العمل له تعالی وعلی ذلک عقد فلا یضره ما یعرض من الخطرات التی تقع فی القلب ولا تملک ضبط نفسه ولذلک اعتبروا النیة الحکمیة فی الوضوء والصلوة ونحوهما دون الفعلیة انتهی

الرحمن الرحیم را باو تعلیم فرموده اهر که این سوره مبارکه را تلاوت کند
در حالتی که بر موالات محمد و آل محمد معتقد گردیده و بر اسرار ایشان
منقاد شده بر ظاهر و باطنشان ایمان آورده باشد خداوند بر
قاری عطا فرماید در مقابل هر حرفی از این سوره مبارکه یک حسنه چنان
حسنه که افضل باشد برای او از دنیا و ما فیها از اموال و خیرات
و اجر استماع این سوره بقدر یک ثلث اجر قرائت است و این سوره شفا
برای هر دردی سوای مرگ و هر مرضی که سوره حمد شفا نکرد هیچ شئ باو
شفا نخواهد داد حضرت صادق ضمانت کرده و فرموده است که مریض
هفت بار این سوره را بخواند و اگر شفا برایش نرسید هفتاد بار بخواند
شفا خواهد یافت و از برای دفع تب وارد است که صاحب تب
پیراهن خود را بکشد و بسر دیگر بیاندازد و گوید اذان و اقامه گفته هفت
بار سوره حمد را بخواند به زودی شفا می‌یابد و اگر چهل بار سوره حمد را
بر قدح آبی بخواند و صاحب تب از آن آب بخورد باشد تب زائل
شود و از برای دفع صداع دست را بر موضع درد گذاشته سوره
حمد و آیة الکرسی را خوانده و بگوید اللّه اکبر اللّه اکبر
لا اله الا اللّه و اللّه اکبر مما اخاف و احذر اعوذ باللّه
من عرق نعار و اعوذ باللّه من حر النار انشاءاللّه درد سر رفع

خواهد

در فضیلت سوره مبارکه حمد است

خواهد شد کراراً بتجربه رسیده و اساس قرآن این سوره است و اساس
این سوره مبارکه بسم الله الرحمن الرحیم است که نزدیکتر است به اسم
اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی آن بچه تنها از معلم خود چون
بسم الله الرحمن الرحیم را یاد گرفته و بر زبان خود جاری نمود خداوند
رحیم از برای بچه و پدر و مادر بچه و معلم آن برات بیزاری از آتش جهنم
می‌نویسد و هر که بخواهد خداوند نجات بخشد او را از زبانیه تسعه
عشر پس در خواندن بسم الله الرحمن الرحیم و تصور نماید که این کلمه
طیبه نوزده حرف و هر حرفی از آن سپری است از برای دفع یکی از زبانه‌های جهنم در خبر است که جبرئیل بحضرت رسول عرض نمود که من
همیشه از عذاب امت تو ترسان بودم چون سوره فاتحه نازل شد ایمن
گردیدم زیرا که این سوره هفت آیه است و دوزخ هفت باب هر آیه از آن یک
در دوزخ را میگیرد تا امت تو بسلامت از آن بگذرند از حضرت ختمی
مآب منقول است که وقتیکه خدای تعالی بر قومی عذابی تقدیر کرده باشد
پس کودکی از کودکان ایشان در مکتب سوره فاتحه را بخواند از برکات
سوره خدای تعالی تا چهل سال عذاب از ایشان بر دارد و افضل آیه‌های
قرآن الحمد لله رب العالمین است چون کسی چهار بار این آیه را بخواند
در نوبت سیم فرشتگان ندا کنند او را که حق تعالی متوجه حال تست طلب

از ایزد

ازا بر دمتعال هر چه بخواهی از حضرت خیر مآب منقولست که فاتحه
الکتاب بر تابی بر زکست برهیچ ما کز بد بخوانند الا آنکه خدای تعالی
او را شفا دهد و در حین ورود منزل اگر سورهٔ فاتحه و اخلاص
خوانده شود خدای تعالی قادر برا از فقر نجات داده و موجب خیر و
برکت آن منزل شود و اگر در بستر خود بخوابی و این سوره را بخوانی از
همهٔ بلاها ایمن شوی و چون کسی درد چشم کند و یا ضعف بینائی عارض او
حاصل شود در اول ماه چون هلال را ببیند دست را بر چشمهای
خود بمالد و فاتحه را ده بار بخواند و در اول تسمیه و در آخر آمین
بگوید و سه بار سورهٔ اخلاص را بخواند و بعد از آن هفت بار بگوید
شفاءٌ من کل داءٍ برحمتک یا ارحم الراحمین پس یک بار
بگوید یا رب پس بگوید تو تضرع اللهم اشفِ انت الشافی
اللهم اکفِ انت الکافی اللهم عافِ انت المعافی
آن درد و ضعف به صحت مبدل گردد و در هر ماه در وقت
رؤیت هلال هفت مرتبه خواندن عمل را بر صحت بقای چشم کافی
و هر کس هفتاد بار سورهٔ فاتحه و آیة الکرسی و سورهٔ اخلاص و
معوذتین را بر باران بخواند و هفت روز در بامداد از آن آب میل
نماید هر مرض که در بدن او باشد بر طرف شود و از حضرت صادق منقولست

که عا

که عاطس سورهٔ فاتحه را خوانده و بر دو دست خود دمد و دستها را بر
روی خود کشد از درد چشم و جرب چشم و خون آمدن از بینی و درد سر
و از کلفت ایمن شود و از حضرت رسول منقولست که هر کس در روز
جمعه بعد از نماز هفت بار سورهٔ فاتحه و سورهٔ قل هو الله و معوذتین
را بخواند خدای تعالی دین و دنیا و اهل و فرزندان او را تا جمعهٔ
آینده در حفظ و امان خود دارد و نیز از آنحضرت منقولست
که هر کس بعد از هر نماز واجبی بخواند سوره فاتحه و آیة الکرسی
و آیهٔ شهد الله الخ و آیهٔ ان الدین عند الله الاسلام و آیهٔ
قل اللهم مالک الملک را تا بغیر حساب حق سبحانه و تعالی
بر ذات مقدس خود سوگند فرماید که بهشت را مأوا و قرارگاه
و در حظایر قدس او را منزل دهد و هر روز هفتاد بار بنظر رحمت
بر او نگرد و هر روز هفتاد حاجت او را برآورد که کمترین حوائج او
آمرزش گناهان او باشد و او را از همهٔ دشمنان برهاند و او را
بر همهٔ معاندین نصرت دهد **فصل هفتم** در ثواب
سوره‌ها که بعد از قرائت سورهٔ حمد خوانده میشود از حضرت امام
جعفر صادق مرویست که هر که سورهٔ انا انزلناه را در نماز واجبی
بخواند منادی از جانب حق تعالی او را ندا میکند که خدا گناهان

فصل هفتم

که زنان

کذشته ترا امرزد بعمل از نیز کبیر. و بسند معتبر از آنحضرت منقولست
که هر که سوره قدر را بلند بخواند چنان باشد که شمشیر کشیده در راه
خدا جهاد کند و اگر آهسته بخواند مثل کسی باشد که در راه رضای
خدا شهید شده و در خون خود غلطیده باشد هر که ده بار
این سوره را بخواند خدا هزار گناه از گناهانش محو فرماید
و اگر بعد از نماز عصر ده مرتبه این سوره را بخواند خدا مثل ثواب
اعمال جمیع خلایق ثواب او کرامت فرماید و هر که بر سر قبر
برادر مؤمن خود هفت مرتبه سوره قدر را بخواند از ترس بزرگ روز
قیامت ایمن شود از حضرت امیر المؤمنین منقولست که هر که پیش از
طلوع آفتاب سوره قل هو الله و انا انزلناه را بخواند در آن روز
بگناهی مرتکب نشود هر چند شیطان سعی در فریب دادن او نماید
و هر که در روز اول ماه دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول بعد از
حمد سی مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد
سی مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز با آنچه میسر شود
تصدق نماید سلامتی آن ماه را خریده است و مستحب است که بعد از این
نماز این آیات را هم بخواند بسم الله الرحمن الرحیم وما من
دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و

مستودعها

ومستودعها کل فی کتاب مبین بسم الله الرحمن الرحیم وان
یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر
فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده وهو
الغفور الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم سیجعل الله
بعد عسر یسرا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله
ونعم الوکیل وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد
لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین رب انی
لما انزلت الی من خیر فقیر رب لا تذرنی فردا وانت خیر
الوارثین واز اخبار ظاهر میشود که سوره قل هو الله احد
و سوره قدر را در نماز خواندن بهتر و افضل از خواندن سایر سوره
ها است بلکه در حدیث است نمازیکه در آن سوره قل هو الله احد نخوانند
مقبول و مزکی نمی باشد و هر که یک روز بر او بگذرد و پنج نماز بکند
و در آن پنج نماز سوره توحید نخواند خطاب او فرمایند که ای بنده
خدا تو از نماز گذارندگان نیستی و هر که یک هفته بر او بگذرد که
سوره توحید را در آن هفته نخواند و بمیرد بر دین ابی لهب مرده باشد
و کسیکه سوره قدر را در نماز خود نخواند عجب است که چگونه نمازش
مقبول میشود و منقولست که حضرت امام علی النقی چنین فرمود

فانه

و الله فضیلت دارند سورت او بهترین سورها که در نماز واجب
خوانده میشود این دو سورت است و هر که این دو سوره را بخواند علاوه
بر ثواب خود اینها ثواب سایر سورها که ترک شده را هم میابد و این
ثواب مخصوص این دو سورت است و در غیر اینها این فضیلت مذکور نیست
و میخوانند سوره انا انزلناه و سوره انا ارسلنا نوحا الی قومه
موجب ثواب کرامت میشود و هر که بر قدح آب سه و پنجم مرتبه سوره قدر را
بخواند و از آن آب بر جامه خود پاشد تا وقت کهنه شدن آن جامه
پیوسته در وسعت میباشد حضرت امام هنگام پوشیدن جامه نو
قدح آب طلبیده ده مرتبه سوره انا انزلناه و ده مرتبه سوره قل هو الله
احد و ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون را بر آن قدح میخواندند
و آب بر جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که قبل از پوشیدن
جامه چنین کند پیوسته در فراخی و در عیش باشد مادامیکه تاری
از آن جامه باقی بماند و مرد اگر پیش از جماع دست راست خود را
بر طرف راست ناف زن خود بگذارد و هفت مرتبه سوره قدر را
بخواند بعد مشغول شود و بعد از ظاهر شدن حمل در هر شب در وقت
که پهلو بر گرداند باید دست راست خود را بر جانب راست ناف
زن گذاشته هفت دفعه سوره قدر را بخواند خدا او را پسر عطا

فرماید

فرماید و بجهت عوذه از بلیات بر سبوی تازه پر از آب سه مرتبه سوره قدر را
بخواند و از آب آن سبو هم زیاده میل نموده و وضو میساخته باشد پیش از
تمام شدن آب سبو آن بکر بر ریش میریخته و سبو را ویران کرده
نبیند از بلاها سالم میماند در خبر است که سوره توحید بقدر
ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زبور ثواب دارد و سوره
جحد از حیثیت ثواب بقدر ربع قرآن است و هر که سوره توحید و قل
یا ایها الکافرون را در نماز فریضه بخواند خدا او را و پدر و مادر
او را بیامرزد و اگر قاری این دو سوره در نماز فریضه شقی بوده باشد
نام او را از دیوان اشقیا محو نمود و در دیوان سعدا ثبت کرده
و در دنیا سعادتمند شر بدارد و او را شهید بمیراند و شهید
مبعوث گرداند و هر که در خوابگاه در وقت خواب آید و سوره را بخواند
حق تعالی برات بیزاری از شرک را برای او مرقوم میدارد و هر که سوره
قل هو الله احد را یکمرتبه بخواند حق تعالی براو برکت دهد و هر که
دو مرتبه بخواند خدا براو و بر اهل او برکت عطا نماید و هر که سه مرتبه
بخواند خدا او را در بهشت دوازده قصر از برای او بنا کند و کاتبان
اعمال نامها بیا قصور ما مایل و عازم شوند و هر که صد مرتبه بخواند خدا
گناهان بیست و پنج سال او را بیامرزد و هر که چهار صد مرتبه بخواند اجر

حسد شهید وار دنیا برود و هر که یکشنبه روز هزار مرتبه بخواند نمیرد
تا جای خود را در بهشت مشاهده کند و یا دیگری ببیند و او را
مستحضر نماید و اگر بجهت باستن نظر نموده و بهر جهت سوره
توحید را یکبار بخواند از شر اعداء محفوظ ماند و در نزد
حاکم شد اگر خواند و در هر بار یک انگشت از دست چپ خود
عقد نماید و انگشتان خود را چنان نگاه بدارد تا وقتیکه از نزد
حاکم بدر رود از شر حاکم مصون ماند و هر کرا ایمان بخدا و روز
جزا آورده باشد باید بعد از نماز فریضه قرائة سوره توحید را
ترک نکند و هر که بعد از نماز واجب این سوره را بخواند خدا باو خیر
دنیا و عقبی را کرامت فرماید و گناه او و پدر و مادر او و فرزندان
پدر و مادر او را بیامرزد و هر که بقبرستان بگذرد از برای مردگان
یازده بار سوره توحید را بخواند و ثوابش را با اهل قبرستان هدیه
نماید بعدد مردها بآنکسان اجر و ثواب باید و هر که بعد از نماز
صبح یازده مرتبه این سوره را بخواند در آن روز بگناهی مرتکب و دچار
نشود هر چند شیطان سعی زیادی بکند معینکر دیده بینیش بر
خاک مالیده شود خدا خانه او و همسایگانش را محفوظ بدارد
و هر که در وقت خواب این سوره را بخواند حق جل و علا گناه پنجاه ساله

او را امرزیده و پنجاه هزار ملک بر او موکل گرداند که در آنشب
او را حراست نمایند و اگر پنجاه بار قرائة نماید بهتر خواهد شد
و اگر صداع او و علت دیگری عارض کسی باشد دستهای خود را بگشاید
سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق را بخواند و
دست بر روی خود بکشد آن درد برطرف شود و سوره توحید منفردا
از برای دفع هر دردی و هر شکی مؤثر و نافعست فصل هشتم
در ثواب قنوتست از حضرت ختمی مآب منقولست که فرموده اطولکم
قنوتا فی دار الدنیا اطولکم راحة یوم القیمة فی الموقف در لغت
و در اصطلاح متشرعه قنوت بمعنی دعا آمده است قال الله تعالی
قوموا لله قانتین یعنی مطیعین داعین و بحکم اخبار مأثوره
از ائمه دعا فضیلت زیاد دارد حتی در خبر است که دعا کردن من
حیث الفضیلة برتر از قرائة قرآن مجید است و از برای دعا رتبه و منزلة
عظیم در نزد حق تعالی است و حق تعالی رحم کند بنده خود را
حالیکه از خدا طلب حاجت کرده و دعا نماید و حضرت باری تعالی
عظمته دوست دارد که بندگان از او سؤال نمایند و از آنچه در نزد
اوست طلب نمایند و محبوب‌ترین اعمال نزد خدا در روی زمین دعا
است و منزلتی در نزد خدا هست نمیتوان بآنمنزلت رسید مگر بدعا

وچون بمؤمن دعا است که بجای دیگر هم مؤثر از شر دشمنان
و دعا دیگری را یاد میکنند و عمود دین است که با آن دین مؤمن برپا
است و نور آسمان و زمین است و دعا دفع میکند انواع بلاها را از
حضرت امام محمد باقر پرسیدند که کدام عبادت بهتر و افضل است
جواب داده که در نزد خدا هیچ عبادتی بهتر از آن نیست که از او
سؤال نمایند و از رحمت نامتناهی او طلب نمایند و هیچ کس نزد
خدا دشمن‌تر و مبغوض‌تر نیست از کسیکه از عبادت الهی
که دعا باشد تکبر نماید و از عطاها و از رحمتهای بی‌حصر باری
مسئلت ننماید چنانچه حق تعالی در کلام مجید خود میفرماید و قال
ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی
سیدخلون جهنم داخرین و در احادیث بسیار از ائمه
اطهار منقول است که مراد از عبادت در این آیه شریفه دعا است
پس حق تعالی و عده در کلام معجز بیان خود بدعا امر فرموده و وعده
داده بدعا و دعا را عبادت شمرده و ترکش را تکبر خوانده و وعده دخول
جهنم بر ترک دعا مقرر داشته است و چون بلائی بمؤمن متوجه شود مانند
سیل نازل از قله کوه و سرازیر ... روان میشود
لهذا اگر استقبال بلا بدعا و در شب توبه و انابه و تضرع و دعا

فضیلت دعای رکوع

ناچار و ناگزیر است که قبل از حلولش بدعا مشغول شوند و بعد از
نزولش مرتفع گردد و بسند صحیح از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که کسیکه پیش از نزول بلا پیوسته دعا کند در حین
نزول بلا دعایش مستجاب میباشد و ملائکه میگویند که این
آشنا صدائیست و دعای او را از آسمان منع نمیکنند و کسیکه قبل
از نزول بلا دعا کند برای دفع آن بلا خدا آن بلا را هرگز باو ننماید
و کسیکه خواهد دعایش در وقت شدت تنها مستجاب شود باید در هنگام
رخا و نعمت بسیار دعا کند خصوصا در نماز که بهترین عبادات است که
در قنوتش دعا مفصل خواند بخیر دنیا و عقبی را از معبود کریم و رحیم
مسئلت نماید و فضیلت بسیار در فضیلت رکوع است در حدیث است
که چون بنده رکوع کند خداوند باو بخشد او را بسوی بهای بزرگی
خود و آنرا داند انتهاء عظمت و کبریای خود بنیاد که لباس انبیا
و اولیاء خود را باو بپوشاند و در حدیث وارد است که در رکوع بگو
اللهم لک رکعت و لک خشعت و لک اسلمت و بک
امنت و علیک توکلت و انت ربی خشع لک قلبی و سمعی
و بصری و شعری و بشری و لحمی و دمی و مخی و عصبی و عظامی
و ما اقلت الارض منی لله رب العالمین بعد از آن بگوید سبحان

ربّی العظیم و بحمده و فضل آن هم که در فضل سجود از حضرت
امام حسن منقولست که اقرب احوال بنده در درگاه احدیت
حالیست که بنده در سجده باشد از ابو جعفر منقول است که
خداوند تبارک و تعالی وحی نمود بر حضرت موسی که آیا میدانی
بسبب چه ترا انتخاب نمود بر کلیمی خود از بین مردم عرض کرد که نمی
دانم ای پروردگار من فرمود که یا موسی من بنده گان خود را به ظهر
و بطن گردانیدم و نیافتم در میان ایشان احدی که اذل نفس باشد
زیرا ایم از تو یا موسی تو وقتیکه نماز خواندی گذاشتی دو طرف روی
خود را بر زمین از حضرت ابی عبد الله مرویست که خداوند
نوشته از برای کسی که سجده شکر نماید بسبب آن سجده ده حسنه
و محو کند از او ده گناه و ده درجه از برای او بلند فرماید
از امام جعفر صادق منقولست که سجده شکر واجبست بر هر مسلم
نماز خود را بسبب آن سجده تمام میکنی و بواسطه آن خدای خود را
از خود راضی کنی و ملائکه تعجب میکنند از تو بدرستیکه بنده
نماز خواند و بعد از نماز سجده شکر کرد خداوند حجابی را که در
ما بین بنده و ملائکه میباشد رفع نموده و میفرماید ای ملائکه
من نظر کنید بسوی بنده من که نماز واجب مرا ادا نمود و عهد مرا تمام

که

کرد بعد از آن برای شکر کردن از نعمتها که من باو عطا نموده ام
از برای من سجده نمود ای ملائکه من چه ثواب از برای او نزد من هست یعنی
بچه چیز مستحق است که باو بدهم ملائکه عرض میکنند ای پروردگار
ما رحمت خود را شامل حال او گردان بعد خداوند علی و اعلی
میفرماید بعد از آن چه پاداش باو دادم ملائکه عرض میکنند
بهشت خود را باو بخشا فرما بعد خداوند میفرماید بعد از آن چه
چیز هست از برای آن در نزد من که باو بدهم ملائکه عرض میکنند
که مهم او کفایت فرما پس خداوند میفرماید بعد از آن چه چیز
باو بدهم ملائکه از هر قسم خیر معروض میدارند تا آنکه در خطاب
حقتعالی و اجوبه ملائکه چیزی از خیرات باقی نمیماند مگر آنکه
ملائکه همه را تعداد کرده و معروض میدارند بعد از آن باز خدا
خطاب میکند که بعد از دادن اینها بچه چیز بنده من مستحق است
که باو عطا نمایم ملائکه معروض میدارند ای پروردگار ما دیگر
ما نمیدانیم پس حق جل و علی میفرماید شکر میکنم از برای او چنانکه
او شکر کرد از برای من یعنی جزا میدهم در ازاء شکر او و اقبال
میکنم بسوی او با فضل خود یعنی رو و فضل و احسان خود را بسوی
او میدارم و او را در مراتب معرفه خود کامل میگردانم و جنت خود را

باو

ادنماییم یعنی جمال انبیا و حج خودرا باو بنماییم به دیدن که نظر کرد
بسوی انبیا و ائمه که در روز جزا ثواب بسیت عظیم الجمله
ثواب سجده شکر است که مستحب است و ثوابی اجب بالقطع
فوق از مستحب میباشد فعلی هذا ثواب سجده در روایات
کدام نماز است از مفاهیم اخبار مذکوره مفهوم کردید و قدر
کرامت کفایت است که بسند معتبر از حضرت رسالتپناه منقول کردید
است که حقتعالی سوکند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند
نمازکذارندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را
با آتش جهنم در روز قیامت و مستحب است که قبل از تسبیح
سجده این دعا خوانده شود اللهم لک سجدت وبک امنت
ولک اسلمت وعلیک توکلت سجد لک وجهی وسمعی
وبصری وشعری وبشری ومخی وعصبی وعظامی سجد وجهی
للذی خلقه وصوره وشق سمعه وبصره تبارک الله
رب العالمین بعد از آن کوید سبحان ربی الاعلی
وبحمده و در بین دو سجده کوید اللهم اغفر لی وارحمنی
واجبرنی واهدنی وعافنی واعف عنی و مجرب است که بکوید
اللهم اغفر لی وارحمنی وفضل تا بی [illegible] بفضلک

تشهد است سابق برقضا عین ثواب کفتن لا اله الا الله
ثواب خواندن شهادتین مذکور کردید و ثواب کفتن صلوات
از حد و احصا خارج است از حضرت خیر ماب منقولست که هر که
بکوید اللهم صل علی محمد وآل محمد حقتعالی عطا فرماید
باو ثواب هفتاد و دو شهید و از کناهان بیرون اید مانند روزی که
از مادر متولد شده است و در اخبار و آثار ائمه هدی است
است که صلوات فرستادن بر پیغمبر آخر الزمان در محو کردن
کناهان شدیدتر است از فرو ریختن آب آتش را و هر که
یکبار صلوات فرستد ذره از کناهان او باقی نماند و ثواب سی
تمول بهم از شهید شد در راه خدا و شمشیر زدن در راه
خدا و هفتاد هزار ملک صلوات فرستند بر هر بنده سومی
که بر حضرت رسول صلوات فرستد بر هر یک و خداوند کریم
هزار صلوات برا و میفرستد با هزار صف از ملائکه و از مخلوقات
شئی باقی نماند مکر آنکه بر آن بنده صلوات میفرستند به سبب
آنکه خدا برا و صلوات فرستاد و آیه شریفه هو الذی یصلی
علیکم وملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور وکان
بالمؤمنین رحیما [illegible] دلیل بر این [illegible]

موکّل اند که در بارهٔ صلوات گوینده بگویند خدا ترا مبارک کرد
و سایر ملائکه بر عالی انها امین گویند و از زهرة الریاض
منقول است که رسول خدا فرمود حقتعالی ملکی افریده است
که دو بال دارد یکی در مشرق و دیگری در مغرب و پایش در زمین
هفتم و سر او در زیر عرش و بر اطراف پرها است بعدد همه خلایق
از انس و جن و حیوانات صحرائی و دریائی و بعدد انفاس همه ایشان
و بشمارهٔ قطرات باران و برگ درختان و ستارهای اسمان و ریگ
بیابان چون یکی از امت من صلوات بر من فرستد حقتعالی امر فرماید
بان فرشته در نهر نور غوطه ور شود و ان نهر در پای عرش است در زیر
عرش و ان ملک از دریا بیرون امده خود را بیفشاند و از هر پری
قطرهٔ بریزد حق جلّ و علا از هر قطره ملکی خلق کند و بر جمیع
انها امر فرماید که تا روز قیامت بر ان بندهٔ مصلّی طلب مغفرت
نمایند و از کتاب عیون المجالس منقولست که چون یکی از بندگان
رسول خدا صلوات فرستد منادی از عالم غیب ندا کند که حق جلّ و علا
بر این بنده ده بار صلوات فرستاد چون این ندا باهل اسمان اول
رسد هزار بار بر ان بنده صلوات فرستند چون بساکنان اسمان
دوم رسد صد هزار بار صلوات بر ان بنده فرستند و اهل اسمان

سیم سه هزار بار صلوات بر ان بنده فرستند همچنین تزاید
بهم رسانند تا انکه بساکنان سدرة المنتهی برسد و ایشان
هفت هزار بار صلوات بر او فرستند پس حقتعالی خطاب
میفرماید بر ملائکه که شماها از عهدهٔ صلوات بندهٔ من بر نمی
ایید انرا بمن واگذارید تا خود جزای او را دهم و جزایش انست
که گناهان او را بخشم این دو حدیث از عامه نقل یافته است
والله اعلم و در روایات خاصّه وارد گردیده که صلوات با ده هزار
رکعت نماز بلکه با بیست سال نماز برابری دارد و موجب قرب حضرت
ختمی مآب است در یوم پنجشنبه و هرکس بیشتر بر انجناب صلوات فرستد
در روز قیامت در هر موطن بر انمولی نزدیکتر خواهد شد
و کسی که بعد از هر نماز ده بار صلوات فرستد در روز جزا
مانند ماه شب چهاردهم منوّر باشد و حضرت ختمی مآب شفیع
او باشد هرچند گناهان کبیره داشته باشد و در بهشت از برای
او تحفه فرستند و صلوات موجب قرب حقتعالی است و نور و
هدایت و سبب رحمت است از حضرت امام حسن عسکری منقولست
که خدا حضرت ابرهیم را بجهت بسیاری گفتن صلوات خلیل خود کرد
و هر قسم دعا ببرکت صلوات بدرجهٔ اجابت مقرون و بی صلوات دعا محجوب

میهمانند تا آنکه صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود و دعا بین زمین
و آسمان حجابی مانع از بالا رفتن دعا است تا آنکه داعی
صلوات بفرستد و بهتر است که قبل از شروع در دعا و بعد از ختم
آن صلوات فرستد و مخصوص بدارد زیرا که کرم رحمن از آن
بیشتر است که دو طرف دعا را مقبول و وسط را مردود بدارد
و بهمین ملاحظه حضرت سید سجاد در دعای مکارم الاخلاق
و سایر ادعیه جمیله و جلیله خود این شیوه مرضیه را مرسوم
داشته است و نیز او را ملکی هست که تا قیامت در جنب قبر شریف
حضرت خیر البشر ایستاده همه بندگان خدا را با اسم خود شناخته و
آواز همه را از هر جا میشنود تا آنکه آن را بشنود که در هر
وقت هر یک از مؤمنان گوید صلی الله علی محمد و آله وسلم
او در جواب گوید و علیک السلام و بحضرت رسول خبر میدهد
که فلان مؤمن بر تو سلام کرد آن سرور نیز میفرماید و علیه السلام
و در ناصیه مؤمن ملکی حافظ نام حافظ و مبلغ صلوات
ناشیه در شب و روز است اگر در طلیعه افتد صلوات مؤمن را بر
مهر ظهور حضرت خیر البریه ابلاغ نموده و جواب گرفته و عروج
نموده اکره روز بر عرش او و عرض خداوند ملک علام رساند

واز

واز مصلی بوسیله جواب صلوات گرفته فورا بجای خود بر گردد
و هر که در روز جمعه صد بار صلوات بفرستد حق جل و علا
گناهان هشتاد ساله او را بیامرزد و هر که در روز جمعه بعد از
خواندن نماز عصر بگوید اللهم صل على محمد وآل محمد
الاوصياء المرضيين بافضل صلواتك وبارك عليهم
بافضل بركاتك والسلام عليهم وعلى ارواحهم
واجسادهم ورحمة الله وبركاته خداوند تبارك
وتعالى مینویسد از برای او صد هزار حسنه و محو میفرماید
از او صد هزار سیئه و صد هزار حاجت از برای او روا و صد
هزار درجه از برای او بلند میفرماید و مرویست که هر که در ما
بین ظهرین روز جمعه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد مثل
آنست که هفتاد رکعت نماز خوانده باشد و در آخر روز پنجشنبه
و شب جمعه جمعی از ملائکه از آسمان فرود آیند که قلمهای طلا
و الواح نقره همراه دارند و تا آخر روز جمعه بجز صلوات
چیزی مر مؤمنان را نمینویسند و صحیفه نور صلوات را نوشته در
حجاب عزت و در رکنی از ارکان عرش الهی و در خزانه غیب
محفوظ دارند و حضرت ختمی مآب در روز جزا آن صحیفه او را

دو کفه میزان بنده عاصی کذاشته حسناتش تزاید بهم رساند
و دست او را کرفته داخل بهشت فرماید و صلوات باعث کفایت
مهمات دنیا و آخرت است و فی نفسها از سیئات برداردو اعمال را
مهذب و پاکیزه و مقبول میدارد و اکر اعمال مجرد از صلوات
باشد عند الحساب امر بردش میدارند و بهر صلواتی دری
از عافیت بروی کشوده میکشایند و هر چیزی را فراموش کنی
صلوات بفرست که از یمن صلوات پرده از روی قلب برداشته شود
و نوری داخل دل کردیده منسی بخاطر آید و بسبب صلوات فرشتهای
موجب غنا و توانکریهاست و در عقب میت در سر طرف راست و طرف
چپ و در بالا و پس و در زیر پا و در جمیع اعضا باقیه کوینده
صلوات نوری خدا خلق کند و مصلی پیش از مردن جای خود را
در بهشت مشاهده کرده و از تلخی جان دادن و اهوال مرک
آزاد شده و قبرش منور کشته و از تشنکی روز نشور در امان بوده
و از فزع اکبر نجات یافته و از صراط با ایمنی کذشته و در حظیره
قدس از سلسبیل سیراب شده و صلوات موجب الم و ملالت و خواری
شیطان لعین میکردد **فصل دوازدهم** در نوادر
سلام مستحبه اول که مستحبست بعد نماز خوانده شود السلام

علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علی
انبیاء الله و رسله السلام علی جبرئیل و میکائیل
و الملائکة المقربین السلام علی محمد بن عبد الله
خاتم النبیین لا نبی بعده و با مختصر خاتم الانبیا
و اشرف کائنات مصلی مخاطب کرده و سلام میدهد در مقام
زیارت آن بزرکوار است بلکه روح زیارت انشاء سلام است
زیرا که در لغت زیارت بمعنی مطلق قصد است اما در عرف
قصد المزور اکراما له و تعظیما له و استیناسا به و چه
احسن اکرام و تعظیم با سلام دادن و دعا کردن در حق او
حاصل میشود و سلام و زیارت انبیا و اولیا از افضل طاعات
و اکمل عبادات معدود و متمم مناسک حج و مکمل نفس
ناطقه انسان و عدیل اعمال موصوفه با عقف است و ملکی موکل
است بر ابلاغ سلام و لاجرم ملک جواب سلام را کفته و در دنیا
حضرت ختمی مآب بعد از آنکه ملک سلام را ابلاغ نمود میفرمایند
علیه السلام و در آخرت حضرت اشرف کائنات و خلاصه موجودات
بر زائر خود رفته و مر او را شفاعت کرده و از مصیبتها
خلاصی داده و از ورطه روز جزا نجاتش بخشیده و داخل

نموده و در جوار رحمت با خیر و برکت خود ساکن میگرداند و در
روایت معتبره از حضرت امام رضا وارد گردیده که حقتعالی پیغمبر
محمد را افضل گردانید از جمیع خلق خود از پیغمبران و ملائکه
و طاعت او را طاعت خود شمرده و بیعت او را بیعت خود قرار داده
و زیارت او را در دنیا و عقبی زیارت خود شمرده است و در حدیث
خثیمه وارد آمده که پیغمبر فرمود هر که زیارت کند مرا در حال حیات
یا بعد از ممات من چنانست که خدای جل و علا را زیارت کرده است
و در خبر دیگر فرمود که چنانست که حقتعالی را در عرش زیارت نموده
و گویا همین عبارت مراد از زیارت خلاق اکبر است که در حدیث
شریف مبین آمده و همچنین زیارت حضرت خاتم الانبیا افضل از
زیارت امیرالمؤمنین و زیارت مولای متقیان افضل از زیارت
سید الشهدا لهذا در اخبار و آثار ثواب و فواید بسیار از برای
زیارت اطیب الطیبین و اطهر الطاهرین و ابر الابرار سید
الشهدا امام سیم امام حسین معصوم غریب مظلوم وارد گردیده
تعداد و ترقیم و تحریرش مناسب مقامست که فواید و ثواب زیارت
حضرت اکمل موجودات و وصی بر حقش امیر مؤمنان بحکم اخبار
ثواب زیارت ائمه مظلوم قیاس شده فهمیده شود و همچنین اعظم

من ... والدعا ... زوار کربلا ... الملعقین ... مجمع البحرین

در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام

معصومین از سلام بر عباد الله الصالحین و مخاطبین با السلام
علیکم این بزرگواران و ذریه ایشان ائمه معصومین اند لهذا
ذکر فضل و ثواب زیارت ایشان ائمه بلکه مؤمنین هم خالی از مناسبت
نمیباشد و بیان این مطالب متوقف بر پنج فصل است **فصل اول**
در فضیلت زیارت جناب خامس آل عبا حضرت سید الشهدا امام
مظلوم با کثرت ثواب زیارت حضرت امام حسین از حد طمع آدمی بالاتر
و با اعمال مضاعف هم سر و قرین است اولا زایر که از در خانه خود بدر
بخارج میگذارد در قدم اول سیئاتش تماما مغفور و هر قدمی
یکحسنه از برایش مکتوب و ثواب حجه مبروره مقبوله را که در صحیفه
اعمالش مرقوم افتد و هر چیزی که قدم میگذارد در بیابانها و دعا میکند
و ثانیا از یمن زیارت در نفس و مال و اهل و اولاد او برکت پیدا
شده و حوائج آن برآورده گشته و امر معاش او بخوبی میگذرد
و ثلج الفؤاد با ثواب بیست حج و بیست عمره مبروره متقبلات
و بیست جهاد که با نبی مرسل و یا امام عادل کرده باشد بر میگردد
و اگر زیارت در روز عید واقع شود ثواب زیارت مضاعف هم رسانیده
نوشته میشود از برای زایر ثواب صد حج و صد جهاد که با پیغمبر مرسل
و با امام عادل کرده باشد و در روز عرفه مضاعف دیگر هزار روز و بو

میشود از برای او ثواب دو هزار حجه و دو هزار عمره متقبلات
و هزار جهاد که بخود مذکور بجا آورده باشد و از برای کسیکه
در روز عاشورا آنحضرت را بخواند که در حدیث است منقول از حضرت امام
محمد باقر مقرر است زیارت کند و بر بعضی امور مشروحه در آن روز
مواظب باشد ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار
جهاد که همه را با رسول خدا کرده باشد نوشته شود و از برای او
خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبر و رسولی و وصی و صدیق و شهیدی که مرده
باشد یا شهید شده باشد از روزی که خدا دنیا را خلق کرده است
تا روز قیامت و اگر دعا علقمه را بعد از ختم زیارت بخواند مبعوث میشوند
خدا از برای او بزیارت هزار هزار حسنه و محو میکند از او هزار
هزار گناه و بلند میکند از برای او در بهشت هزار هزار درجه
و خواهد بود از آنها که شهید شده باشند با حسین بن علی تا
آنکه شریک شود با ایشان در درجات او نوشته شود برای او ثواب هر پیغمبری
و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید
شده است بلکه در حدیث است منقول از عایشه ثواب نود حج از حجهای حضرت
خیر البشر با ثواب نود عمره از عمرهای آنحضرت به زایر داده میشود
و فاضل دربندی آخوند ملا آقا علیه الله مقامه در کتاب تحفة ناصری

خود مینویسد که بحج رسول خدا افضل است از جمیع عبادات و طاعات
همه طوایف انس و جن از زمان خلقت آدم تا انقراض عالم و نیز وارد
گردیده که هر کس قبر شریف ائمه طاهرین را زیارت کند مثل کسی باشد
که الله تعالی را در عرش زیارت کرده باشد یعنی در عرش خدا را
قصد کند یعنی بدان مکان شریف عبادت خدا را بکند و یا اینکه
بنا بر توجیه صدوق ره چنین گوییم که مراد اینست که گویا جمال اعدل
المثال حضرت ختمی مآب و یا یکی از ائمه اطهار را در عرش زیارت کرده
باشد که خدا زیارت ایشان را بمنزله زیارت خود گردانیده
چنانکه بیعت و اطاعت خود شمرده است و در روز جزا از زیارت جمال
مبارک آنحضرت و ائمه هدی ثواب بسیار عظیم. اللهم ارزقنا بحقهم
یا کریم و نیز در خبر است که حضرت خیر الانام و ائمه کرام و ملائکه
سماء از برای زایر دعا کرده حضرت خیر البشر و ملائکه با او مصافحه
مینمایند و حضرت امیر [illegible] زائر را ندا میفرماید
یا وفد الله ابشروا بمرافقتی فی الجنة و بعد از آن حضرت امام حسن زوار را
ندا میکند که من ضامنم بر حوائج شما و بر دفع بلاهای از
شما در دنیا و عقبی و از اطراف زوار را ملائکه از یمین و یسار
احاطه کنند از شر جن و انس ایشان را از منزل تا وطن ایشان و ورود

بیعت و اطاعت ایشان را

برد اهل و عیال خود شان و ملائکه حسنات از برای ایشان مضاعف
کرده و ایشان را مستقیم می‌سازند و چون مریض شوند بعیادت ایشان روند
و بعد از مردن بر جنازه ایشان نماز گذارده و استغفار از برای
ایشان می‌نمایند و حق تعالی ملکی را موکل گردانید که در آن روضه
مقدسه قایم مقام او باشد و از برای او طلب آمرزش کند تا او
بزیارت بر گردد یا سالی بگذرد یا بمیرد و نیز ثواب دو ماه روزه
و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام دارد یا بعد زیارت پیغمبر
رسول الله باعث سرور حضرت رسول است و کمتر ثوابی که بزائر
عارف بحق آن مولا میرسد آنست که خداوند کریم گناهان گذشته
و آینده او را ببخشد و در بعضی اخبار ثواب آزاد کردن بیست و پنج
نفر غلام از برای او مقرر فرموده اند **فصل دویم** در فضیلت
زیارت امیر مؤمنان و مولای متقیان ولی مطلق آباء الائمة است بدانکه
اینهمه ثواب و فضیلت که در خصوص زیارت حضرت خامس آل عبا وارد
آمده در زیارت مولای کل امیر البررة قاتل الکفرة در مقابل
مجموع آنها مقرر است و در اخبار عدیده آنها بطریق حصر
منقول آمده و بقدر زیادتی فضیلت و علو رتبت مولای متقیان
بالنسبة بجد بزرگوار خود سید الشهداء فضیلت زیارت آن مولا مقرر

و مرتبت گردیده و تفاوت در ثواب نیز مبین آمده و در اثبات
این دو مطلب بنقل عبارت دو حدیث اکتفا شود در حدیث معتبر
از حضرت صادق آل محمد مرویست که زیارت حضرت امام حسین برابر
با یک حج و یک عمره و زیارت پدرش مولای کل برابر است با دو حج و دو
عمره و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که فضیلت زیارت
قبر امیر المؤمنین بر زیارت قبر امام حسین مثل فضیلت امیر المؤمنین
است بر امام حسین و بموجب خبر معتبر آن حضرت در نزد خدا از همه
ائمه هدی بزرگوارتر و گرامیست و بقدر ثواب اعمال جمیع ائمه
اجر و ثواب برای آن سالک مسلک هدایت موعود و مهیا میباشد
زیرا که عمل آن بزرگوار از اعمال همه ائمه بیشتر است از حضرت امام
جعفر صادق منقولست که خدا با ملائکه آن حضرت را زیارت میکنند
یعنی خدا بقصد تکریم آن اعز ناس مرحمت فرموده درود و سلام و رحمت خود
را شامل حال ایشان میفرماید و پیغمبران بزیارتش مشرف میشوند و حق
جل و علا زائر عارف بحق آن مولا که آن حضرت را امام واجب
الاطاعه و خلیفه بلافصل داند و از روی تکبر و تجبر بزیارتش
مشرف نگردیده باشد مینویسد اجر صد هزار شهید و گناهان
گذشته و آینده را میبخشد و از جمله ایمنان در روز قیامت مبعوث

شود و خدا آسان میکند بر او حساب را و استقبال او مینمایند ملائکه
و چون از زیارت بر گردد ملائکه او را مشایعت میکنند تا بخانه خود
برسد و اگر بیمار شود بعیادتش روند و اگر بمیرد بجنازه او مشایعت
نمایند و از برایش طلب مغفرت کرده بقبرش میرسانند و دری از
آسمان از برای او گشاده شود تا وقتی که داخل شود او بروضه منوره اکرام نمود
و در حدیث دیگر دعا کردند او را امام جعفر صادق علیه السلام یاد نمود و فرمود
و الله محجور آتش جهنم قدمهائیکه غبار آلوده شود در زیارت
امیر مؤمنان خواه پیاده و خواه سواره و هر گامی حج مقبول و عمره
پسندیده نوشته شود و در خبر معتبر هست که هر که پیاده بزیارت
امیر المؤمنین برود حقتعالی بهر گامی ثواب دو حج و دو عمره از برای او
بنویسد و هیچ مؤمنی نیست که بسوی قبر شریفش برود مگر آنکه حق تعالی
غمش را زایل میگرداند و دعایش را مستجاب کند و منقولست که حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که علی را زیارت کند مرا زیارت کرده است
و بسند معتبر از حضرت امام حسین منقول است که حضرت ختمی مآب فرمود
در روز قیامت بزیارت هر یک از زایر خود و زایر امیر المؤمنین
و زایر امام حسن و زایر امام حسین میروم و از گناهان خالص کرده
به بهشت داخل فرمایند فصل سیم در فضیلت زیارت

حضرت امام ثامن ضامن و قبله هفتم امام هشتم جناب امام رضا ع
است در خبر معتبر منقولست که حضرت موسی بن جعفر فرمود که
هر که زیارت کند قبر فرزندم علی را از برای او نزد خدا ثواب هفتاد
حج مقبول بوده باشد راوی استبعاد کرد گفت هفتاد حج مقبول
حضرت فرمود که بلی هفتاد هزار حج گفت هفتاد هزار حج فرمود که چه بسیار
حجی باشد که مقبول نشود هر که آن حضرت را زیارت کند یا یک شب نزد آن
حضرت بماند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد گفت
چنانچه خدا را در عرش زیارت کرده باشد فرمود که بلی چون روز قیامت
میشود بر عرش الهی چهار کس از پیشینیان و چهار کس از پسینیان
خواهند بود اما پیشینیان پس نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و اما
پسینیان پس محمد و علی و حسن و حسین اند پس ریسمانی میکشند
نزدیک عرش پس مینشینند با ما زیارت کنندگان قبرهای ائمه
بدرستیکه زیارت کنندگان قبر فرزندم علی نزدیکتر از همه بلند
تر و عطاشان از همه بیشتر خواهد بود و در حدیث دیگر از حضرت
امام رضا منقولست که از برای زایر قبرش حقتعالی ثواب هزار
شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و عمره کننده و صد هزار
جهاد کننده و محشور شود در روز قیامت در زمره امامان در درجات

عالیهٔ بهشت رسیده باشد از امام محمد تقی مرویست که فرموده
والله هزار هزار حج هست از برای کسی که آنحضرت را زیارت کند
و حق او را بشناسد و در اخبار بکرّات مذکور است که حق تعالی
گناهان گذشته و آینده زایر آنحضرت را بیامرزد و قبول کند
شفاعت او را در حق هفتاد نفر گناهکار و روز دفن در قبر مطهر هر
حاجتی که طلبد البته برآورده شود و هر غمی که آنجناب زایر را باشد
کند البته حق تعالی غمش را زایل گرداند و بهشت را از برای او واجب
گرداند و بروایت حضرت امام رضا فرمودند که هر که مرا زیارت کند من با
او باشم در سه موطن و نیز قسم یاد کرده میفرماید که زیارت کنند
گان قبر من گرامی ترند از هر گروهی نزد خدا در روز جزا و هر مؤمنی که
مرا زیارت کند پس برسد او را قطرهٔ از باران پس البته حق تعالی
جسد او را بر آتش جهنم حرام گرداند و آمرزش و رحمت خدا از برای
او واجب شود بشفاعت ما اهل بیت و از امام محمد تقی مرویست از
برای زایر آنحضرت در روز قیامت منبری گذارند برابر منبر رسول نصب کنند
که بر آن منبر باشد تا حق جل و علی از حساب خلایق فارغ شود و چنان باشد
که رسول خدا را زیارت کرده باشد و از حضرت امام محمد تقی مروی
است که در جواب سؤال علی بن مهزیار وقتیکه عرض کرده فدایت شوم

زیارت

زیارت امام رضا افضلست یا زیارت امام حسین فرمود
است زیارت پدرم افضلست زیرا که امام حسین را همه کس زیارت
میکنند و پدرم را زیارت نمیکنند مگر خواص از شیعه مخفی نماند
که تعلیل او در ذات امام با فضیلت زیارت با قلت زایر اشاره برای نسبت
که امامت امام رضا در انظار عامهٔ ناس مخفی و مختص بشیعهٔ اثنی
عشریه و زیارت آنحضرت متضمن تعظیم شعائر ایمان بوده و موجب
ترویج مذهب و ملت خاصه رضویه است که بواسطه اجتماع زوار در
امامت آنحضرت بر کافهٔ اهل شریعت و صاحبان اهل ملت کالشمس فی
وسط السماء لائح و آشکار بوده و مذهب شیعهٔ اثنی عشریه بر جمیع
خلایق واضح و غیر مستور میگردد زیرا که ما بین شیعه از فرق ضاله
و موجب اظهار و اعلان انفراد امامت ائمه اثنی عشر و زیارت جامع
مثوبات عظیم و فضیلت تامه است و بملاحظه این فایدهٔ مهمه خاص
مرتبه مر زیارت آنجناب را بود و از اختلاط با خواص شیعه که
موجب تهذیب اخلاق و قوت ایمان و فواید جسیمه است در غربت اجتماع
در زیارت آن مولا اهم و اقدم و افضل از زیارت حضرت سید
الشهدا است که اتصال بحضرت خیر البشر از همه بیشتر و امتش
از همه اکثر و اظهر است و احتمال اختفا در آن غیر متصور و کل من

امامیة حق

انخل

انتحل هذا الدين بزيارت بابركتش مشرف ميشوند و در باب الطهارة
امامتش بعد از حصول اين همه شبهها و قرب اتصال بر جلب زوار
محل حاجت باقی نمیباشد از اخبار بسیار وارده در باب قدر
ثواب زیارت امامین همامین بر وجه اطلاق و تقیید بوجهی
استنباط میشود که زیارت امام ثامن ضامن بر وجه اطلاق افضل
از زیارت حضرت خامس آل عبا است و زیارت مخصوصه امام مولا
در ایام مخصوصه روز عاشورا و عرفه افضل از زیارت مطلقه
امام رضاست ا و محتملست که توجیه دیگر هم داشته باشد فصل
چهارم در فضیلت زیارت حضرت امام موسی کاظم بسند معتبر
منقولست که از حضرت امام رضا محمد بن سنان سؤال نمود که چه ثواب
دارد کسیکه پدرت را زیارت کند فرمود که بهشت از برای او است
و بسند صحیح وارد شده که حسن بن علی وشا از حضرت امام رضا
پرسید چه ثواب دارد کسی که قبر حضرت امام موسی را زیارت کند
فرمود که از برای او است مثل ثواب کسی که قبر حضرت امام حسین را زیارت
کرده باشد و در حدیث دیگر فرمودند فضل کسیکه زیارت کند
پدرم را یعنی رسول خدا را چون نامه همگی نور واحد اند بحکم گویا
در زیارت همه آنها حاصل میشود خاتمه بسند معتبر منقول است که ابراهیم

فصل چهارم

بن عقبه نوشت بخدمت حضرت امام علی النقی و سؤال نمود از ثواب
امام حسین و از زیارت امام موسی و امام محمد تقی که کدام بهتر است
حضرت در جواب نوشت که امام حسین مقدم است و زیارت این
دو معصوم جامعتر است و ثوابش عظیم تر است مؤلف گوید که بزرگی و عظم
ثواب زیارت این دو معصوم بواسطه اجتماع که فضیلت حاصله
از انضمام زیارتین است و گویا بحکم در زیارت سایر معصومین
هم جاریست که از اجتماع و انضمام زیارت دو نفر و یا سه نفر
ایشان فضیلت غیر متناهیه داشته باشد فصل پنجم
در ثواب زیارت مؤمنان از امام جعفر صادق منقولست که
مسلم هر وقت برادر دینی خود را محضا لله و قربة الی الله تعالی
زیارت کند خداوند میفرماید ایها الزائر طبت و طابت
لک الجنة و ثوابش مثل ثواب زیارت خدا و ائمه هدی
است و ثوابش مانند ثواب کسی است که عهد خود را با خدا
نو تازه کرده و خداوند از غضب خود بر او ایمن داده و از
آتش جهنم خلاصی بخشیده و بهشت را بر او واجب نماید و بسند
معتبر از حضرت امام موسی مرویست که هر که قادر نباشد بر زیارت
ما پس زیارت کند صالحان شیعیان ما را که برای او نوشته شود برای

او ثواب زیارت ما و هر که قادر نباشد بر صله و نیکی ما پس صله
و نیکی کند بصالحان شیعیان ما تا نوشته شود برای او ثواب
صله و نیکی ما بسند معتبر از حضرت رسول مرویست که حقتعالی
در بهشت عمودی آفریده است از یک دانه یاقوت سرخ و بر آن عمود
هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است که آفریده
است آنها را برای آنها که باهم دوستی میکنند و دیدن یکدیگر
میروند للّه و برای خدا فذلکه از حضرت امیر مؤمنان منقولست
که هر که داخل قبرستان شود و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
السلام علی اهل لا اله الا الله من اهل لا اله الا الله
یا اهل لا اله الا الله بحق لا اله الا الله کیف وجدتم
قول لا اله الا الله من لا اله الا الله یا لا اله الا الله
بحق لا اله الا الله اغفر لمن قال لا اله الا الله واحشرنا
فی زمرة من قال لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی
الله حقتعالی ثواب پنجاه ساله عبادت را برای او بنویسد و گناه
پنجاه ساله را از او و از پدر و مادر او محو نماید خلاصه کلام ائمه
مصلی باسلام در تقویم که بر بندگان صالح الله الصالحین سلام
زاده و با سلام تسلیم قصد تسلیم بر همه انبیا و ائمه معصومین و ملائکه

مرجبا دانا قال مرحبا اجل
الله عزوجل له العطیة و فی
خبر آخر وکل الله به سبعین الف
ملک ینادون من عند الله
ان طبت وطابت لک
الجنة فانتم زوار الله وانتم
وفد الرحمن حتی یاتی
منزله وعنه قال الزیارة
مؤمن فی الله خیر من عتق عشر
رقاب مؤمنات ومن
عتق رقبة مؤمنة وقی بکل عضو منها
عضوا من النار حتی ان
الفرج لیقی الفرج

مکرمین

مکرمین و قاطبهٔ مسلمین از انس و جن میکنند یعنی تمامی آنها
را بخاطر خود آورده و مخاطب کرده و امام جماعت ماموین را
و آنها امام را هم مقصود داشته سلام میکنند مستفیض فیوضات
جلیله و جامع ثواب زیارت همه انبیا و ائمه و اوصیا و اولیا
و مؤمنین و موحدین و برگزیدگان درگاه الله و سکان سموات
و ارضین از ملائکه مکرمین و اقطاب میباشد و اینهمه ثواب
از اندازه و حساب بیرون است و بعد از حضرت ختمی ماب خطاب بجناب
ابوذر کرده میفرماید یا اباذر حقتعالی ملاحظه روشنی چشم
مرا در نماز مقرر فرموده و نماز را محبوب من ساخته است چنانچه گرسنه
را مایل طعام و تشنه را خواهان آب گردانیده است و بدرستیکه گرسنه
چون طعام میخورد سیر میشود و میلش از آن برطرف میگردد و تشنه
چون آب میخورد سیراب میگردد و رغبتش زایل میشود و من هرگز
از نماز سیر نمیشوم و دائما خواهان آنم یا اباذر خدا عیسی بن مریم
را برهبانیت مبعوث گردانید و در شریعت آنحضرت بود ترک لذتها
و معاشرت خلق و دوری از زنان و ترک لذتها و مرا مبعوث گردانیده
است بدینی پاکیزه و مایل از اعوجاج و انحراف بجانب استقامت
و پرستش و آسان در عمل و تکلیفهای شاق در آن نیست و مرا تحفه زنان

دیوی

وبجوی موش زاده است ولکن فرح وشادی وروشنی چشم من نماز
است یا اباذر هرکه نه نشیند روزی دوازده رکعت نماز علاوه
بر نمازهای واجب بگذارد بر خدا واجب و لازم نیست که در بهشت خانه
برای او عمارت فرماید ای اباذر مادامیکه در نماز هستی در گاه عظمت
خداوند جبار را میکوبی و هر که بسیار در گاه پادشاه را بکوبد
البته برای او میگشایند یا اباذر هیچ مومن بنماز نمی ایستد مگر
آنکه برای او فرو میریزد رحمت از میان او تا عرش و ملکی را برای او موکل
میگردانند که او را ندا میکند که ای فرزند آدم اگر بدانی که ترا
در نماز چه ثوابها و رحمتها هست و با چه خدا و تکلم مناجات
میکنی هرگز از نماز فارغ نشوی و ترک نماز نمیکنی و نیز میفرمایند
یا اباذر طوبی لاصحاب الالویة یوم القیمة یحملونها
فیسبقون الناس الا و هم السابقون الی المساجد
بالاسحار و غیر الاسحار یا اباذر الصلوة عماد الدین
ابن عباس از حضرت رسول روایت کرده است که خداوند تبارک
و تعالی ملکی خلق فرموده اسم او سخائیل است در وقت گذاردن
هر نماز برات نمازگذارندگان را از نزد پروردگار عالمیان در یافت
میکند در صبح همینکه مومنان برخواستند و وضو گرفته و نماز صبح

خوانند

خوانند سخائیل برات ایشانرا از برای ایشان از خداوند میگیرد که در آن
نوشته شده انا الله الباقی عبادی و امائی فی حرزی جعلتکم
وفی حفظی تحت کنفی حصنتکم و عزتی لا اخذلنکم و انتم
مغفورون لکم ذنوبکم الی الظهر در وقت ظهر مومنان
چون برخواستند و وضو گرفته و نماز ظهر را خوانند برات دویم را
برای ایشان از خداوند عظیم الشان بدین مضمون میگیرد انا الله القادر
عبادی و امائی بدلت سیئاتکم حسنات و غفرت لکم السیئات
واحللتکم برضائی عنکم دار الجلال زمانیکه وقت عصر داخل
شد و مومنان برخواستند وضو گرفته و نماز عصر را گذارند برات سیم را از
خداوند کریم از برای ایشان اخذ نماید که در او نوشته شده انا الله
الجلیل جل ذکری و عظم سلطانی عبیدی و امائی حرمت ابدانکم
علی النار و اسکنتکم مساکن الابرار و دفعت عنکم برحمتی
شر الاشرار بعد مغرب چون برخواستند و وضو گرفته و نماز مغرب را خوانند
برات چهارم را بدین مضمون از برای ایشان از جناب خداوند جبار صادر میکند انا
الله الجبار الکبیر المتعال عبیدی و امائی صعد ملائکتی من عندکم
بالرضی و حق علی ان ارضیکم و اعطیکم یوم القیمة منیتکم
زمانیکه مومنان در وقت نماز عشا وضو گرفته نماز خفتن را گذارند برات

بخشید را از حضرت سبحانه بمضمون ماخوذ دارد انّی انا الله لا اله
عزّی و لا ربّ سوای عبادی و امائی فی بیوتکم تطهّرتم و الی
بیوتکم مشیتم و فی ذکری خضتم و حقّی عرفتم و فرائضی ادّیتم
اشهدکم یا سخائیل و سائر ملائکتی انّی قد رضیت عنهم
پس سخائیل در هر شب بعد از نماز خفتن [illegible] ندا میکند یا ملائکه
بدرستیکه خدا بخشید نماز کذاران و حید کننده را پس در تمامی هفت
آسمان باقی نمیماند ملکی مکر آنکه از برای نماز کذاران طلب مغفرت از خدا مینمایند
ملک مقرّب اکر ده دعا کنند از برای انها بسبب التماس کردن برادر ایمانی

تنبیه

تنبیه مصلی با کفتن سمع الله لمن حمده و سلام دویم و سیم
ثواب دعا کردن بر مؤمنان میبابد در تعقیب صحیح ماموم مستحبست
که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود در غیاب او از عرش ندا
باو رسد که از برای تو باد صد هزار برابر آن که دعا در حق برادران مؤمن
از اسباب استجابت دعا و دفع مکروه و مصروف کردن بد بلا و جلب رزق

فائده

روزی است فائده هر که هر روز بیست و پنج نوبت بکوید اللهم اغفر
للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات حق تعالی بعدد هر
مؤمنی که کذشته باشد و هر مؤمنی که خواهد آمد تا روز قیامت
حسنه در نامه اعمال او نویسد و بعدد همه انها کناه از او محو کرده درجه

ابرا

از برای او بلند میفرماید و چون مؤمنان بجماعت کذا ربنا کذا
را با جماعت بخوانند و یا بنا نمودند محل اجتماع مؤمنان قند و یا
جماعت نمایند داخل زمره متحابین فی طاعة الله کردید و متحابین
فی الله را هم ذکری باید از حضرت ختمی مآب مرویست بروایت جناب امام رضا
که اهل جنت خدا را در هر جمعه زیارت کنند و المتحابین فی الله خاصه
زیارت کنند در هر روز پنجاه دو مرتبه و از برای هر دو برادر که لله فی الله
باهم برادری نمایند لباس و هیئتی است شبیه هیئت منقش و انها با این
هیئت و اوضاع شخص شناخته میشوند تا آنکه داخل دار و خانه حق عز و جل
شوند پس خدای تعالی میفرماید مرحبا بحبیبی و خلیلی و زوّاری و
المتحابین فیّ فی محلّ کرامتی و اطعموهم و اسقوهم و اکسوهم پس
از حلّه های بهشتی هر یک از انها هفتاد و زیادتر تا هفتصد هزار حلّه
با تفاوت شان و رتبه انها میپوشند که هیچیک از حلّه ها شبیه بدیگری نباشد
بعد خدا میفرماید مرحبا بحبیبی و زوّاری و جیرانی فی محلّ کرامتی و
المتحابین فیّ و اطعموهم و عطّروهم پس بهشت نشر و کسترده میشود
ابری که با عطر انها را معطّر میکنند که شبیه مانند آن را پیش از آن ندیده
باشند و خداوند با نهاده بار مرحبا میفرماید تا آنکه قبّها از [illegible]
طلا و نقره نزد انها مائده از طلا و نقره میکذارند و متحابین فی الله

درود

باب چهارم

نستفور مینابر منبرهای نوری نشیند و نور روی ایشان و نور منابر
ایشان اهل محشر را منور و روشن می‌نماید شناسند که اینها متحابین
فی الله **باب چهارم** در ثواب نماز جماعت بدانکه نماز فریضه
با این همه ثواب که مذکور شد لا بد امکان مشروع افتاد بالجماعت تضاعف
رسانندم و من حسب العدد و ثواب بحدی بالغ گردید که بغیر حق جل و علا
احاطه بر تعداد و حد ثواب آن نداشته باشند در خبر است اگر فریضه
یوم را با جماعت خوانند همه مخصوص است بجناب خداوند احدیت
حضرت ختمی مآب با نبیاء سلف چنین همه عطا نفرموده است یک تکبیر
که مأموم ادراک کند در پشت سر امام جماعت درک نماید در نزد خدا بهتر است
از هفتاد حج و هزار عمره مستحبه یک سجده با امام جماعت بکند بهتر است
از عبادت یکساله و یک رکوع نماز جماعت بهتر است از آزاد کردن دویست
غلام در راه خدا یک رکعت با جماعت بهتر است از تصدق دادن مسکین
بقدر صد هزار اشرفی و هر سجده نخودی و از برای مأموم درو قبیله در بهشت
سوای اینها در مشغول نماز باشد صد هزار و بیست درجه عطا
فرمایند از حضرت رسول منقولست که هر که نماز صبح را با جماعت بگذارد
و بنشیند بتعقیب و مشغول ذکر الهی شود تا آفتاب طلوع نماید حق
تعالی در جنة الفردوس هفتاد درجه با او کرامت فرماید و از هر درجه تا درجه

دیگر

دیگر هفتاد ساله راه باشد در بهشت بدو و هر که نماز ظهر را با جماعت
بگذارد حق جل و علی پنجاه درجه در جنة عدن با و عطا فرماید که ما بین
درجه‌ها پنجاه ساله راه باشد در بهشت بدو و هر که نماز عصر را
با جماعت کند چنان باشد که هشت نفر از فرزندان جناب اسماعیل را
آزاد نماید و از بندگی ایشان از برهاند کسی که نماز شام را با جماعت
بگذارد ثواب یک حج مبرور و یک عمره مقبول از برای او نوشته شود و هر که
نماز خفتن را با جماعت بگذارد در نزد خدا ثواب عبادت شب قدر را با و عطا نماید
و هم در خبر است که حضرت امام جعفر صادق فرموده است هر که نماز صبح و خفتن را
با جماعت بخواند در امان خدا باشد هر که بر او ظلم کند چنانست که بر خدا
ظلم کرده و هر که پیمان او را بشکند پیمان خدا را شکسته است و نیز در خبر است
کسیکه نمازهای پنجگانه خود را با جماعت بخواند گمان نیک در حق او
با ثبت کرده و شهادتش مقبولست بدانکه بحکم اخبار یک رکعت از نماز
جماعت برابر است با بیست و چهار رکعت چنان رکعتی که در نزد خدا از
عبادت چهل ساله محبوب‌تر است و نماز جماعت فضیلتش از نماز فرادا
مسجد کوفه و حال آنکه در آنجا هر یک رکعت نماز بهزار محسوب است فعلی
هذا البیان نماز جماعت افضل از هزار نماز است در خبر دیگر است
که نماز جماعت به دو هزار نماز محسوب است و نیز در خبر است اگر در پشت سر عالم

ثواب نماز جماعت

یکنماز با هزار نماز برابر باشد و فعلی ذلک اجر نماز بعضا بهم رسانند
تا به هزار نماز بالغ خواهد شد و اگر نماز جماعت در مسجد جامع منعقد
شود صد و بیست هزار و ثوابش مضاعف گردد و هر عدد محسوب بسیصد هزار
بالغ شود اینهمه با اتحاد مأموم است و اگر مأموم تعدد بهم رساند
با بعضا هر نفری بجماعت ده درجه بالا رود و زیاد بهم رساند
پس موافق قرار مذکوره اگر در مسجد جامع در شهر عالم جماعت منعقد
شده نماز یک نماز به یک نماز شش ماه بنابر شماره نماز محسوب خواهد شد
و نماز سه نفر مأموم بطویکه مذکور شد شصت کرور و چهار نفر سیصد
کرور و پنج نفر شش هزار کرور و شش نفر مأموم شصت هزار کرور
و هفت نفر مأموم بطریق مسطور شش صد هزار کرور بالغ خواهد
شد و باین قاعده در تضاعف باشد تا آنکه عدد مأمومین به ده نفر برسد چون
از ده نفر گذشت اگر همه آسمانها کاغذ گردد و دریاها مداد و درختان قلم باشند
وانس با ملائکه بجمیعهم کاتب باشند از نوشتن ثواب یک رکعت آن نماز
عاجز گردند و در حدیث وارد آمده که هر که با پای خود بسوی مسجد از برای
نماز جماعت رود ثوابش هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه در نامه عملش
مرقوم فرمایند و هفتاد هزار درجه از برایش بلند کنند و اگر در آن
عمل باشد تا به هم رسیدن هفتاد هزار ملک برای او موکل فرماید که در قبر

مبحث دویم

که او را عیادت کنند و در تنهائی قبر مونس او باشند و از برایش
استغفار نمایند تا وقتیکه از قبر خود مبعوث گردد و از حضرت
امیر المؤمنین مرویست که کسیکه انتظار کشد نماز ثانی را بعد از فصل
نماز اول او از جمله زایران خدا است و بر خدا لازم است که زایر خود را گرامی
بدارد و هر آنچه او طلبد برایش عطا فرماید و نیز در خبر است نماز جماعت
خواندن و انتظار نماز دیگر بردن سبب حسنات و رفع درجات و کفاره گناهان
است و ملائکه در حق او چنین دعا کنند که خداوندا او را بیامرز خداوندا
بر او رحم کن و بر او رحمت فرما مبحث دویم در بیان تفصیل
نا شیء از محبت ارمنه و اوقاتست بدانکه خداوند ملک منان احد صمد
بتفضل و احسان در عرض سال ایام متبرکه و اوقات شریفه را بجهت طالبان خوانده
و قرب بشر حضرت ختمی مآب و آل طاهرین انجبنا صلوات الله علیهم اجمعین
بشرافت و عزت معروف ساخته است تا بواسطه رسیدن آن اوقات
گناهان ایشان تماما مغفور و اعمال ایشان مضاعف گردیده و ثواب
عظیم کرده و اینهمه تفضل و هر نوع کرامت را باین امت مرحومه
مخصوص گردانیده است اما ماه رجب پس بطریق معتبر وارد از حضرت امام جعفر
صادق است که فرموده است حضرت حق تعالی فضیلت ماه رجب را باین امت داده کرامت
از امتهای ماضیه زیاده است ماه رجب ماه شعبان و ماه رمضان نیز باین امت

زاده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم

و شب پانزدهم و سورهایی بامت داده که نظیر آنها را بامم سابقه نداده است

سوره یس و سوره تبارک الذی و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند

میان اینها و فضیلت را جمیع فضایل این امت را جمع کرده خواهد بود

پرسیده اند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از اینها

در دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از سوره حمد این سوره ها بخواند

و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد به دو سلام و در هر رکعت بعد

حمد این سوره ها بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد به سه سلام

و در هر رکعت بعد از حمد این سوره ها بخواند تا جمیع فضیلت اینها را

بیابد و جمیع گناهان امرزیده شود بغیر از شرک از سید ابن طاوس قدس سره روایت است

که نظیر این ماهها و شبهای مذکوره از برای امم گذشته

و مر امامت را از خصایص فضیلت او است و امر و بر این امت عرض و البته که خدای

رحیم بجهة خاطر خواهی این امت شرافت مخصوص بان ایام و لیالی مذکوره

عطا فرموده از زمره او وسیله بجا و حصول رتبه این امت قرار داده

و کرامتهای مخصوص خود را بواسطه رسیدن آن اوقات در باره فاطمه مؤمنین

فایز و نایل میگرداند بتفضلات مرتبه بر مجبوده در این لیالی و ایام عزیزه

تنها ادعیه بدست

اشاره ای در جلد دویم در ضمن چند مقصد از استقصی تر جمله ای

لا اله الا الله قبل كل احد لا اله الا الله بعد كل احد لا اله الا الله يبقى ربنا و يفنى كل احد

الحمد لله الذي يفعل

فقرات مشتمله بر صلوات و اذکار دیگر در ادعیه

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله و ملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا

صلوا عليه و سلموا تسليما لبيك يا رب و سبحانك اللهم

صل على محمد عبدك و رسولك و امينك و صفيك و حبيبك

و خيرتك من خلقك و حافظ سرك و مبلغ رسالاتك افضل

و احسن و اجمل و اكمل و ازكى و انمى و اطيب و اطهر و اسنى

و اكثر ما صليت و باركت و ترحمت و تحننت و سلمت على

احد من عبادك و انبيائك و رسلك و صفوتك و اهل

الكرامة عليك من خلقك اللهم اعط محمدا من البهاء و

السرور و النضرة و الكرامة و الغبطة و الوسيلة و المنزلة

و المقام و الشرف و الرفعة و الشفاعة عندك يوم القيمة

افضل ما تعطي احدا من خلقك و اعط محمدا فوق ما تعطي

الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم اجعل

جوامع صلواتك و نوامي بركاتك و فواضل خيراتك و شرائف

تحياتك و تسليماتك و كراماتك و رحماتك و صلوات

ما يشاء و لا يفعل ما يشاء احد غيره الحمد لله كما يحب الله ان يحمد الحمد لله كما هو اهله اللهم ادخلني في كل خير ادخلت فيه محمدا و آل محمد و اخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد و صلى الله على محمد و آل محمد

سبحان الله حين تمسون و حين تصبحون و له الحمد في السموات و الارض و عشيا و حين تظهرون

ملائكتك

ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وائمتك المنتجبين
وعبادك الصالحين واهل السموات والارضين ومن سبّح
لك يا رب العالمين من الاولين والآخرين على محمد عبدك
ورسولك وشاهدك ونبيك ونذيرك وامينك ومكينك
ونجيك ونجيبك وحبيبك وخليلك وصفيك وصفوتك
وخاصتك وخالصتك ورحمتك وخير خيرتك من خلقك
نبي الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ العباد
من الهلكة باذنك وداعيهم الى دينك القيم بامرك اول
النبيين ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة
والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة واودعته
الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الى الارحام المطهرة لطفا
منك له وتحننا منك عليه اللهم صل عليه وعلى اهل
بيته صلوة ترضيها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة وسلاما
يا مولاي يا رسول الله انا اصلي عليك كما صلى الله عليك
وصلى الله عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة
وافرة متواصلة لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل لها صلى الله عليك
وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين ما طلعت شمس ونهار

ونور

وا اورقت الاشجار وكما انتم اهله اللهم صل على محمد وآل محمد
بافضل صلواتك وبارك عليهم بافضل بركاتك ما طلعت
شمس واضاء قمر وصل عليهم صلوة لا غاية لعددها ولا
نهاية لمددها ولا نفاد لامدها اللهم صل على محمد عبدك
ورسولك وآل محمد صلوة عالية على الصلوات مشرفة فوق
التحيات صلوة لا ينتهي امدها ولا ينقطع عددها كاتم
ما مضى من صلواتك على احد من اوليائك اللهم صل على
محمد وآل محمد كما انت اهله صلوة دائمة لا تحصى ولا تعد
ولا يقدر قدرها غيرك اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا
وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كافضل واعظم واتم وادوم
واكثر واوفر ما صليت وباركت وترحمت على اصفيائك
ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد صلوة تبلغنا بها رضوانك
وجنتك وتنجو بها من سخطك والنار اللهم صل على البشير
النذير السراج المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته
رحمة للعالمين عدد من صلى عليه وعدد من لم يصل وصل عليه
على محمد وآل محمد قبل كل شيء ومع كل شيء صلوة لا يقوى على
احصائها الا انت عدد كل شيء وبعدد ما احصى كتابك

واحاط

واحاط به علمك على محمد وآله السلام كلما طرفت عين او برقت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام على محمد وآله السلام كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد وآله في الاولين والآخرين السلام على محمد وآله في الدنيا والآخرة اللهم صل وسلم وبارك اولاً وآخراً على محمد وآل محمد وارحم محمداً وآل محمد باكمل وافضل ما صليت وسلمت وباركت وترحمت على انبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك وصل على محمد وآله عدد هذا كله واضعافه وامثاله وبعدد ما عندك من العدد في كل لحظة من الازل الى الابد واغفر لي كل ذنب اذنبته في ظلم الليل وضوء النهار عمداً او خطاً سراً او علانية انك على كل شيء قدير ايضاً تضرع

صلوات اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الاولون والآخرون اللهم صل على محمد وآل محمد كما هديتنا به صلوة تبلغه بها افضل ما يأمل من خيرك وفضلك وكرامتك انك ذو رحمة واسعة وفضل كريم اللهم اجزه بما بلغ من رسالاتك وادى من آياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك افضل ما جزيت احداً من ملائكتك

تضرع ايضاً صلوات

المقربين وانبيائك المرسلين المصطفين اللهم صل عليه وآله افضل واكمل واشرف واعظم واطيب واتم واعم وازكى واوفى واكبر واكثر ما صليت على نبي من انبيائك ورسول من رسلك وبجميع ما صليت على جميع انبيائك ورسلك وعبادك الصالحين وصل اللهم على محمد وآله في كل وقت وكل اوان وعلى كل حال عدد ما صليت على من صليت عليه واضعاف ذلك كله بالاضعاف التي لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد نبينا وآله كما صليت على ملائكتك المقربين وصل عليه وآله كما صليت على انبيائك المرسلين وصل عليه وآله كما صليت على عبادك الصالحين وافضل من ذلك يا رب العالمين صلوة تبلغنا بركتها وينالنا نفعها ويستجاب لها دعاؤنا رب صل على محمد وآل محمد المنتجب المصطفى المكرم المقرب بافضل صلواتك وبارك عليه اتم بركاتك وترحم عليه امتع رحماتك رب صل على محمد وآله صلوة زاكية لا تكون صلوة ازكى منها وصل عليه صلوة نامية لا تكون صلوة انمى منها وصل عليه صلوة

اضعافه لا تكون صلوة فوقها رب صل على محمد وآل محمد صلوة
ترضيه وتزيد على رضاه وصل عليه صلوة ترضيك وتزيد
على رضاك له وصل عليه صلوة لا ترضى له الا بها ولا ترى
غيره لها اهلا رب صل على محمد وآله صلوة تجاوز رضوانك
ويتصل اتصالها ببقائك ولا ينفد كما لا تنفد كلماتك
رب صل على محمد وآله صلوة تنتظم صلوات ملائكتك
وانبيائك ورسلك واهل طاعتك وتشتمل على صلوات
عبادك من جنك وانسك واهل اجابتك وتجتمع على
صلوة كل من ذرأت وبرأت من اصناف خلقك رب صل
عليه وآله صلوة تحيط بكل صلوة سالفة ومستأنفة
وصل عليه وعلى آله صلوة مرضية لك ولمن دونك
وتنشئ مع ذلك صلوات تضاعف معها تلك الصلوات
عندها وتزيدها على كرور الايام زيادة في تضاعيف لا
يحصيها ولا يعدها غيرك رب صل على اطائب اهل بيته
الذين اخترتهم لامرك وجعلتهم خزنة علمك وحفظة
دينك وخلفائك في ارضك وحججك على عبادك وطهرتهم
من الرجس والدنس تطهيرا بارادتك وجعلتهم الوسيلة

اللهم صل على محمد وعلى اهل بيته الائمة
الهادين العلماء
الصادقين الابرار
المتقين دعائم
دينك واركان
توحيدك وتراجمة
وحيك وحججك
على خلقك وخلفائك
في ارضك الذين
اخترتهم

اليك والمسلك الى جنتك من يومنا هذا الى يوم الدين رب
صل على محمد وآله صلوة تجزل لهم بها من نحلك وكرامتك
وتكمل لهم الاشياء من عطاياك ونوافلك وتوفر عليهم
الحظ من عوائدك وفوائدك رب صل عليه وعليهم صلوة
لا امد في اولها ولا غاية لامدها ولا نهاية لآخرها رب صل
عليهم زنة عرشك وما دونه وملء سمواتك وما فوقهن و
عدد ارضيك وما تحتهن وما بينهن صلوة تقربهم منك
زلفى وتكون لك ولهم رضى ومتصلة بنظائرهن ابدا اللهم
صل على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية
شريفة تكون لهم رضى ولحق محمد وآل محمد اداء وقضاء بحول
منك وقوة يا رب العالمين رب صل على محمد وآله اذا ذكر
الابرار وصل على محمد وآله ما اختلف الليل والنهار صلوة
لا ينقطع مددها ولا يحصى عددها صلوة تشحن الهواء
وتملأ الارض والسماء صلى الله عليه حتى يرضى وصلى الله
عليه وآله بعد الرضا صلوة لا حد لها ولا منتهى يا ارحم
الراحمين والسلام عليه وعليهم ابدا الابدين صلوات
مضاعفة جامعة اللهم صل على الاوصياء

والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الابدال
والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد واهل
الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك
واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده منى تحية وسلاما
وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل
الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين
صلوات کبری که در حلیه ثلاثه ابو حمزه در ضمن اعمال روز جمعه مسطور
است چون مشتمل بر مضامین عفیفه میباشد لهذا مؤمنان روز جمعه بطیب فؤاد
بر قرائت آن نمایند که حاوی فیض عظیم و ثواب جمیل است و بر صاحبان
عقل و فهم و کمال از تفکر و تدبر در مضامین عالیه آن زیادتی
محبت و اخلاص بحضرت خاتم الانبیاء حاصل و فرط رافت بهم رسانند
و علو شأن و قدر آنجناب ظاهر و فضل و ثواب و حسن صلوات معلوم
میگردد و دلیل اول بر صلوات جمیله بر فضل و کرامت ایزد متعال
درباره حضرت اشرف کائنات صریح گفته که خدای عز و جل العزیز صلوات
بحضرت اکمل موجودات نفرموده مگر بعد از آنکه خود با ملائکه بر آنجناب
صلوات فرستاده است و بر صدق این قضیه استشهاد بآیه شریفه رفته که خدا
در محکم کتاب خود فرموده ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها

الذین

الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما و نیز بر فضایل جلیله
تنبیه فرموده است که مأمور ساختن خلق بر انشاء صلوات و تحیات و تمجیدات
نه بدین لحاظ است که حضرت فخر کائنات بعد از صلوات و تزکیه و تمجیدات
حضرت قدس سبحانی بر صلوات و تزکیه احدی از مخلوقات هم محتاج است
بلکه صلوات ما محتاج نه بر صلوات فرستادن بر آن نور اول و ذریه اکرم خدا
اکبر آن حضرت را باعث وجود نموده هر که رو بخدا آورد تا از آن باب وارد نشد
توجه و اقبال آن شایسته و غیر مرضی خواهد شد و از جانب رب جلیل
مقرر است که صلوات موجب قرب و زلفی و وسیله در نزد خدا بوده و
مؤمنان را بدین کرامت مخصوص گردانیده و مأمور شدند و هدایت یافته اند
که کلمات صلوات گفتند و از یمن آن عزت و شرافت و قرب منزلت نصیب خود ساختند
در درگاه احدیت سرافراز گردیده اند و علی اعلی ملائکه خود را بر مصلیان
موکل نموده که هم بر ایشان صلوات گفته و هم صلوات و سلام ایشان را بر
خلاصه موجودات برسانند و حضرت ایزد متعال امر فرموده محمد را
عظیم و حقش را واجب کرد ابتدا و از یمن صلوات در فردوس
و مکان قدس مرافقت آنجناب بر مؤمنان نتیجه حاصل آید که مفارقت
مؤمنان نخواهد کرد و مدایح کثیره اذبر اجامع اوصاف حمیده در آن
دعا مذکور آمده و ذکر بعضی اشرف مطالب قد الله عالی

فرحا جليله

جليله وجميله است از دوستان اوقات خوانند شب بعضد مطلوب ذكر و دعوه علم
فيض عظيم است و هكذا خواندن دعا اول صحيفه سجاديه كه فقرات جامعه
مر تضاعيف در منتبه لفواد مشروح افتاد ثواب بيحد بي پايان
دارد فلا تغفل **تضاعيف الشهادة** اللهم
اني اشهدك وكفى بك شهيدا اني اشهد انك انت ربي
وان رسولك محمدا صلى الله عليه وآله نبيي والاوصياء
من بعده ائمتي وان الدين الذي شرعت ديني وان الكتاب
الذي انزلت على محمد رسولك صلى الله عليه وآله وسلم
نوري شهادة افنى بها عمري والقى بها ربي وادخل بها قبري
واخلو بها في وحدتي اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شريك له شهادة ارجو ان يطلق الله بها لساني عند خروج
نفسي حتى تتوفاني وقد ختم بخير عملي

تضاعيف الحمد

اللهم لك الحمد كما حمدت به نفسك ولك الحمد كما يجب
ان تحمد وتعبد وتشكر ولك الحمد حمدا يزيد على حمد
جميع خلقك ولك الحمد حمدا دائما ابدا ولك الحمد حمدا
لا ينفد اوله ولا ينقطع آخره ولا يقصر دون عرشك

منتهاه ولك الحمد حمدا لا يحجب عنك ولا يتناهى دونك
ولا يقصر عن افضل رضاك ولك الحمد حمدا يوافي نعمك
ويكافي مزيد كرمك ولك الحمد حمدا لا ينبغي الا لك ولك
الحمد حمدا انال به رضاك واودي به شكرك واستوجب
به المزيد من فضلك اللهم لك الحمد حمدا مزيدا ولا يبيد
ولك الحمد حمدا يتصاعد ولا ينفد ولك الحمد حمدا يبقى ولا
يفنى ولك الحمد كما انت اهله ووليه وكما ينبغي لوجهك
الكريم اللهم لك الحمد حمدا يبلغ اوله شكرك وآخره
رضوانك ولك الحمد رضا نفسك ولك الحمد دائما سرمدا
لا ينقضي ابدا ولا يحصيه الخلائق عددا ولك الحمد كما
حمدت به نفسك في ام الكتاب وفي التورية والانجيل
والفرقان العظيم ولك الحمد ما وجد في حمدك مذهب
وما بقي للحمد لفظ تحمد به ومعنى ينصرف اليه ولك الحمد كالذي
تقول وخيرا مما نقول وفوق ما يقول القائلون ولك الحمد
حمدا يدوم بدوام ملكك ولك الحمد حمدا خالدا بنعمتك ولك
الحمد حمدا يوازي صنعك ولك الحمد حمدا يزيد على رضاك
ولك الحمد حمدا مع حمد كل حامد وشكرا يقصر عنه شكر

كُلِّ شَاكِرٍ حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَلَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ حَمْدًا
يُسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ حَمْدًا يَتَضَاعَفُ
عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ وَيَتَزَايَدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً حَمْدًا يَعْجِزُ عَنْ
إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكَتَبَةُ
حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ حَمْدًا
يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ وَيَسْتَغْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَاؤُهُ حَمْدًا ظَاهِرُهُ
وَفْقٌ لِبَاطِنِهِ وَبَاطِنُهُ وَفْقٌ لِصِدْقِ النِّيَّةِ فِيهِ حَمْدًا لَمْ يَحْمَدْكَ
خَلْقٌ مِثْلَهُ وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ حَمْدًا يُعَانُ مَنِ
اجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ وَيُؤَيَّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَتِهِ حَمْدًا
يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ حَمْدًا
لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ حَمْدًا
يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ وَتَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا
مِنْكَ حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ رَبِّ لَا أُحْصِي ثَنَائِي
عَلَيْكَ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ اللَّهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ
الْبَلَاءِ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النَّعْمَاءِ حَمْدًا يُخَلِّفُ
حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ حَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ رَبِّ يَحْمَدُكَ
نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ حَمْدًا

أي الحديث من النعم والمستقبل منها

أي بالغ في الأمر وانتهى فيه منه

معنى الحمد ههنا كناية عن الكثرة وادا حملنا التعيين المعونة على من بذل وسعه وطاقته وتحمل المشقة في تعديده وتكثيره منه

أي لك أحمد أحمدًا لا يكون أحمد أحمد ممن يحمدك بذلك الحمد منه

يعني أفعل التفضيل من الحمد وهو أما فاعل أي لا أكثر حمدًا منه تعالى أو مبني مفعول والمعنى لا أكثر منه في الناس محمودية وكلا المعنيين فرأسمه أحمد غيران المعنى الأول أنسب بالمقام منه

يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي

دُعَاءٌ جَمِيلٌ

اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْ رِضْوَانِكَ وَيُبَعِّدُنِي
مِنْ سَخَطِكَ فَصَيِّرْنِي لَهُ وَاحْمِلْنِي عَلَيْهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دُعَاءٌ جَامِعٌ مُشْتَمِلٌ بِطَلَبِ عَفْوٍ وَاسْتِغْفَارٍ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا وَيَقِينًا صَادِقًا
وَإِيمَانًا خَالِصًا وَجَسَدًا مُتَوَاضِعًا وَارْزُقْنِي مِنْكَ حُبًّا
وَأَدْخِلْ قَلْبِي مِنْكَ رُعْبًا وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ
عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

دُعَاءٌ جَامِعٌ بِطَلَبِ عَفْوٍ وَاسْتِغْفَارٍ وَحَمْدٍ كَثِيرٍ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ جَرَى بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ لَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا يَكُونُ أَحَقَّ الْحَمْدِ بِكَ وَأَرْضَى الْحَمْدِ لَكَ وَأَوْجَبَ
الْحَمْدِ لَكَ وَأَحَبَّ الْحَمْدِ إِلَيْكَ وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ
وَكَمَا رَضِيتَ لِنَفْسِكَ وَكَمَا حَمِدَكَ مَنْ رَضِيتَ حَمْدَهُ
مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا حَمِدَكَ بِهِ جَمِيعُ أَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَجَمِيعُ مَلَائِكَتِكَ وَكَمَا يَنْبَغِي لِعِزِّكَ وَكِبْرِيَائِكَ
وَعَظَمَتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَكِلُّ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ وَلَفْظِ
الْقَوْلِ عَنْ مُنْتَهَاهُ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا يَقْصُرُ عَنْ رِضَاكَ

ولا يفضله شيء من محامدك اللهم لك الحمد في السراء والضراء
والشدة والرخاء والعافية والبلاء والسنين والدهور
ولك الحمد على آلائك ونعمائك علي وعندي وعلى ما اوليتني
وابليتني وعافيتني ورزقتني واعطيتني منه وفضلتني و
شرفتني وكرمتني وهديتني لدينك حمدا لا يبلغه وصف
واصف ولا يدركه قول قائل الخ وعلى الى آخر عمري بجميع ذنوبي
لاولها واخرها عمدها وخطائها قليلها وكثيرها دقيقها
وجليلها قديمها وحديثها سرها وعلانيتها وجميع ما انا
مذنب واتوب اليك واستغفرك لما تبت اليك منه ثم
عدت فيه واستغفرك لما اردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس
لك واسألك ان تغفر لي جميع ما احصيت من مظالم العباد
قبلي فان لعبادك علي حقوقا وانا مرتهن بها تغفرها لي كيف
شئت واني شئت يا ارحم الراحمين

عنفل نصاب كيف لتسبيحات اربعه

الحمد لله بما حمد الله به نفسه والحمد لله بما حمد الله به
عرشه وكرسيه ومن تحته والحمد لله بما حمد الله به خلقه
والحمد لله بما حمد الله به ملائكته والحمد لله بما حمد الله

سمواته وارضه ورعده وبرقه ومطره وكل شيء احاط به علمه
والحمد لله بما حمد الله به بحاره وما فيها والحمد لله حمدا لا
يكون بعده في علمه حمد وسبحان الله تسبيحا لا يكون بعده
في علمه تسبيح ولا اله الا الله تهليلا لا يكون بعده في علمه
تهليل والله اكبر تكبيرا لا يكون بعده في علمه تكبير وسبحان
الله تسبيحا لا يحصيه غيره قبل كل احد ومع كل احد وبعد
كل احد والحمد لله تحميدا لا يحصيه غيره قبل كل احد ومع
كل احد وبعد كل احد ولا اله الا الله تهليلا لا يحصيه
غيره قبل كل احد ومع كل احد وبعد كل احد والله اكبر
تكبيرا لا يحصيه غيره قبل كل احد ومع كل احد وبعد كل
احد وسبحان الله تسبيحا لا يحصى بعدد ولا يفنى ولا يحسب
ولا اله الا الله تهليلا لا يحصى بعدد ولا يفنى ولا
يحسب والله اكبر تكبيرا لا يحصى بعدد ولا يفنى ولا يحسب
سبحان الله تسبيحا من اول الدهر الى اخره والحمد لله حمدا
من اول الدهر الى اخره ولا اله الا الله تهليلا من اول الدهر
الى اخره والله اكبر تكبيرا من اول الدهر الى اخره سبحان الله
تسبيحا كما هو اهله ومستحقه والحمد لله حمدا كما هو اهله

ومستحقه ولا اله الا الله تهليلا كما هو اهله ومستحقه
والله اكبر تكبيرا كما هو اهله ومستحقه سبحان الله
بما سبحه به الاخرة والدنيا وما فيهما سبحان الله بما
سبحه به سمواته وارضه ومن فيهن سبحان الله بما
سبحه به عرشه ومن تحته والحمد لله بما حمده به الاخرة
والدنيا وما فيهما والحمد لله بما حمده به سمواته وارضه
ومن فيهن والحمد لله بما حمده به عرشه ومن تحته ولا اله
الا الله بما هلله به الاخرة والدنيا وما فيهما ولا اله الا
الله بما هلله به سمواته وارضه ومن فيهن ولا اله الا
الله بما هلله به عرشه ومن تحته والله اكبر بما كبره
به الاخرة والدنيا وما فيهما والله اكبر بما كبره به سمواته
وارضه ومن فيهن والله اكبر بما كبره به عرشه ومن تحته
سبحان الله ابدا لابد وقبل الابد وبعد الابد والحمد لله
ابدا لابد وقبل الابد وبعد الابد ولا اله الا الله ابد
الابد وقبل الابد وبعد الابد والله اكبر ابدا لابد
وقبل الابد وبعد الابد سبحان الله والحمد لله ولا اله
الا الله والله اكبر منتهى علمه ومبلغ رضاه وما لانفاد له

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر في علمه منتهى
رضاه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
بعد علمه منتهى رضاه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر مع علمه منتهى رضاه سبحان الله وبحمده حمدا
يبقى بعد الفناء ويمحى في كفة الميزان للجزاء تسبيحا كما
ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله وعظيم ثوابه

رضاعف الكم للحمد

الحمد لله ملاء السموات والارضين وما يشاء بعد ذلك
حتى يرضى الحمد لله مبلغ رضاه وزنة عرشه وما لا يعدله
الحمد لله قبل كل شيء وعدد كل شيء اللهم لك الحمد بجميع
محامدك كلها على ما علمنا منها وما لم نعلم حتى ينتهي
الحمد لك الى ما تحب ربنا وترضى ولك الحمد حمدا كثيرا طيبا
ولك الحمد عدد الشعر والوبر ولك الحمد عدد الورق والشجر
ولك الحمد عدد الحصى والمدر ولك الحمد عدد رمل عالج
ولك الحمد عدد ايام الدنيا والاخرة ولك الحمد عدد نجوم
السماء ولك الحمد عدد قطر المطر ولك الحمد عدد قطر البحر
ولك الحمد عدد كل شيء خلقت وعدد ما اردت وعدد ما

ما ذرأت ولك الحمد عدد ما برأت ولك الحمد عدد ما أحصيت
ولك الحمد عدد ما في السموات والارضين ولك الحمد ملأ
الدنيا والآخرة ولك الحمد ملأ عرشك ولك الحمد عدد
كلماتك ولك الحمد عدد ما احاط به علمك ولك الحمد عدد
مغفرتك ولك الحمد عدد عفوك وسترك ولك الحمد عدد
تفضلك ونعمك ولك الحمد عدد ما ابليت واوليت و
افقرت واغنيت واخذت واعطيت وامت واحييت
الحمد لله عدد ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه وملء ما
احصى علمه واضعاف ما احصى علمه الحمد لله عدد الحصى و
النوى والتراب والجن والانس الحمد لله عدد آياته واسمائه
وملء جنته وناره الحمد لله عدد الشفع والوتر وعدد كلماته
ربي الطيبات التامات المباركات الحمد لله عدد رضاه
وعدد خلقه وعدد كلماته وزنة عرشه وملء سمواته
وارضه الحمد لله عدد كل شيء اضعافا مضاعفة ابدا سرمدا
كما ينبغي لعظمته ومنته الحمد لله عدد هذا كله واضعافه
وامثاله وذلك لله قليل والله اكبر عدد هذا كله واضعافه
وامثاله وذلك لله قليل ولا حول ولا قوة الا بالله عدد هذا

كله

كله واضعافه وامثاله وذلك لله قليل وصلى الله على محمد
وآل محمد عدد هذا كله واستغفر الله الذي لا اله الا هو
الحي القيوم عدد هذا كله واتوب اليه من كل خطيئة
ارتكبتها ومن كل ذنب عملته ولكل فاحشة سبقت مني
عدد هذا كله ومنتهى علمه ورضاه

في الكافي تقول بعد الفجر خاصة

اللهم لك الحمد حمدا خالدا مع خلودك ولك الحمد حمدا لا
منتهى له دون رضاك ولك الحمد حمدا لا امد له دون
مشيتك ولك الحمد حمدا لا جزاء لقائله الا رضاك اللهم
لك الحمد واليك المشتكى وانت المستعان اللهم لك الحمد
كما انت اهله الحمد لله بمحامده كلها على نعمه كلها حتى
ينتهي الحمد الى حيث ما يحب ربي ويرضى وتقول بعد
الفجر قبل ان تتكلم الحمد لله ملء الميزان ومنتهى
الرضا وزنة العرش وسبحان الله ملء الميزان ومنتهى
الرضا وزنة العرش والله اكبر ملء الميزان ومنتهى الرضا
وزنة العرش ولا اله الا الله ملء الميزان وزنة العرش ومنتهى الرضا
تعيد ذلك اربع مرات ثم تقول اسألك مسألة العبد الذليل

ان

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقْضِيَ
لَنَا حَوَائِجَنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ

در تعقیب نماز صبح نصف گفته میشود

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ وَصَلِّ عَلَىٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي
الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ
وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا اطَّرَدَ الْخَافِقَانِ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ
مَا حَدَا الْحَادِيَانِ وَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مَا عَسْعَسَ لَيْلٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَمَا ادْلَهَمَّ ظَلَامٌ وَمَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَمَا أَضَاءَ فَجْرٌ اللّٰهُمَّ
اجْعَلْ يَا عَزِيزُ لِي عِزًّا فَلَا أَعِزُّ مِنْكَ فِي عِزِّكَ يَا أَعَزَّنِي بِعِزِّ
عِزِّكَ فِي عِزٍّ لَا يَعْلَمُهُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ
إِلَيْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ أَعْطِنِي مَا لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ
غَيْرُكَ وَاصْرِفْ عَنِّي مَا لَا يَصْرِفُهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ ابدعا علی ما
نقل من امیر المومنین ناقلاً عن الرسول انما الله الاسم الاکبر التیر
اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَىٰ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ابدعا
حضرت شمعا در مهلک چنین خواند جبرئیل عرض کرد که با ابدعا
دریا بر ان حضرت صبح شکافته شد و از فرعون نجات یافت بسم الله

الشَّافِي بِسْمِ اللّٰهِ الْكَافِي بِسْمِ اللّٰهِ الْمُعَافِي بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ
مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ابدعا از حضرت خضر منقول است بر بریان هر که خواند خود با صحاب
خود خورد نمود که ضرر را از سم انطاکیه نمی‌بیند وهکذا ابدعا از برای
دفع ضرر سم خوانند ندیم با این مسموم امیل فرمود بسم الله الذی
یسمیه به کل مومن وبه عز کل مومن وبعزه الذی اضاء
به السموات والارض وبقدرته التی خضع بها کل جبار عنید
وانتکس کل شیطان مرید من شر السم والسحر واللمم باسم
العلی الملک الفرد الذی لا اله الا هو ونزل من القرآن ما
هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
یا هو یا من لا هو الا هو لا اله الا هو در خبر است که حضرت خضر از برای
نصرت بر دشمنان این کلمات را در خواب بعرض حضرت امیر المومنین رسانید
و در صبح که خواب را بحضرت رسول معروض داشت فرمود یا علی علمت الاسم
الاعظم و در روز بدر مولای کل سوره قل هو الله احد را قرائت کرد
فرمود یا هو یا من لا هو الا هو اغفر لی وانصرنی علی القوم الکافرین
و در روز صفین این کلمات را گفته و چنین میفرمود بدان که آدم از حضرت
سبحان کلماتی تلقی و اخذ کرده و خدا را با آن کلمات خوانده و توابت

رحیم توبه آنجناب را قبول فرموده و از آنحضرت راضی گشت و نعمتهای
ممنوعه را باو باز داده و بمرتبه کرامت خود او را فایز گردانیده و
نصیبش را از رحمتهای خود وافر نمود و از تفسیر امام حسن عسکری
در تفسیر این کلمات چنین منقول است که حضرت آدم بعد از آنکه مامور
بتوسل محمد و آل محمد گردید عرض نمود اللهم بجاه محمد و علی و فاطمة
والحسن والحسین والطیبین من آلهم لما تفضلت بقبول
توبتی و غفران زلتی و اعادتی من کرامتک الی مرتبتی منقول است
از سماعه که گفت فرمود بمن ابو الحسن ع وقتیکه از برای تو ای سماعه
در نزد خدا حاجتی باشد پس بگو اللهم انی اسالک بحق محمد
و علی فان لهما عندک شانا من الشان و قدرا من القدر
فبحق ذلک الشان و بحق ذلک القدر ان تصلی علی محمد
وآل محمد وان تفعل بی کذا و کذا یعنی مطلب خود را بگو و آن
تفعل بی کذا کنایه از مطلب و حاجت مضمر است که صاحب حاجت
بایست بآن تصریح نماید علمای رضوان الله علیهم را در اسم اعظم
اقوالی است بعضی یا الله و بعضی یا حی یا قیوم که بعبرانی اهیا
شراهیا باشد و بعضی یا ذا الجلال و الاکرام و بعضی یا الهنا
واله کل شیء الها واحدا لا اله الا انت اختیار کرده و معین نموده

نموده اند و در سنت دیگر وارد آمده است که اسم اعظم در آخر سوره حشر
و در سنت دیگر در آیة الکرسی و اول آل عمران و آخر طه تعیین شده
است بعضی گفته اند که در حی القیوم است زیرا که این اسم در سه
سوره در دو موضع معین مذکور آمده از حضرت خیر البشر مروی
است که بسم الله الرحمن الرحیم اقرب است باسم اعظم از سیاهی چشم ب
سفیدیان

فی الکافی یقول بعد الفجر اللهم

لک الحمد حمدا خالدا مع خلودک و لک الحمد حمدا لا منتهی
له دون رضاک و لک الحمد حمدا لا امد له دون مشیتک
و لک الحمد حمدا لا جزاء لقائله الا رضاک اللهم لک
الحمد و الیک المشتکی و انت المستعان اللهم لک الحمد
کما انت اهله الحمد لله بمحامده کلها علی نعمه کلها
حتی ینتهی الحمد الی ما یحب ربی و یرضی و نیز گوید
بعد از طلوع صبح پیش از خوردن الحمد لله ملاء المیزان
و منتهی الرضا و زنة العرش و سبحان الله ملاء المیزان
و منتهی الرضا و زنة العرش و الله اکبر ملاء المیزان و
منتهی الرضا و زنة العرش و لا اله الا الله ملاء المیزان
و منتهی الرضا و زنة العرش این همه را چهار مرتبه اعاده کند

و بعد بگوید اَسألُکَ مسئلةَ العبدِ الذلیلِ اَن تُصلّی علی
محمّدٍ وآلِ محمّدٍ واَن تغفرَ لنا ذنوبَنا وتقضیَ لنا حوائجَنا
فی الدنیا والآخرةِ فی یُسرٍ منکَ وعافیةٍ   از حضرت ابی
الحسن مرویست که هر کس این استغفار را بر حضرت نبی صلوات
بفرستد گناهانش منهدم شده و خطاهایش محو گشته و شادیش
دایمی و دعایش مستجاب و آرزویش معطی و روزیش مبسوط گردد
و از شر دشمن خود و سبب انواع خیر از برایش مهیا گشته
درجات اعلی از رفقای خود گردد البته در وقت صبح سه مرتبه
و در وقت شام سه مرتبه میگوید اللّهمّ صلّ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ
فی الاوّلین وصلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ فی الملأ الأعلی وصلّ
علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ فی المرسلین اللّهمّ اعطِ محمّداً الوسیلةَ
والشرفَ والفضیلةَ والدرجةَ الکبیرةَ اللّهمّ انّی آمنتُ
بمحمّدٍ ولم اَرَه فلا تحرمنی یومَ القیٰمةِ رؤیتَه وارزقنی صحبتَه
وتوفّنی علی ملّتِه واسقِنی من حوضِه مشرباً رویّاً سائغاً
هنیئاً لا اَظمأُ بعدَه اَبداً انّکَ علی کلِّ شیءٍ قدیرٌ اللّهمّ
کما آمنتُ بمحمّدٍ ولم اَرَه فعرّفنی فی الجنانِ وجهَه اللّهمّ بلّغ
روحَ محمّدٍ عنّی تحیّةً کثیرةً وسلاماً و مستحبست که سه نوبت

وصلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ فی الآخرین

در صبح

منتهی

در صبح و سه دفعه در شام بخواند سبحانَ اللهِ ملاءَ المیزانِ و
منتهی العلمِ ومبلغَ الرضا وزنةَ العرشِ وسعةَ الکرسیِّ والحمدُ
للهِ ملاءَ المیزانِ ومنتهی العلمِ ومبلغَ الرضا وزنةَ العرشِ
وسعةَ الکرسیِّ ولا الهَ الّا اللهُ ملاءَ المیزانِ ومنتهی العلمِ
ومبلغَ الرضا وزنةَ العرشِ وسعةَ الکرسیِّ واللهُ اکبرُ
ملاءَ المیزانِ ومنتهی العلمِ ومبلغَ الرضا وزنةَ العرشِ
وسعةَ الکرسیِّ وصلّی اللهُ علی محمّدٍ وآلهِ الطاهرینَ   و یازده
بار بگو سبحانَ اللهِ والحمدُ للهِ ولا الهَ الّا اللهُ واللهُ اکبرُ
استغفرُ اللهَ واتوبُ الیه ماشاءَ اللهُ لاحولَ ولا قوّةَ الّا
باللهِ الحلیمِ الکریمِ العلیِّ العظیمِ الرحمنِ الرحیمِ الملکِ القدّوسِ
الحقِّ المبینِ عددَ خلقِه وزنةَ عرشِه وملاءَ سمواتِه وارضِه
وعددَ ما جری به قلمُه واحصاه کتابُه ومدادَ کلماتِه ورضا
نفسِه بعد بخوان اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ واهلِ بیتِه المبارکینَ
وصلّ علی جبرئیلَ ومیکائیلَ واسرافیلَ وحملةِ عرشِکَ
اجمعینَ والملائکةِ المقرّبینَ اللّهمّ صلّ علیهم جمیعاً
حتّی تبلغَهم الرضا وتزیدَهم بعدَ الرضا ممّا انتَ اهلُه
یا ارحمَ الراحمینَ اللّهمّ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وصلّ علی

مثل
وانبیائک المرسلین
تبلغهم

ملک

ملك الموت واعوانه وصل على رضوان وخزنة الجنان
اللهم صل عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا
مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على الكرام
الكاتبين والسفرة الكرام البررة والحفظة لبني آدم وصل
على ملائكة الهواء والسموات العلى وملائكة الارضين
السفلى وملائكة الليل والنهار والارض والاقطار و
البحار والانهار والبراري والفلوات والقفار والاشجار
وصل على ملائكتك الذين اغنيتهم عن الطعام والشراب
بتسبيحك وتقديسك وعبادتك اللهم صل عليهم حتى
تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما انت اهله يا
ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وصل على ابينا
آدم وامنا حواء ومن ولدا من النبيين والصديقين و
الشهداء والصالحين اللهم صل عليهم حتى تبلغهم
الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين
اللهم صل على محمد واهل بيته الطيبين وعلى اصحابه
المنتجبين وعلى ازواجه المطهرات وعلى ذرية محمد وعلى
كل نبي ولد محمدا وعلى كل امراة صالحة كفلت محمدا وعلى

كل

كل ملك هبط الى محمد وعلى كل من في صلواتك عليه رضا
لك ورضا لنبيك محمد صلى الله عليه وآله اللهم صل
عليهم حتى تبلغهم الرضا وتزيدهم بعد الرضا مما انت
اهله يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد
وبارك على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد كافضل ما
صليت وباركت وترحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد
مجيد اللهم صل على محمد وآل محمد واعط محمدا الوسيلة
والفضل والفضيلة والدرجة الرفيعة واعطه حتى يرضى
وزده بعد الرضا مما انت اهله يا ارحم الراحمين اللهم
صل على محمد وآل محمد كما امرتنا ان نصلي عليه
اللهم صل على محمد وآل محمد كما ينبغي لنا ان نصلي عليه
اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد من صلى عليه اللهم
صل على محمد وآل محمد بعدد من لم يصل عليه اللهم صل
على محمد وآل محمد بعدد كل حرف في صلوة صليت عليه
اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد كل شعرة ولفظة ولحظة و
نفس وصفة وسكون وحركة ممن صلى عليه وممن لم يصل
عليه وبعدد ساعاتهم ودقائقهم وسكونهم وحركاتهم

وحقائقهم

الوقت المضروب للفصل والموضع المعين له

وحقائقهم وسيماتهم وصفاتهم وأيامهم وشهورهم وسنيهم
وأشعارهم وأبشارهم وبعدد زنة ذر ما عملوا أو يعملون
أو بلغهم أو رأوا أو ظنوا أو فطنوا أو كان منهم أو يكون
إلى يوم القيمة وكأضعاف ذلك أضعافاً مضاعفة إلى يوم
القيمة يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد بعدد ما
خلقت وما أنت خالقه إلى يوم القيمة صلوة ترضيه اللهم
صل على محمد وآل محمد بعدد ما ذرأت وبرأت اللهم لك
الحمد والثناء والشكر والمن والفضل والطول والخير
والحسنى والنعمة والعظمة والجبروت والملك والملكوت
والقهر والسلطان والفخر والسودد والامتنان والكرم
والجلال والإكرام والجمال والكمال والخير والتوحيد و
التمجيد والتحميد والتكبير والتهليل والتقديس والرحمة
والمغفرة والكبرياء والعظمة ولك ما زكى وطاب وطهر
من الثناء الطيب والمديح الفاخر والقول الحسن الجميل
الذي ترضى به عن قائله وترضى به قائله وهو رضى لك حتى
يتصل حمدي بحمد أول الحامدين وثنائي بثناء أول المثنين
على رب العالمين متصلاً ذلك بذلك وتهليلي بتهليل أول

المطيب

المهللين

المهللين وتكبيري بتكبير أول المكبرين وقولي الحسن الجميل
بقول أول القائلين المجملين المثنين على رب العالمين متصلاً
ذلك بذلك من أول الدهر إلى آخره وبعدد زنة ذر السموات
والأرضين والرمال والتلال والجبال وبعدد جرع ماء
البحار وعدد قطر الأمطار وورق الأشجار وعدد النجوم
وعدد الثرى والحصى والنوى وعدد زنة ذر السموات والأرضين
وما فيهن وما بينهن وما تحتهن وما بين ذلك وما فوقهن
إلى يوم القيمة من لدن العرش إلى قرار أرضك السابعة السفلى
وبعدد حروف ألفاظ أهلهن وعدد أزمانهم ودقائقهم و
شعائرهم وساعاتهم وأيامهم وشهورهم وسنيهم وسكونهم
وحركاتهم وأشعارهم وأبشارهم وأنفاسهم وعدد زنة
ما عملوا أو يعملون أو بلغهم أو رأوا أو ظنوا أو فطنوا أو
كان منهم أو يكون ذلك إلى يوم القيمة وعدد زنة ذر ذلك
وأضعاف ذلك وكأضعاف ذلك أضعافاً مضاعفة لا يعلمها و
لا يحصيها غيرك يا ذا الجلال والإكرام وأهل ذلك أنت
مستحقه ومستوجبه مني ومن جميع خلقك يا بديع السموات
والأرض اللهم إنك لست برب استحدثناك ولا معك إله

نسخه بدل عرشك

أرماقهم

فيشركك

فيشركك ١٥

فيشركك في ربوبيتك ولا معك اله اعانك على خلقنا
انت ربنا كما تقول وفوق ما يقول القائلون اسالك ان
تصلي على محمد وآل محمد وان تعطي محمدا وآله افضل ما
سالك وافضل ما سئلت له وافضل ما انت مسئول له الى
يوم القيمة اعيذ اهل بيت نبيي محمد صلى الله عليه وآله وديني
ونفسي وذريتي ومالي وولدي واهلي وقرابتي وكل ذي رحم لي
دخل في الاسلام او يدخل الى يوم القيمة وحزانتي وخاصتي ومن
قلدني دعاء او اسدى الي يدا او رد عني غيبة او قال في خيرا
او اتخذت عنده يدا او صنيعة وجيراني واخواني من المؤمنين
والمؤمنات بالله وباسمائه التامة العامة الشاملة الكاملة
الطاهرة الفاضلة المباركة المتعالية الزاكية الشريفة
المنيعة الكريمة العظيمة المخزونة المكنونة التي لا يجاوزهن
بر ولا فاجر وبام الكتاب وخاتمته وما بينهما من سورة شريفة
وآية محكمة وشفاء ورحمة وعوذة وبركة وبالتورية والانجيل
والزبور والفرقان وصحف ابرهيم وموسى وبكل كتاب انزله
الله وبكل رسول ارسله الله وبكل حجة اقامها الله وبكل
برهان اظهره الله وبكل نور اناره الله وبكل آلاء الله وعظمته

نبيك

اعيذ

عبيد واستعيذ من شر كل ذي شر ومن شر ما اخاف واحذر
ومن شر ما ربي منه اكبر ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر
فسقة الجن والانس والشياطين والسلاطين وابليس وجنوده
واشياعه واتباعه ومن شر ما في النور والظلمة ومن شر
ما دهم او هجم او الم ومن شر كل غم وهم وآفة وندم ونازلة
وسقم ومن شر ما يحدث في الليل والنهار وتاتي به الاقدار و
من شر ما في الارضين والاقطار والفلوات والقفار والبحار
والانهار ومن شر الفساق والفجار والكهان والسحار والحساد
والدعار والاشرار ومن شر ما يلج في الارض وما يخرج منها
وما ينزل من السماء وما يعرج اليها ومن شر كل ذي شر ومن
شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم فان
تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم واعوذ بك اللهم من الهم والغم والحزن و
العجز والكسل والجبن والبخل ومن ضلع الدين وغلبة الرجال
ومن عمل لا ينفع ومن عين لا تدمع ومن قلب لا يخشع ومن دعاء
لا يسمع ومن نصيحة لا تنجع ومن صحابة لا ترتدع ومن اجماع
على نكر وتودد على خسر او تواخ على خبث ومما استعاذ

منه

منه محمد و اله صلی الله علیه و اله و ملائکتک المقربون و
الانبیاء المرسلون و الائمة المطهرون و الشهداء و
الصالحون و عبادک المتقون و اسالک اللهم ان تصلی
علی محمد و ال محمد و ان تعطینی من الخیر کله ما سالوا و ان
تعیذنی من الشر ما استعاذوا و اسالک اللهم من الخیر کله
عاجله و اجله ما علمت منه و ما لم اعلم و اعوذ بک یا رب من
همزات الشیاطین و اعوذ بک یا رب ان یحضرون بسم الله
علی اهل بیت النبی محمد صلی الله علیه و اله بسم الله علی نفسی
و دینی بسم الله علی اهلی و مالی بسم الله علی کل شیء اعطانی
ربی بسم الله علی احبتی و ولدی و قرابتی بسم الله علی جیرانی
المؤمنین و اخوانی و من قلدنی دعاء او اتخذ عندی یدا او
اسدی الی برا من المؤمنین و المؤمنات بسم الله علی ما رزقنی ربی
و یرزقنی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السما
و هو السمیع العلیم اللهم صل علی محمد و ال محمد و صلنی بجمیع
ما سالک عبادک المؤمنون ان تصلهم به من الخیر و ان
تصرف عنی جمیع ما سالک عبادک المؤمنون ان تصرفه عنهم
من السوء و الردی و زدنی من فضلک ما انت اهله و ولیه

یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد و اهل بیته الطیبین
و عجل اللهم فرجهم و فرجی و فرج عن کل مهموم من المؤمنین
و المؤمنات اللهم صل علی محمد و ال محمد و ارزقنی نصرهم
و اشهدنی ایامهم و اجمع بینی و بینهم فی الدنیا و الاخرة
و اجعل منک علیهم واقیة حتی لا یخلص الیهم الا بسبیل
منک
خیر و علی من معهم و علی شیعتهم و محبیهم و علی اولیائهم
و علی جمیع المؤمنین و المؤمنات فانک علی کل شیء قدیر بسم
الله و بالله و من الله و الی الله و لا غالب الا الله ما شاء الله
لا قوة الا بالله حسبی الله توکلت علی الله و افوض امری الی الله و
التجئ الی الله و بالله احاول و اصاول و اکاثر و افاخر و اعتز و
اعتصم علیه توکلت و الیه متاب لا اله الا الله الحی القیوم عدد
الثری و الحصی و النجوم و الملائکة الصفوف لا اله الا الله وحده
لا شریک له العلی العظیم لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین   از حضرت سلمان مرویست که هر کس که صبح سه مرتبه
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین الحمد لله حمدا
کثیرا طیبا مبارکا فیه خداوند از گوینده هفتاد نوع بلا را دفع
میکند که پست ترین آنها هم باشد بعد از نماز صبح مستحب است

بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا
حول ولا قوة الا بالله زنة عرشه ومثله ومداد کلماته ومثله
وعدد خلقه ومثله وملاء سمواته ومثله وعدد ما احصی
کتابه ومثله وعدد ذلک اضعافا واضعافه اضعافا مضاعفة
لا یحصی تضاعیفها احد غیره ومثله بعد از نماز صبح ده مرتبه
هم بخواند این صلوات مستحبست اللهم صل علی محمد وآل محمد
بافضل صلواتک وبارک علیهم بافضل برکاتک والسلام
علیهم وعلی ارواحهم واجسادهم ورحمة الله وبرکاته
ونیز مستحبست بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید اللهم ما اصبح
بی من نعمة او عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک
لک لک الحمد ولک الشکر بها علی حتی ترضی وبعد الرضا
در خبر است که هر کس بعد از نماز صبح وظهر بگوید اللهم اجعل
صلواتک وصلوة ملائکتک ورسلک علی محمد وآل محمد
در آن سال هیچ گناهی براو نوشته نشود کفعمی در مصباح خود
روایت کرده است که مستحبست هر روز هفت مرتبه گفته شود
الحمد لله علی کل نعمة کانت او هی کائنة ونیز خوانده شود سبحان
الله کما ینبغی لله والحمد لله کما ینبغی لله ولا اله الا الله کما

ینبغی

ینبغی لله ولا حول ولا قوة الا بالله وصلی الله علی محمد وعلی
اهل بیته وعلی جمیع المرسلین حتی یرضی الله ابن بابویه از
یوشع بن نون آسعد بن عبد الله بسند کتابی جود برفضیلت این
اذکار جمیله از حضرت امام رضا علیه السلام نقل نموده که در زمان بنی اسرائیل
قحطی شدید روی نمود مردم را اضطراب رو داد بنا بر این پیغمبری از پیغمبران
با خود صحیفه داشت که در آن کتاب حضرت یوشع بن نون وصی حضرت
موسی بود و در آن کتاب مکتوب بود ان ربکم بکم لرؤف رحیم الا ان
خیر عباد الله التقی الخفی وان شر عباد الله المشار الیه
بالاصابع فمن احب ان یکتال بالمکیال الاوفی وابکم انغ
حضوری اکه خدا برای تو احسن فرمود و بسبب آنها باو انعام کرده پس
باید هر روز این اذکار را بخواند گویند اگر حاجتی داشته باشد
بر آورده شود واگر دشمنی داشته باشد بر او افتاده خوار کردد واگر
مقروض باشد قرضش ادا شود واگر کربی در او باشد مکشوف
و کلامش سموات را خرق کرده تا در لوح محفوظ مکتوب افتد و از
حضرت رسول الله مرویست که هر کس هر روز ده مرتبه بگوید اعددت
لکل هول لا اله الا الله ولکل هم وغم ما شاء الله ولکل
نعمة الحمد لله ولکل رخاء الشکر لله ولکل اعجوبة سبحان الله

وَلِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَلِكُلِّ مُصِيبَةٍ إِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ
رَاجِعُونَ وَلِكُلِّ ضِيقٍ حَسْبِيَ اللّهُ وَلِكُلِّ قَضَاءٍ وَقَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى
اللّهِ وَلِكُلِّ عَدُوٍّ اعْتَصَمْتُ بِاللّهِ وَلِكُلِّ طَاعَةٍ وَمَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ حقتعالی جل و علا چهار هزار گناه کبیره
از او بخشد و کفایت فرماید از برایش شر موت و ضغطهٔ قبر و نشور
و حساب و صراط و میزان و جمیع اهوال قیامت را و اهوال قیامت صد
هزار هول است که سهل‌ترین آنها مردن است و هم خدا هم و غم او را کشف
فرموده و از هر کربت فرج برایش داده و از شر شیطان و لشکریان
محافظه کرده و قرضش را ادا فرماید در خبر آمده که هر که هر روز بگوید
جَزَى اللّهُ مُحَمَّداً صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ حقتعالی
هفتاد کاتب مبعوث فرماید که تا قیامت از برای گوینده آن حسنات
مرقوم دارند و نیز مستحبست که چهار مرتبه هر روز بگوید اَلْحَمْدُ
لِلّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ در خبرست که حضرت امام جعفر صادق از حضرت
ختمی مآب روایت فرموده است که هر که اَلْحَمْدُ لِلّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ بگوید
مشغول کند کتاب سما را پس کاتبان معروض دارند اللهم ما غیب را
نمیدانیم خداوند میفرماید بنویسید از آنها طوریکه گفته است
بندهٔ من و بر منست ثواب آن مرویست که حضرت داود گفت خدایا این

بحمید

بحمید یاد کرد اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ دَائِماً مَعَ دَوَامِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ
بَاقِياً مَعَ بَقَائِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ خَالِداً مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ
كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
حق جل و علا باو وحی فرمود بتحقیق حفظه را بتعب انداختی
اَلْحَمْدُ لِلّهِ مِنْ قِبَلِ الدُّنْيَا إِلَى فَنَائِهَا وَمِنَ الْآخِرَةِ إِلَى بَقَائِهَا
اَلْحَمْدُ لِلّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ وَأَسْتَغْفِرُ اللّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

چون این نسخهٔ شریفه عین نصاب الأعمال و الاذکار نسخه
بود که تا حال چنین نسخه طبع نشده بود بر حسب خواهش جناب
الحاج حاجی میرزا محسن قابی ملک التجار در کار
خانهٔ اوستاد عبدالله طبع کردید که انشاء الله هر کس
بخواند والدین بانی و باعث را از دعای خیر فراموش ننماید بنده
حرره علی ابن الحاج حاجی حسن تبریزی اللهم اغفر لی
و لوالدی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات بمحمد و آله صلوات
الله و سلامه علیهم اجمعین شهر رجب المرجب ۱۳۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

نادِ علياً مظهرَ العجائبِ تجدهُ عوناً لكَ
في النوائبِ لي الى الله حاجتي وعليه معوّلي
كلما احزنتُ و رميتُ منقضي في ظلِّ الله
وبظلِّ الله لي ادعوك كلُّ همٍّ وغمٍّ سينجلي
بعظمتك يا الله بنبوتك يا محمد بولايتك
يا علي يا علي يا علي ادركني بحق لطفك الخفي
الله اكبر انا من شرّ اعدائك بريءٌ الله
صمدي وعليك معتمدي بحق اياك نعبدُ و
اياك نستعين. يا ابا الغيث اغثني يا ابا الحسنين

ادركني

ادركني يا سيف الله ادركني يا باب الله ادركني
يا حجة الله ادركني بحق لطفك الخفي يا قهار
تقهرت بالقهر والقهر في قهرك يا قهار
يا قاهر العدو و يا والي الولي يا مظهر العجائب
يا مرتضى علي رميت من بغى علي بسهم الله و
سيف قاتل افوض امري الى الله ان الله بصير
بالعباد والهكم اله واحد لا اله الا
هو الرحمن الرحيم برحمتك يا ارحم
الراحمين ١٣١٣